

صنعتگران و دولت سخت گیر در سال ۱۴۰۳

نخبه خصوصی

اتاق ایران همچنان منتقد

کارنامه بانک مرکزی

دلار بانک مرکزی را
دریبل کرد

پایان جهان

عصر طلایی
اقتصاد چین

باور دارم و امیدوارم!

پیام نوروزیهندس محسن خلیلی

زکوی یارمی آید نسیم باد نوروزی از این بادارمدخواهی چراغ دل برافروزی





OTCE

شرکت تجهیزات توربو کمپرسور نفت

Empowered Knowledge | Sustainable Services



تأمین قطعات



اجرا و راه اندازی



طراحی مهندسی



■ طراحی، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ جهت استفاده در ایستگاه های اکسیژن، خطوط انتقال گاز، واحدهای Crack-Gas و بازیابی اتان.

■ طراحی، ساخت و تامین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ فرآیندی، گازهای اسیدی، مبرد و اتیلین API617

■ قابلیت انجام تست عملکردی و مکانیکال انواع کمپرسور سانتریفیوژ رفت و برگشتی و اسکرو تا سطح توان 100MW در مبنای استاندارد API617 و ASME PTC10

■ قابلیت انجام Complete unit test با محرک های الکتریکی (تمامی سطوح ولتاژ MV و LV)، توربین بخار و توربین گاز بر مبنای استاندارد API615

طراحی، ساخت و تأمین

انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ رفت و برگشتی



office@otce-co.com

021-88604735-36-38

021-88604739

tulips

Ideas for Happiness



www.neico-electric.com

Chilli Mango Sauce

Pasteurized



یک نام و هزار لبخند

۱۴۰۳

سال نو مبارک



گروه کارخانجات مقصود

Grand Maghsoud Group

قاشق و چنگال

تولید شده در گروه کارخانجات مقصود



WWW.GRANDMAGHSOUD.COM



گروه کارخانجات مقصود

Grand Maghsoud Group

چینی مقصود

تولید کننده گروه کارخانجات مقصود

رمضان كريم

كل عام وكل مسلم في شهر رمضان بخير

رمضان كريم

Ramadan Kareem



WWW.GRANDMAGHSOUD.COM



RAZI
Chemical Co.

چسب قطره ای **MINI**

رازی



Razichemicals



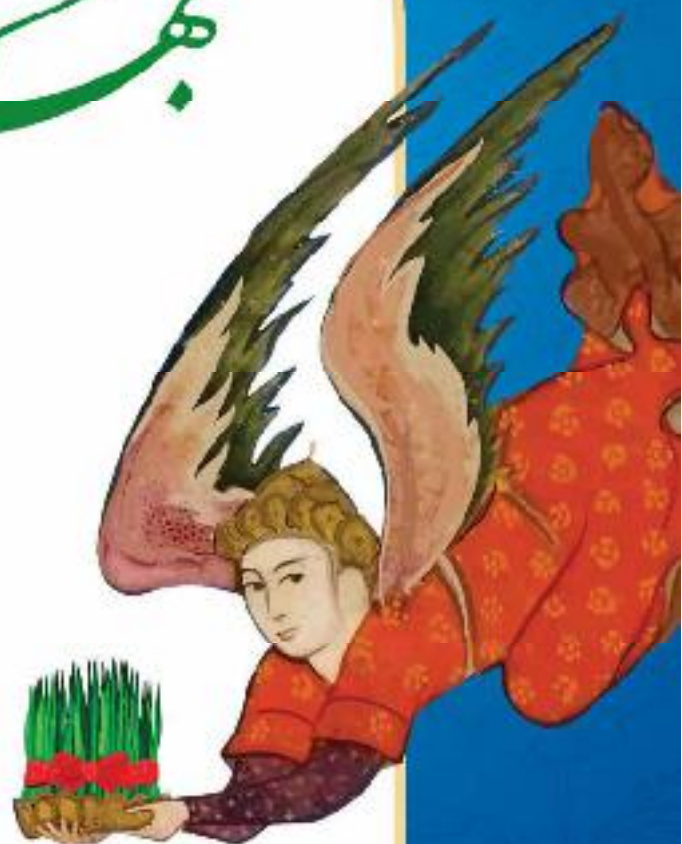
021 88 550 523



Razichemical.com

فرخنده باد بر شما مقدم

بهرک رو نوروز



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



با آرزوی سلامتی و برکت روزافزون برای همگان به استقبال بهار می‌رویم! امیدواریم سال ۱۴۰۳ سالی سرشار از صلح و آرامش، همراه با رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی بوده و مایه در کنار سایر فعالان اقتصادی نقش مؤثری در توسعه کشور و رونق کسب‌وکار آنان داشته باشیم.



خبری، تحلیلی، آموزشی، پژوهشی و اطلاع رسانی
شماره ۱۵۸ - اسفند ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی رویانی

سرمدبیر: محمدصادق چنان صفت

اعضای تحریریه: شیدا مسوده - احسان چنان صفت
فریدون سعدی

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:
علی صابری

ویراستار:
فاطمه ابراهیمیان

تیراژ:
حمیدرضا خداپاشی

نشانی: تهران، خیابان استاد مطهری، روبه روی خیابان میرعماد
پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم
تلفن: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر مآخذ آزاد است
نظم نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مسابقاتها
ازوما نظر این نشریه نیست
مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است
نشریه در انتخاب و ویرایش متن آزاد است
مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود
مقالات رسیده پس داده نخواهد شد
متن اصلی مقالات ترجمه شده به پوست ارسال شود
مقالات روی بکسلف آر ۸۴ نوشته بخانه این مطبوعات چاپ شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.com مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نوشتیش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سیاست های آسیب زنده به تولید



قیمت گذاری دستوری و ارز ۲۸ هزار ۵۰۰ تومانی یک عدم تعادل را در کشور ایجاد کرده و تقاضای کاذبی را در قسمت های مختلف به وجود آورده است. این مساله هم به تولید ضربه خواهد زد و نهایتاً باعث افت تولید، کاهش اشتغال، افزایش قیمت ها و یک تورم بیشتر از پیش خواهد شد و به صادرات شفاف هم ضربه خواهد زد. نهایتاً از این شرایط دلال و سوداگر منتفع می شود و دلال ها با پروانه شرکت هایی که فعال نیستند، وارد بورس کالا می شوند تا انتفاع لحظه ای ببرند و در حوزه صادرات هم به دلیل الزامات برون سپاری ارزی، کالا در نهایت قاچاق خواهد شد و صادرکنندگان مجهول الهویه با کارت های اجارهای سبب خواهند شد، مواد اولیه ای که باید در زنجیره تولید قرار بگیرد، صادر شود. هم صنایع ایران از استفاده از مواد اولیه محروم شوند...

◀ صفحه ۵

اتاق ایران همچنان منتقد



در نهمین نشست از دوره دهم هیات نمایندگان اتاق ایران در حالی برگزار شد که پس از داستان اختلافها بر سر بودن یا نبودن حسین سلاحورزی در مقام ریاست اتاق از سوی دولت و هیات رییسه حالا او رفته بود و صمد حسن زاده از صنعتگران قدیمی ایران که عضو هیات مدیره انجمن مدیران صنایع ایران نیز بوده است بر صندلی ریاست نشسته بود. نشست هیات نمایندگان اتاق ایران در دوره دهم با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت برگزار شد. نهمین نشست هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با حضور حداکثری نمایندگان بخش خصوصی برگزار شد. این نشست میزبان عباس علی آبادی، وزیر صنعت، معدن و تجارت است...

◀ صفحه ۱۹

دلار بانک مرکزی را در پیل کرد



بنابر گزارش ها قیمت هر دلار در بازار به ۶۰ هزار تومان رسیده و نیز با وجود حراج سکه قیمت سکه هم روندی فزاینده دارد. با وجودی که مدیران ارشد اقتصادی از جمله دو سیاست گذار اصلی یعنی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی و رسانه های هوادار دولت بارها و بارها هراس دلاری را فریاد زدند، اما قیمت دلار همچنین روندی فزاینده دارد. این اتفاق نشان می دهد قیمت دلار از هیچ نیروی سیاسی و اقتصادی با نفوذ در سیاست و اقتصاد کشور فرمان نمی برد و از قانون خود تبعیت می کند. قیمت های بالنده دلار در بازار آزاد مویید این است که سرکشی دلار از فرمان های سیاسی و تصمیم های ناسازگار همچنان ادامه دارد. هنگامی که دولت دهم نتوانست با وجود درآمد ارزی افسانه ای بازار ارز را کنترل کند و قیمت ها از هر دلار از ۱۰۰۰ تومان به ۳ هزار تومان رسید و هنگامی که دولت دوازدهم نتوانست قیمت را در اندازه هر دلار برابر با ۵ هزار تومان تثبیت کند و قیمت هر دلار به ۲۰ هزار تومان رسید، دولت سیزدهم هم باید می دانست...

◀ صفحه ۳۷

باور دارم و امیدوارم! زکوی یارمی آید نسیم باد نوروزی از این بادار مددخواهی چراغ دل برافروزی



خداوند متعال را سپاسگزارم که سال و مجالی دیگر را برای زیستن در این جهان و در این پهنه زیبا، ایران عزیز فرصت داد. فرصتی که شایسته است در مسیر کاهش درد و رنج و آلام بشری و ایجاد خوشبختی و سعادت و رفاه انسان‌ها از آن بهره برد. آرزویی که البته به سادگی و یکباره بدست نمی‌آید.

این ارادتمند همواره از امید گفته ام و با امید زیسته‌ام. امیدی البته نه کاذب و خواب‌کننده که امیدی فعالانه و برانگیزاننده برای ساختن و پرداختن میهن عزیز در سمت و سوی توسعه و پیشرفت و برآمدن آزادی و رفاه و خیر همگانی.

این روزها اما حال و روز میهن مان خوش نیست. حدود یک دهه فشار تحریم‌های بین‌المللی و سوء سیاست‌های داخلی، اقتصاد ملی را بیش از هر زمان دیگری کوچک و ضعیف و سفره و کار و کسب مردم را خالی تر و کم رونق تر کرده است. وضعیتی که بی شک شایسته و سزاوار این سرزمین غنی و مردم مستعد نیست؛ سرزمینی دارای منابع سرشار نفتی و گازی و معدنی و موقعیت استراتژیک و پیشینه غنی فرهنگی و تمدنی و جوانانی با استعداد و تحصیلکرده و... به قولی

"آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری!"

این ثروت‌های خدادادی و مزیت‌ها و داشته‌های فرهنگی و تاریخی، پشتوانه‌هایی بس ارزشمند را در اختیار جامعه ایران می‌نهد تا در سایه اتخاذ یک راهبرد و برنامه منسجم علمی و وجود مجریانی شایسته و وطن دوست و مشارکت همه مردم و بخصوص افراد متخصص و نخبه و نهادها و تشکل‌های مدنی و صنفی و سیاسی، آینده‌ای درخشان و در خور نام و آوازه این مردم و سرزمین رقم زده شود.

اگر متأسفانه تا امروز کمتر چنین شده است و این مزیت‌ها و ثروت‌های ملی در مسیرهای غلط و بیهوده هرز رفته و تباہ شده و کمتر تأثیری در بهبود رفاه و آسایش مردم و شکوفایی این ملک داشته و با مردمی فقیر و سرزمینی در تنگنای آب و آبادانی مواجه ایم، همه ما مقصریم، هر یک به اندازه و سهم خود! پس تغییر این وضعیت و بهبودی حال مام میهن و مردم درد و رنج کشیده نیز وظیفه تک تک ماست، هر یک به میزان و سهم توان خود!

وظیفه همه ماست که از دولتمردان و تصمیم گیران مان بخواهیم از در آشتی و صلح و کاهش

تنش و تضاد با جهان برآیند و از آنان بخواهیم که فضای جامعه را برای بازیگری فعالان اقتصادی و سیاسی و مدنی و نهادها و تشکل‌های برآمده از آرا آزاد شهروندان باز و گشوده نمایند و هر یک از ما نیز در قالب این نهادها و تشکل‌ها هر چه متمرکزتر و هدفمندتر در جهت کمک به حکومت در ایفای این نقش و رسالت کوشا باشیم. اقدامی که این ارادتمند در این سال‌های سالخوردگی سعی نموده ام با همکاری تعدادی از فرهیختگان و نخبگان اقتصاد و صنعت میهن مان در قالب تاسیس "بنیاد توسعه صنعتی محسن خلیلی" برای پشتیبانی و حمایت از اجرای تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی در حوزه توسعه صنعتی به انجام رسانم.

باور عمیق دارم که شاید هیچ زمانی چون امروز، در جهانی چنین متنوع و متکثر، امکان زایشی ملی برای ایران عزیز و ایرانیان فراهم نبوده است. کافی است امیدوار باشیم و امیدوارانه بکوشیم که: نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد / عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد.

نوروزتان مبارک، سعادتتان پاینده و مهرتان پایدار. مهندس محسن خلیلی

صنعتگران و دولت سخت گیر در سال ۱۴۰۳

دولت سخت گیر

با تحولات عجیب روبه‌رو شده است. واقعیت این است که نهاد دولت دیگر آن استواری پیشین را در تنظیم بودجه سالانه ندارد و نمی‌توان از این راه به تغییرات احتمالی دسترسی کامل داشت. دولت‌های ایران دیگر فاقد استقلال مفید از دیگر نهادها هستند و در داستان بودجه علاوه بر شورای نگهبان شاهد دخالت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام هستیم. با این همه می‌توان حدس زد دولت در سال آینده راه‌های اندکی برای تامین درآمد پایدار در بخش درآمد است و می‌خواهد هرچور که شده این کمبودهای احتمالی را با افزایش مالیات‌های گوناگون پرکند. دولت ایران در حال حاضر برای پرکردن سوراخ‌های بودجه چشم به جیب و صندوق بنگاه‌ها و شهروندان دوخته است. علاوه بر این دولت سیزدهم در وضعیتی قرار دارد که در سال ۱۴۰۳ باید خودی نشان دهد و رفتارهایی به نمایش بگذارد که بتواند در بهار ۱۴۰۴ بازهم رای شهروندان را به دست آورد.

حالا ایرانیان فهمیده‌اند نقش سیاست خارجی در زندگی و کسب و کارشان بسی فزاینده‌تر از چیزی بوده و هست که رویش حساب باز کرده‌اند و به همین دلیل صنعتگران ایرانی نیز باید در این باره خوب بیندیشند و برنامه‌ریزی کنند. در صورتی که بخواهیم توصیه کارشناسانه به صنعتگران داشته باشیم باید با صراحت بنویسیم امیدی به رفتار کارآمد از سوی دولت برای صنعتگران وجود ندارد. صنعتگران باید روی پای خود بایستند و همه زور خود را جمع کنند تا سال ۱۴۰۳ را نیز از سر بگذرانند. دولت براساس اندیشه‌ای که بر

شهروندان ایرانی نیز همانند دیگر آدمیان در دنیای امروز دوست دارند بدانند فردا و فرداهایی که می آیند باید چشم انتظار کدام رویدادها باشند تا بتوانند برنامه ای برای کسب و کار و زندگی خود دست کم در چارچوب دگرگونی های آینده سرزمینشان آماده کنند و کمتر آسیب پذیر باشند. باید گفت شوربختانه به دلایل گوناگون در ایران به این دلیل که نهادهای پژوهشی مستقل از نهادهای اصلی قدرت وجود عینی ندارند این پیش بینی ها بسیار اندک است. علاوه بر این نهادهای پژوهشی دولتی نیز نتایج دستاوردهای خود را به روی افکار عمومی باز نمی کنند اجازه ندارند پژوهش مستقل از اراده دولت داشته باشد. این وضعیت راه را برای گمانه زنی ها از سوی نهادهای خصوصی و نیز از سوی کسانی که آشنایی و تخصص در یک رشته دارند به شکل روزافزونی خودنمایی می کند.

یکی از راه‌های پیش‌بینی کردن درباره آینده در ایران بررسی‌های کارشناسانه بر روی بودجه سالانه بوده و هست. به این معنی که این پدیده اراده دولت را در قالب اعداد در هر موضوعی به شکلی ترسیم می‌کنند و مدیران بنگاه‌ها با بررسی این اعداد می‌فهمند سال بعد در کجا باید چه کاری کنند یا چه کاری نکنند. در سال‌های پیشین که مجلس و دولت زاویه نگاه داشتند این بودجه‌ها راهنمای بهتری برای تغییرات احتمالی را می‌دادند اما هنوز بودجه سال ۱۴۰۳ در ابهام است و در حالی که ۱۵ اسفند نیز گذشته است بودجه



محمد صادق جناب صفت

سر دیپر

واقعیت این است که فعالان اقتصادی در بخش خصوصی به ویژه بخش صنعت که فعالیت‌هایی آشکار و بر روی زمین است روزهای پر ابهامی را پشت سر می‌گذارند و این روزها که سال جاری روزهای پایانی خود را پشت سر می‌گذارد می‌خواهند بدانند برای سال بعد چه باید کنند؟ آیا راهی برای فهمیدن تحولات آتی در سال آینده وجود دارد؟ به این معنی که آیا فعالان صنعتی می‌توانند از میان ابر و مه و غبار پراکنده در سپهر سیاست و اقتصاد سیاسی چیزی را ببینند و بر پایه آن برنامه‌ریزی کنند. برخی شاید باور ندارند برای سال ۱۴۰۳ می‌توان برنامه‌ریزی کرد و از این کار اجتناب کرده و راهبرد مدیریت روزمره را در دستور کار قرار داده و باور دارند باید هر روز بر پایه رخدادهای احتمالی درباره آن روز تصمیم گرفت. این گروه باور دارند اقتصاد کلان در ایران به اندازه‌ای آشفته است که واقعا نمی‌توان برای یک سال آتی برنامه‌ریزی کرد. این گروه می‌گویند برنامه‌ریزی در شرایطی بی‌ثباتی تصمیم‌گیری‌های نهادهای حاکمیتی کاری بیهوده است. گروه دیگری اما باورشان این است که بهترین راه برای برنامه‌ریزی روند دگرگونی‌های سیاست‌گذاری از سوی نهادهای اصلی فرماندهی و نیز برخی شاخص‌های دیگر است. به‌طور کلی این گروه باورشان این است که از پس هر رویدادی می‌توان راه‌های کارآمدتر را یافت.

غصه‌های مسعود نیلی

مسعود نیلی از جمله اقتصاددانان سرشناس ساکن ایران است که در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شکل‌های گوناگون با اقتصاد کلان سر و کار دارد. آنهایی که وی را از نزدیک می‌شناسند می‌دانند او یکی از سرسخت‌ترین علاقه‌مندان به ایران زمین است.



نیلی را می‌توان عقل سرد نامید. فردی که به آینده ایران با همه دشواری‌ها امیدوار بوده است. وی در یک دگرگونی رویکردی تازه در ماه‌های گذشته به جای نصیحت کردن مدیران و اراده‌کنندگان کشور به آگاهی‌بخشی شهروندان روی آورده است. روز دوشنبه این هفته مسعود نیلی در رویدادی نو و برای شاید نخستین بار در چنین نشست‌هایی به جای سخنرانی‌های معمول یک متن با خودش آورد و آن را خواند. متنی که احساس در آن موج می‌زد را برای حاضران خواند و امیدوار بود و هست که این متن به اطلاع گروه‌هایی مثل دانشجویان، فعالان اقتصادی و نیز علاقه‌مندان به اقتصاد سیاسی برسد. در متن ارایه‌شده نیلی که در بخش‌هایی از آن و در هنگام خواندن نبض وی آشکار می‌شد نکات قابل تاملی درباره دیروز، امروز و فردای میهن عزیزمان ایران آمده است. وی از جوانی‌اش گفت و اینکه چه رویاهایی برای ایران عزیز داشته است. او گفت ایران می‌توانست در اندازه‌های بزرگ ظاهر شود و کشوری با تولید درآمد و ثروت بسیار بالاتر از اندازه فعلی باشد، اما این رو یا هرگز لباس عمل نپوشید. مسعود نیلی در بخش دیگری از سخنانش به از دست رفتن ثروت ملی و هدر دادن ثروت ایران عزیز اشاره و تاکید کرد اقتصاددان خوش‌بین گذشته و واقع‌نگرتر امروز از فعالان کسب‌وکار در ایران و علاقه‌مندان به ایران‌زمین تمنا کرد راهی بیابند که ایران عزیز با مرگ تدریجی از دنیای امروز بیرون نشود. واقعیت این است که اقتصاددانان ایرانی چند سالی است به مرور به این نتیجه رسیده‌اند که باید به جای رویکردهای پیشین و نصیحت کردن مدیران و مسوولان اقتصادی و سیاسی کشور که سیاست‌گذاری‌های ضربه‌زننده به معیشت و روزی مردم است را کنار بگذارند و بهتر است به شهروندان آگاهی داده شود. اقتصاددانان ایران به ویژه آنهایی که هوادار تحولات عمومی دانش اقتصاد هستند اکنون به این باور می‌رسند که باید «اقتصاد سیاسی» ایران را کالبدشکافی کرد و پیامدهای سیاست خارجی ایران و نیز سیاست داخلی را زیرتغ نقد قرار داد. تا روزی که سیاست خارجی ایران به شرایط متعادل، توازن و نیز پیروی از منافع ملی نزدیک نشود کار اصلاحات به جایی نمی‌رسد. تا روزی که در سیاست داخلی حذف نخبگان و رقبا ادامه دارد و شایستگان جایی در اداره کشور ندارند دل‌ها پر از غصه خواهد شد و بغض‌ها می‌ترکند.

آن حاکم است قصد ندارد راهی به سوی خارج باز کند و فشار مالیاتی شدیدی بر بخش صنعت خواهد آورد. دولت در ۱۴۰۳ با هدف مهار تورم درباره ارز سختی‌های بیشتری بر تولید صنعتی تحمیل خواهد کرد.

تحریم تخریبگر

صنعتگران ایرانی برای اینکه بتوانند مسیرها و روندها را در ایران پیگیری کنند باید به سیاست خارجی همچون فانوس دریایی نگاه کنند. به این معنی که اگر نوری از این فانوس راه‌های برون‌رفت از بحران را نشان داد آنها نیز تندتر پارو بزنند. واقعیت این است که سیاست خارجی ایران گونه‌ای آرایش یافته است که بر رفتار کلی نهادهای حاکمیتی از جمله دولت اثرات غیرقابل انکار دارد. اقتصاد ایران در کانون سیاست خارجی قرار دارد و تا روزی که تحریم گسترده اعمال می‌شود نباید انتظار داشت صنعت ایران به ویژه از نظر تعامل با جهان در حوزه بازارها و تکنولوژی راهی پیدا کند. به این ترتیب است که قدرت رقابت‌پذیری ایران در تولید صنعتی در برابر رقبا پایین می‌ماند. تحریم همچنین کار را برای توسعه صادرات به شکل عادی سخت می‌کند. ادامه تحریم صادرات نفت ایران این وضعیت که دولت به سوی بخش خصوصی رو کند تا از آنها مالیات بگیرد یا آنها را وادار کند قیمت‌گذاری دستوری را قبول کنند افزایش می‌دهد. ادامه تحریم‌های ایران از سوی غرب راه را برای ورود سرمایه خارجی همچنان مسدود می‌کند و از این نظر نیز بنگاه‌های صنعتی نمی‌توانند به سرمایه‌آرزی مناسب دست پیدا کنند.

نتیجه‌گیری: شاید در دنیای بیرون از ایران رخدادهایی را شاهد باشیم که صنعتگران ایرانی را از روزهای سخت‌رها کند اما در داخل چنین روزنه‌ای را نمی‌بینیم. صنعتگران ایرانی همانطور که در بالا توضیح داده شد در سال ۱۴۰۳ با دولتی سخت‌گیر و تحریم‌هایی ویرانگر باید دست و پنجه نرم کنند. برنامه خوش‌بینانه را باید کنار گذاشت و واقعیت‌ها را دید.

کتاب نیلی و چهره مبهم او در روز رونمایی از کتاب برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۵۶-۱۳۱۶ و اصرار بر خواندن متن عجیب صفی اصفیا نشان از روزهای نه چندان شاد برای مسعود نیلی داشت. مسعود نیلی رفتار ۷ سال پیش در اسفند ۱۳۹۶ را در درون خود بزرگ و بزرگ‌تر کرد تا در همین روزها و باز هم در اسفندماه یک سخنرانی احساسی داشته باشد. او چند روز پیش در جمع فعالان اقتصادی ایران از بخش خصوصی متنی را که آماده کرده بود خواند. راستگویی، درستگویی و نیز دلسوزی برای ایران ارجمند، چون راستگویانه این را می‌خواند از سوی یک استراتژیست اقتصاد ایران راه را بازتاب گسترده ماهیت این سخنرانی نیلی هموار کرد. نیلی در سخنانش در جمع فعالان اقتصادی با بغض گفت: ایران را از دست ندهیم، ایران باید بماند و به از دست رفتن ثروت ملی و هدر دادن ثروت ایران عزیز اشاره کرد. او از فعالان کسب‌وکار در ایران و علاقه‌مندان به ایران‌زمین تمنا کرد راهی بیابند که ایران عزیز با مرگ تدریجی از دنیای امروز بیرون نشود. برگشت به متن زندگی شهروندان و آگاهی‌بخشی به آنها از سوی مسعود نیلی می‌تواند سرمشق اقتصاددانان جوان باشد و آنها را پیش از اینکه دیر شود به نوشتن و گفتی درباره ایران و ایرانیان تشویق کند.

متن کامل سخنان تکان دهنده دکتر مسعود نیلی

چهل سال پیش وقتی پا به عرصه علم اقتصاد گذاشتم، سوال‌هایی بزرگ مرتبط با آرزوهایی بزرگ‌تر در سر داشتم. با اشتیاق می‌خواستم بدانم چگونه می‌توان به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل شد. برای دانستن اینکه آنانی که به این مرحله رسیده‌اند، چه کرده‌اند سر از پا نمی‌شناختم. اینکه یک کشور در حال توسعه برای آنکه بتواند به رشدهای اقتصادی بالا دست پیدا کند لازم است چه کار کند

برایم دغدغه‌ای جدی بود. طی ۴۰ سال گذشته، بخش زیادی از آنچه یاد گرفته‌ام، پاسخ‌های مختلف و از زوایای مختلف مرتبط با این سوالات بوده است. این سوالات مربوط به رویاهایی بوده‌اند که از همان سال‌های اول در سر داشتم. این رویاها هرچند هیچگاه من را رها نکرده‌اند اما به عبور از مراحل جوانی به میان‌سالی و سپس مراحل بعدی، تنها یخته‌تر، به‌هنگام‌تر و واقع‌بینانه‌تر شده‌اند.

در مسیر شکل‌گیری و تحولات رویاهایم، توسعه‌یافتگی کشورم را در گاز با قطر، در نفت با عربستان، در توریسم و صنعت با ترکیه و در موقعیت ممتاز جغرافیایی با امارات به عنوان کشورهایی که هر کدام به‌طور منفرد فقط یکی از مواهب ما را دارند، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دادم.

وقتی فشار مشکلات طاقت‌فرسا می‌شود، چشم‌ها را می‌بندم و به رویاهایم می‌اندیشم. با خودم می‌گویم، کشوری که در گاز رتبه دوم جهانی را دارد، حتماً می‌توانسته اصلاً به اندازه نصف همسایه‌اش قطر، گاز صادر کند. کشوری که دارای رتبه چهارم در برخورداری از

مسعود نیلی در همه سال‌های پس از جنگ کوشش سازمان‌یافته، گسترده و سختی برای بنا نهادن ساختمانی از جنس خرد انسانی و دانش اقتصاد برای بهروزی ایرانیان و دور کردن این سرزمین از نادانی و فرمانروایی دهشتناک بازدارنده فرمانروایی ناجور به همراه دوستان نزدیکش، را از سال‌های پس از جنگ در دستور کار داشته و دارد.

مسعود نیلی در همه این سال‌ها و در هر جایی که بود کوشش می‌کرد سیاست‌ورزان و سیاست‌گذاران را به راه خرد و دانش بکشاند و به گفته خودش در حالی که کامیابی‌هایی داشت، اما به سقف آرزوهایش نزدیک نشد. این رویکرد تازه نیلی به اینکه به جای نصیحت کردن بزرگان و سیاستمداران باید به سوی مردم رفت، البته ناگهانی نبوده است. همه آنهایی که در اسفند ۱۳۹۶ به دانشگاه شریف آمده بودند تا در گردهمایی کوچکی که برای رونمایی از کتاب تازه مسعود نیلی و یکی از همکارانش به نام «برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۱۶-۱۳۱۶» بود، سیمایی تازه از مسعود نیلی دیدند که برایشان این سیما در یک گردهمایی تازه بود. نیلی در اسفند ۱۳۹۶ و پس از پایان صحبت‌هایش تاکید داشت یک متن کوتاه منسوب به صفی اصفیا رییس سازمان برنامه و بودجه را بخواند. البته چهره مغموم و کمی برافروخته و مبهم نیلی در وقت خواندن نوشته اصفیا برای حاضران که بیشتر از کارشناسان و مدیران سازمان برنامه و بودجه و همکارانش بودند نیز جذاب بود و برخی از آنها این موضوع را تایید کردند. نیلی به صفحه ۶۰ کتاب تازه نوشته‌شده اشاره کرد و سخنان اصفیا را از همین کتاب برای حاضران خواند. صفی اصفیا درباره ایران و تاریخ آن چنین گفته است: «ایران سرزمین شگفت‌آوری است. بزرگ‌ترین مردان و پست‌ترین مردان در این آب و خاک پرورده شده‌اند. حوادثی که بر سر ایران آمده بدانگونه است، شکست‌های شرم‌آور، مصیبت‌های بسیار و کامروایی‌های بسیار، گویی روزگار همه بلاها و بازی‌های خود را بر ایران آزموده است. آن را بارها لب پرتگاه برده و باز از افتادنش بازش داشته، ایران شاید سخت‌جان‌ترین کشورهای دنیا باشد، دوره‌هایی بوده است که با نیمه‌جانی زندگی کرده، اما از نفس نیفتاده است، چون بیماری که می‌خواهند نزدیکان خود را بیازمایند، درست در همان لحظه که همه از او امید بر گرفته بودند، چشم گشوده و زندگی را از سر گرفته است.» نیلی در جمع‌بندی خود در کتاب یادشده نوشته است: توسعه ایران داستانی سرشار از غم‌ها و شادی زیاد است که سرنوشتی نامعلوم آن را رقم زده است. چالش میان تکنوکرات و سیاستمدار نمی‌تواند به شکل گذشته ادامه یابد. این چالش هم مانند بسیاری از چالش‌های دیگر که ناماندار می‌نمایند ما را در زمره جوامع در حال گذار قرار داده که نحوه این گذار و هزینه‌های انتقال، غیرقابل پیش‌بینی است.» این پایان غم‌انگیز برای



وقتی چشم‌هایم را باز می‌کنم و به اطرافم می‌نگرم، سیل غم‌ها به قلبم هجوم می‌آورد. آخر چطور ممکن است کشوری تا این اندازه ثروتمند، اینگونه فقیر باشد؟ آیا این باورکردنی است که کشوری با رتبه دوم گاز و رتبه چهارم در نفت، نه‌تنها در تامین انرژی جهانی جایگاهی نداشته باشد بلکه حتی در تامین انرژی مورد نیاز خود نیز دچار استیصال باشد؟ چطور می‌توان پذیرفت برای کشوری با این حجم عظیم از منابع، دولتی با کسری بودجه مزمن و رو به افزایش، ارایه‌دهنده خدماتی با کیفیت نازل باشد؟ تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان که فاقد هرگونه منابع طبیعی خدادادی بوده‌اند چگونه توانسته‌اند تورم‌های پایدار زیر ۵ درصد و نرخ‌های بیکاری زیر ۵ درصد و رشدهای اقتصادی بیش از ۵ درصد داشته باشند؟

چرا ما هنوز درگیر بحث‌های تمام‌نشدنی از قبیل اینکه عدالت اجتماعی بهتر است یا رشد اقتصادی - حال آنکه ما خود به هیچ‌یک دست نیافته‌ایم - یا اینکه علم اقتصاد علم است یا شبه‌علم هستیم؟ چرا درحالی که بانک‌های ما با نرخ‌های سود در دامنه ۳۰ درصد فعالیت می‌کنند، بانک‌های کشورهای دیگر را که با هزینه ناچیز فعالیت‌های اقتصادی را تامین مالی می‌کنند مورد نکوهش قرار می‌دهیم که ربوی هستند! درحالی که کالاهای مصرفی و بعضاً واسطه‌ای صنعتی مورد نیاز کشور از طریق مسیرهای کوهستانی و به‌طرزی عجیب و غیرانسانی وارد کشور می‌شود، چرا حاضر به پذیرش یک تجارت کم‌هزینه متعارف نیستیم.

به راستی آیا پاسخی در خور، به این سوالات وجود ندارد؟ آیا سر برآوردن این همه مساله از درون یک کشور، نبود آگاهی نسبت به چرایی بروز این مشکلات و عدم توان ارایه راه‌حل برای آنهاست؟ در حالی که منابع آبی کشور به سرعت در حال اتمام است، تولید انرژی کشور هیچ تناسبی با مصرف به‌شدت رو به افزایش آن ندارد و ما را به سرعت به بروز بحران انرژی نزدیک می‌کند، بودجه دولت به‌رغم ارایه حداقل خدمات، و میزان نازل سرمایه‌گذاری، با کسری نگران‌کننده روبرو است، صندوق‌های بازنشستگی ورشکسته هستند، بانک‌ها از مشکلات عمیق ناترازی و عدم کفایت سرمایه رنج می‌برند، نظام ارزی کشور به‌شدت فسادآفرین است، دریغ از یک سوال مسوولانه که چرا اینگونه شده‌ایم؟

وقتی سال ۱۳۹۶ نام این مشکلات را ابرچالش گذاشتم هدفم آن بود که عظمت مشکلات و کفایت آنها را برای مرگ تدریجی یک کشور که مادر عزیز همه ما محسوب می‌شود گوشزد کنم. از آن روز تاکنون، هر یک روز و یک ساعتی که گذشته، به زمان مرگ این مادر مهربان نزدیک‌تر شده‌ایم. در این فاصله و در سال‌های آتی، در مسیر این مرگ تدریجی، سیاستمداران ما چه جشن‌ها و شادمانی‌ها که در کنار این بیمار درحال احتضار برگزار نکنند و چه صدآفرین‌ها که به موفقیت‌های خود نگویند و از همه بدتر دو گروهی هستند که یک گروه به غارت منابع باقی‌مانده مشغول است و دیگری با جهل و تعصب، مسیر رو به مرگ را تسریع می‌کند. بدترین نوع شکست حکمرانی، شکست در تشخیص موقعیت است.

ذخایر نفتی است، یقیناً می‌توانسته به اندازه ۴ میلیون بشکه نفت در روز صادر کند.

ما حتماً قادر بوده‌ایم که با مشارکت تولیدکننده‌های صنعتی معتبر جهانی بزرگ‌ترین خودروساز و بزرگ‌ترین سازنده لوازم خانگی و ماشین‌آلات و تجهیزات در منطقه پیرامونی خود باشیم و بدون تردید ورود حداقل به اندازه نیمی از تعداد گردشگرانی که به ترکیه می‌روند به ایران تصویری خیالی محسوب نمی‌شده است.

با این محاسبات، ما می‌توانسته‌ایم در مجموع، حدود ۳۵۰ میلیارد دلار صادرات و تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار داشته باشیم.

تحقق تورم ۳ درصد و نرخ بیکاری در همین حدود و رشد اقتصادی بیش از ۵ درصدی آرزوهایی خیالی تلقی نمی‌شده است. در چنین اقتصادی، فقر و بیکاری از کشور رخت بر می‌بست و بی‌معنی می‌شد؛ دیگر کودکی زباله‌گردی نمی‌کرد؛ آن جوان رعنا، کول‌بری نمی‌کرد؛ آن آموزگار سخت‌کوش، مسافرکشی نمی‌کرد و آن بانوی زحمت‌کش، از فشار فقر به مرگ دسته‌جمعی خانواده‌اش رو نمی‌آورد. در آن رویای شیرین، بهترین دانشگاه‌های جهان با دانشگاه‌های خوب ما همکاری تنگاتنگی می‌داشتند و جوانان تربیت‌یافته ما در مراکز تحقیق و توسعه می‌توانستند هوش مصنوعی را به درون صنایع پتروشیمی و خودرو و دیگر صنایع ببرند.

ما می‌توانستیم در مرز تکنولوژی، سازنده خودروهای برقی و خودروهای بدون سرنشین باشیم. ما می‌توانستیم صادرکننده بزرگ صنعتی و خدماتی منطقه باشیم و کم‌آبی را کنترل کنیم. ایران می‌توانست مرکز مالی منطقه بزرگ پیرامونی خود باشد و از این طریق مساله‌ای به نام تنگنای تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی موضوعیت پیدا نمی‌کرد. زنان جوان و تحصیل‌کرده ما به‌جای تحمل نرخ‌های بیکاری بیش از ۵۰ درصد، می‌توانستند در کارخانجات و مراکز خدماتی پیشرفته کشور عزیزمان فعالیت کنند. شک نکنید که تعداد زاد و ولد نیز در آن حالت به مراتب بیشتر از حالت هشداردهنده فعلی می‌شد که شوربختانه به محرک‌های عجیب و ناکارآمدی که هر روز اعلام می‌شود پاسخی نمی‌دهد.

دولت ما می‌توانست بدون آنکه در تنگنای کسری بودجه مزمن باشد، با بودجه سالانه در حدود ۲۵۰ میلیارد دلار، خدمات عمومی را با کیفیت ممتاز ارایه کند، کارشناسانی با توان را به استخدام درآورد، سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کند.

آموزش و بهداشت را با کیفیتی قابل قبول در اقصا نقاط کشور عرضه کند. حمل‌ونقل عمومی را توسعه مکفی دهد به‌گونه‌ای که جابه‌جایی بار و مسافر با قیمت‌های واقعی انرژی به راحتی انجام شود. دولت می‌توانست منابع کافی را برای حفاظت از ظرفیت‌های زیست محیطی مانند دریاچه ارومیه عزیز از یک طرف و میراث فرهنگی و تاریخی از طرف دیگر، اختصاص دهد. به این فهرست رویایی می‌توان همچنان افزود و تصورات ذهنی را متعاقب آن به حرکت درآورد. اما واقعاً چه شده است که اینگونه نیستیم؟





سیاست‌های آسیب‌زننده به تولید

می‌کند و هم در مقابل تصمیمات سیاسی آن بازارهای هدف و هم در مقابل تحریم‌ها. قانون پیش‌بینی کرده یک درصد از مالیات ارزش افزوده که سهم شهرداری‌هاست به شهرکی پرداخت شود که واحد صنعتی پرداخت‌کننده مالیات بر ارزش افزوده در آن شهرک قرار دارد. اما با مخالفت‌های وزارت کشور این قانون اجرا نمی‌شود. شهرداری‌ها هم در عمل هیچ خدماتی به این شهرک‌ها نمی‌دهند و هیأت‌مدیره شهرک‌ها در عمل وظیفه شهرداری‌ها را برای ارایه خدمات انجام می‌دهند. اما تأمین هزینه این خدمات از محل شارژ دریافتی از واحدهای صنعتی غیرممکن است و این موضوع شهرک‌ها را در وضعیت بسیار بدی قرار داده است. این مشکل در تمام رشته‌های صنعتی وجود دارد. هزینه‌های شرکت‌ها با دلار آزاد ۵۰ تا ۵۵ هزار تومان تأمین می‌شود و دولت انتظار دارد این شرکت‌ها، ارز حاصل از صادرات خود را با قیمت‌های پایین‌تر در سامانه عرضه کنند. خواسته ما این است که بخش خصوصی واقعی از اعمال سیاست رفع تعهد ارزی مستثنی شود. حاشیه سود بخش خصوصی در صادرات، کمتر از ۱۰ درصد است و ما برای تأمین هزینه‌های خود ناگزیر به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات هستیم. اما خواسته ما این است که به قیمت مناسب و بدون زیان آن را برگردانیم. علیرضا کلاهی صمدی -سایت اتاق تهران

قیمت‌گذاری دستوری و ارز ۲۸ هزار ۵۰۰ تومانی یک عدم تعادل را در کشور ایجاد کرده و تقاضای کاذبی را در قسمت‌های مختلف به وجود آورده است. این مساله هم به تولید ضربه خواهد زد و نهایتاً باعث افت تولید، کاهش اشتغال، افزایش قیمت‌ها و یک تورم بیشتر از پیش خواهد شد و به صادرات شفاف هم ضربه خواهد زد. نهایتاً از این شرایط دلال و سوداگر منتفع می‌شود و دلال‌ها با پروانه شرکت‌هایی که فعال نیستند، وارد بورس کالا می‌شوند تا انتفاع لحظه‌ای ببرند و در حوزه صادرات هم به دلیل الزامات برون‌سپاری ارزی، کالا در نهایت قاچاق خواهد شد و صادرکنندگان مجهول‌الهویه با کارت‌های اجاره‌ای سبب خواهند شد، مواد اولیه‌ای که باید در زنجیره تولید قرار بگیرد، صادر شود. هم صنایع ایران از استفاده از مواد اولیه محروم شوند و هم رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه با اموال اولیه قاچاق که زیر قیمت به آنها فروخته می‌شود، بازارهای صادراتی را از ما می‌گیرند.

افت بهای صادراتی کالاهای ما نگران‌کننده است. متأسفانه در هر رشته‌ای بهای کالای صادراتی در ایران، به مراتب از همان کالایی که در آن رشته‌ها وارد می‌کنیم پایین‌تر است. محدود شدن کالاهای صادراتی کشور به چند دسته محدود و محدود شدن کشورهای هدف به چند کشور مشخص، هم ما را در مقابل نوسانات بازار جهانی آسیب‌پذیر

کاش این خبر نادرست باشد



انتخاب کسب و کار، انتخاب آزادتر نیروهای سیاسی در سازمان‌های انتخابی و... آزادی بیشتری داشته باشند. یکی دیگر از دلایل رشد مهاجرت نداشتن چشم‌انداز روشن و شفاف نسبت به آینده است. آیا ایران باید تا ابد با آمریکا نبرد کند؟ آیا ایران قرار است به سمت چینی یا روسی شدن رانده شود؟ آیا ایرانیان می‌توانند امیدوار باشند که دولت دست و پای خود را از کسب و کار آنها جمع خواهد کرد و آنها می‌توانند آزادانه کار کنند؟ آیا فعالان اقتصادی می‌توانند امیدوار باشند که دولت دست از سر آنها بردارد و دست آنها را باز بگذارد تا دادوستد در چارچوب همین قانون‌های موجود را انجام دهند؟ مدیران و اداره‌کنندگان کشور بدانند با زور و بگیر و ببند هیچ کاری نمی‌توان کرد و شهروندان در بدترین شرایط نیز خود را مهابی عبور از وضعیت سخت خواهند کرد. مهاجرت به هر حال انجام می‌شود و بهتر است در این باره کار را به بدترین شرایط که تقابل است نرسانیم.

منبع: روزنامه جهان صنعت

پیموده شده در دهه‌های تازه‌سپری شده چه تنگناهایی داشته و چرا ایرانیان به این سو رفته‌اند که با هر شرایطی از ایران خارج شوند.

اصلاحات ساختاری مورد نظر البته کار دشواری است و باید الزام‌های آن از سوی اداره‌کنندگان کشور شناخته و رعایت شود. گام نخست در مسیر اصلاحات ساختاری برگرداندن و تعادل بخشی به مقوله آزادی است. واقعیت این است که به رغم همه باز شدن گره‌ها از مقوله آزادی که ناشی از اراده‌ای بیرون از محیط ملی و حاکمیت است ایرانیان احساس می‌کنند، باید آزادتر زندگی کنند. نهاد حکومت در ایران با هر نیتی تصور می‌کند عقل و هوش بیشتری از شهروندان دارد و باید ایرانیان را به راهی که خود آن را راه اسلامی و مذهبی می‌داند هدایت کند.

شمار قابل اعتنایی از شهروندان ایرانی نشان داده‌اند با این اراده‌گرایی و ذهنیت سازگارند و می‌خواهند دست کم در انتخاب نوع پوشاک، نوع مرادوات با همتاهای خود،

کاش خبری که منتشر شد و نشان می‌دهد در پس ذهن برخی از مدیران درباره مهاجرت ایرانیان چه می‌گذرد از اساس نادرست باشد. در خبرها آمده است که یک مسوول البته در سطح میانی گفته که برای جلوگیری از مهاجرت ایرانیان پای نیروهای بازدارنده به میان کشیده خواهد شد. به این معنی که راه مهاجرت ایرانیان بسته و تنگ شود و به ویژه نخبگان در کشور باقی بمانند. این خبر و اندیشه بحث‌برانگیز، اما همانند هر کار دیگری که در همه تاریخ معاصر از سوی اندیشه‌های جزمی ارایه شده بی‌ثمر خواهد بود. شانس با ایرانی‌ها نبوده است که کشورهای همسایه‌شان مهاجرپذیر باشند و اگر چنین بود ایرانیان علاقه‌مند به مهاجرت همانند شهروندان ونزوئلا در دسته‌های چند ده هزار نفری از ایران می‌رفتند. حالا باید چه کرد؟ برای اینکه مهاجرت از ایران از حالت اپیدمی خارج شود و در شرایط تعادلی قرار گیرد باید اصلاحات ساختاری در اندیشه اداره کشور و تصمیم‌های مدیران پدیدار شود به این معنی که دقت شود راه



به اقتصاد نمی‌توان زور گفت

مزد و قیمت»، مولف رابرت شوئینگر است. چند دهه پیش یک اقتصاددان معتبر و باسواد که بزرگوار است چنانکه با همه حاضر به طرح مطلب حکمت هست نزد مقامی، که نامش را نگفت، رفت و از جمله گفت که در اقتصاد نمی‌شود زور گفت. آن مقام گفته بود «چرا نمی‌شود!» نه در جهت استفهامی. اگر آن مقام هنوز هم در صحنه هستند و مطلبی می‌خوانند باید بعد از چند دهه جواب خود را گرفته باشند و به

هزینه بیشتری برای جامعه زمینه‌سازی خواهید کرد. روسای بانک مرکزی متعددی را دیده‌ایم که به قول خیام «گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند» یعنی پس از مدتی طرح کردن وعده و وعید و قول و تهدید به دنبال کار دیگری رفتند. این تکرار هم برای عده‌ای محدود فایده دارد برای اقتصاد کشور هزینه دارد طبق روال متعارف. اصلاً کلی‌تر بگویم کتابی سال ۲۰۱۴ منتشر شد تحت عنوان «چهل قرن کنترل دست

ساعت ۲۴ - رییس بانک مرکزی ایران حکمی به این مضمون صادر کرده‌اند: تمام معاملات مردم باید با ریال انجام شود و در غیر این صورت قوه قضاییه ورود کند. مبارک است اما هرکاری کار قاعده دارد.

اگر ارزش پول کشور دچار بی‌ثباتی شود، خواهید دید در جلو چشم شما مردم با ابزار مالی و وسیله معامله قابل اتکا معامله خواهند کرد و طبق تجربه قرن‌ها کاری هم از پیش نمی‌برید و

چالش‌های کاهش تورم



عباس آرگون - یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها در اقتصاد ایران به بزرگ بودن دولت بازمی‌گردد. تصدی‌گری دولت در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی باعث شده که عملاً بخش‌های مستقل فضای کافی برای فعالیت پیدا نکنند و از سوی دیگر وقتی برای تامین منابع مالی دولت مشکل به وجود می‌آید شاهد آن هستیم که اقتصاد با مشکل مواجه می‌شود. وقتی با مشکلاتی چون محدود شدن درآمدهای نفتی مواجه می‌شویم و از سوی دیگر در تمام سال‌های گذشته، فکری دقیق برای دریافت مالیات عادلانه و دقیق نکرده‌ایم، شرایط ما را به سمت کسری بودجه می‌برد و همین موضوع می‌تواند به افزایش تورم منجر شود. از این رو تلاش برای کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت و توجه به ظرفیت‌های بخش خصوصی می‌تواند گامی مهم در مسیر کاهش تورم باشد. مسائلی چون کاهش تحریم‌ها، بهبود سطح روابط با دیگر کشورها چه در منطقه و چه در جهان، بازگشت ثبات به شاخص‌های اقتصادی و البته پیش‌بینی‌پذیر کردن آینده جزو مسائلی هستند که به ذهنیت جامعه درباره آینده اقتصاد نگاه مثبتی می‌دهند و همین موضوع می‌تواند انتظارات تورمی را کاهش دهد.

وقتی میزان دریافت مالیات‌ها از حدی بگذرد نه تنها درآمد دولت افزایش پیدا

منابع لازم از جیب مردم برای گذاشتن در جیب بخشی دیگر از مردم است. در این شرایط اقتصادی یک درصد هم رقم قابل توجهی است و شرایط را برای مردم سخت‌تر می‌کند. باید از این اقدام جلوگیری شود یا به تعویق انداخته شود زیرا در شرایط موجود مردم عادی توان تأمین هزینه‌های خود را ندارند. این افزایش بر قیمت کالاهای مصرفی تأثیر تورمی خواهد گذاشت و این افزایش در کنار تورم موجود و حاکم در جامعه شرایط را برای مردم مخصوصاً مردم ضعیف و محروم سخت و سخت‌تر خواهد کرد.

منبع: روزنامه تعادل

نمی‌کند بلکه کاهش هم پیدا می‌کند. در این شرایط اقتصادی درست است که بعضی از کالاهای اساسی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف شوند و باید این مسائل در افزایش مالیات بر ارزش افزوده لحاظ شود. با توجه به شرایط اقتصادی موجود در کشور افزایش مالیات بر ارزش افزوده یک فشار مضاعف به مردم است، مردم در حال حاضر هم در تأمین هزینه‌های زندگی خود دچار مشکل هستند وقتی این افزایش هم انجام شود قطعاً شاهد تورم خواهیم بود. دولت منابع حاصل از این افزایش را برای اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در نظر گرفته است، ولی این شیوه برداشتن



منبع - صفحہ تلگرامی
دکتر محمد طیبیان

در روزهای تازه‌سپری‌شده احسان خاندوزی که به نظر می‌رسد دیگر در پله نزدیکتر پله نردبانی که رییس دولت در پله اول آن است جایی ندارد و رییس بانک مرکزی جای آن را گرفته، در یک هجوم نخستین به انتشار این اوراق با صراحت گفت: سیاست انتشار اوراق سیاست موقت است و ادامه نخواهد داشت، اما مدیران بانک مرکزی با شتاب قابل اعتنایی پیش از اینکه سخنان وزیر برای فعالان اقتصادی دودل، پدیدار کند این گفته‌های وزیر را نقد

کردند. ادامه ریزش بورس راهی برای وزیر اقتصاد باقی نگذاشته است که بار دیگر و این بار با یک رفتار زیرپوستی تر پایه های انتشار اوراق ۳۰ درصدی را قل کند. او در گفت و گو با یک خبرگزاری ابتدا خود را در انتشار این اوراق سهیم کرده و سپس با زیرکی می گوید اگر پیامدهای انتشار اوراق به افزایش قیمت تمام شده تامین مالی بخش تولید منجر شود و تولید آسیب ببیند باید پیامدهای انتشار اوراق بررسی شود. این رفتار گیج کننده وزیر اقتصاد که خبرگزاری گفت و گو کننده سخنان رییس اتاق ایران

غرق در دولت‌سالاری و دم زدن از بخش خصوصی



سلامت بین وزارتخانه‌های بهداشت (هیات امنای صرفه‌جویی ارزی)، وزارت صمت و ستاد اقتصاد سلامت معاونت علمی ریاست جمهوری به امضا رسید. واقعیت تلخ و آزاردهنده این است که مدیری در اندازه وزیر یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌های اقتصادی ایران آنقدر در دولت‌سالاری واقعی غرق شده است که سخنی می‌گوید و در عمل اتفاقی رخ می‌دهد که وارونه سخنانش است و این را متوجه نمی‌شود یا آن را اتفاقی عادی تلقی می‌کند. از وزیر صمت باید پرسید شما و وزارت بهداشت و نیز معاونت فناوری ریاست جمهوری در کجای کار هستید که قراردادی سراسر دولتی می‌بندید و پس از آن می‌خواهید آن را به بخش خصوصی تحمیل کنید. ایران در دولت‌سالاری اقتصادی و نیز در دولت‌سالاری سیاسی داخلی و خارجی غرق شده و خبر ندارد. جهان صنعت

دولت‌های دولت در ایران از نظر اندازه، یک دولت هیولا شده و در هر کاری وارد می‌شود. در حالی که وظیفه دولت حفظ و گسترش نظم و امنیت، حراست از حقوق طبیعی افراد جامعه، ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی، فراهم کردن حداقل رفاه شهروندان است، دولت‌های ایران خود را چاق و شهروندان و نهادهای مدنی را لاغر می‌کنند. برای اینکه با مثالی بتوان مفاهیم بالا را توضیح داد به رخدادی که خبرش در جریان است، اشاره می‌کنیم. خبر این است که عباس علی‌آبادی در چهارمین رویداد صنعت دانش‌بنیان با رویکرد سلامت در پارک علم و فناوری پردیس اظهار کرد: متأسفانه بیشترین تحقیقات را در کشورمان شرکت‌های دولتی دارند، در حالی که در کشورهای دیگر این برعکس است. در این خبر اضافه شده است: «در این رویداد توافقنامه همکاری سه‌جانبه در جهت حمایت از صادرات محصولات دانش‌بنیان عرصه

» در سال‌های پس از ۱۳۴۰ و با افزایش درآمد حاصل از صادرات نفت و کاهش تنش‌های داخلی و دوستی گسترده با غرب نظام سیاسی دوره سپری‌شده شاهی به جای اینکه راه را برای گسترش نهادهای مدنی شامل خانواده‌ها، بنگاه‌ها، حزب‌های مستقل از حکومت و نیز رسانه‌ها هموار کند، در تله دولت بزرگ افتاد. وزارتخانه‌های ایران در آن دوره گسترش خود را در دستور کار قرار دادند و همپای اختیارات و وظایف خود سازمان و موسسه و بنگاه تاسیس کردند. این وضعیت پس از انقلاب اسلامی شتاب گرفت و در ده سال نخست پس از پیروزی، دولتی بزرگ در ایران سازماندهی شد. همه دولت‌های پس از جنگ نیز این راهبرد را ادامه داده‌اند. حالا از میان دولت‌های موجود در جهان مثل دولت محافظه‌کار، دولت لیبرال، دولت دموکراتیک اولیه، دولت رفاهی و دموکراسی اجتماعی، دولت نئولیبرال، دولت فاشیست و دولت کمونیستی، انواع



فساد موبایلی حلقه یک زنجیر



هنگامی که از سیستمی بودن فساد سخن می‌گوییم، برخی برآشفته می‌شوند و اعتراض می‌کنند که این به معنای تن دادن آگاهانه یا ذینفع بودن سیستم و مدیران آن در فساد است. این برداشت از فساد سیستمی ناقص و نادرست است. چه‌بسا برخی از مدیران هم با فساد مخالف باشند و حتی ممکن است عزم خود را برای مبارزه با فساد هم جزم کرده باشند، ولی این عزم می‌تواند در مسیر انحراف قرار گیرد، زیرا با وجود مقررات نادرست یا تصویب آنها، ناخواسته موجب تشدید فساد می‌شوند. گزارش امروز هم‌میهن درباره تأثیر فسادآور یک مصوبه دولتی (واردات موبایل به ازای صادرات) در رواج فساد وارداتی و فروش تلفن همراه، نشان‌دهنده این واقعیت است. هرچند پیش از آن هم فساد به علت مقررات فسادزای دیگر وجود داشته، ولی مصوبه اخیر آن را تشدید کرده است. شکاف قیمتی میان ارز نیمایی با قیمت بازار آزاد، منطقاً صدای صادرکنندگان را درمی‌آورد. هرچند آقای وزیر اقتصاد می‌گوید ما قیمت ارز بازار آزاد را به رسمیت نمی‌شناسیم، ولی این نگاه در عمل هیچ اهمیتی ندارد، زیرا

مدیریت‌های نظارتی را هم می‌توانند ساکت کنند، با تبلیغات و ترفندهای دیگر که مصوبه اخیر زمینه‌ساز آنهاست، سفره کلاهبرداری خود را از پول ملت پر کرده و قدری از آن را برای تبلیغات افراد ذی‌نفوذ می‌دهند و بقیه را برداشته و به خارج می‌روند. این اتفاقات به‌طور معمول تکرار می‌شود. فسادی که در جریان موسسات مالی قرض‌الحسنه رخ داد و هزینه فراوانی را به نظام پولی و سپس تورم کشور بار کرد صدها برابر این فساد است. این موضوعی است که در گزارش نیز به آن اشاره شده است. هنگامی که این فسادها در قالب‌های گوناگون ولی مشابه تکرار می‌شود، فقط یک معنی دارد، اینکه زمینه‌های ساختاری و سیستمی فساد از عوامل و افراد مرتبط با فساد نقش مهم‌تری در بروز و رواج فساد دارد. هنگامی که این زمینه‌ها فراهم باشند، عوامل انسانی فساد نیز به‌راحتی فعال خواهند شد. به همین دلیل است که می‌گوییم مبارزه با فساد شرط لازم ولی ناکافی است. بنابراین در گام اول باید با این سیاست‌ها و مصوبات فسادزا مقابله کرد. روزنامه هم‌میهن

قیمت ارز در بازار آزاد یک واقعیت است و به رسمیت نشناختن آن مثل این است که درجه دماسنج را به رسمیت نشناسیم! واقعیت سرما یا گرما منتظر به رسمیت نشناختن دماسنج نیست. به همین علت صادرکنندگان معترض می‌شوند، چون زیان فراوانی می‌بینند و در مقابل، این قیمت‌گذاری و شکاف به سود واردکنندگان به‌ویژه متقلبان است. در نتیجه مصوبه‌ای فسادزا را ابلاغ می‌کنند مبنی بر اینکه، صادرکنندگان کالا و خدمات می‌توانند با ارز خود موبایل وارد کنند. این مصوبه پس از چندنرخ بودن ارز، آغاز فساد جدیدی می‌شود. چون صادرکنندگان در واردات موبایل آشنا نیستند، واردکنندگان حرفه‌ای نیز وارد این بازی‌های غیرقانونی و اجاره کردن کارت بازرگانی نمی‌شوند. در این میان یک حفره جدی به وجود می‌آید و کسانی مثل کوروش کمپانی وارد ماجرا می‌شوند با انواع و اقسام کارها از جمله واردات موبایل‌های دست دوم، تطمیع افراد دارای قدرت و استفاده از وضعیت مردم، سفره یک کلاهبرداری بزرگ را به زیان کشور و مردم پهن می‌کنند و چون

جمعیت جامعه مدنی ایران



موضوع این نوشتار شناسایی ظرفیت‌های یک بخش مهم از جامعه ایرانی، یعنی دو نسل از متولدین اواسط دهه ۳۰ تا اواسط دهه ۶۰ خورشیدی است؛ جمعی که دامنه سنی از ۳۰ تا ۶۵ سال دارد و تقریباً ۴۰ میلیون نفر است. این دو نسل، پشتوانه‌ای از فرهنگ سیاسی و اقتصاد شهری دارد که از آن یک «طبقه اقتصادی-اجتماعی-سیاسی» می‌سازد. از شواهد گوناگون چنین برمی‌آید که گروه‌هایی از اینان ضمن اظهار نارضایتی از وضع موجود و مطالبه تغییر، از به‌هم‌ریختن ساختارها خودداری می‌ورزند یا حداقل دچار تردیدهای جدی‌اند. هم موافق تحول سیاسی‌اند و هم مخالف براندازی. در میان این گروه ۴۰ میلیون نفری هسته‌ای وجود دارد متشکل از پنج میلیون نفر که گرایش‌های سیاسی روشن‌تری دارند و می‌توانند محوریت پروژه «برنامه سیاسی غیردولتی» در ایران باشد. آنان نام‌ها و نشانه‌هایی دارند: اصولگرایی، اصلاح‌طلبی، محیط‌زیستی، عدالت‌خواهی، ایران‌دوستی، آزادی‌جویی فرهنگی و... (از جمعیت اصولگرا، گروهی را که به انقلابیون مشهور شده‌اند، استثنا می‌کنم چون فاقد ظرفیت سازگاری با دیگران‌اند و خود نیز به آن افتخار می‌کنند. دلیل ریشه‌ای آن هم این است که اساساً در این گروه «شناخت» در سطه «متدلوژی کلام سیاسی» است.)

از منظر معماری سیاسی، این گروه پنج میلیون نفری می‌تواند نقشی بسیار مهم ایفا کند چون می‌تواند میدان پیکار سیاسی را بیاراید، سامان دهد، ثبات بخشد و محرک حلقه‌های پیرامونی خود، یعنی جمعیت انبوه سرگردان باشد. معمولاً در همه جوامع، هسته‌هایی سیاسی در مرکز و حلقه‌هایی تودرتو در پیرامون وجود دارد؛ پیش از باب بصیرت، جمع، شیرازه جمعیت است. چنین جمعیتی به حکم سرنوشت و از ره تجربه مشترک، معانی گوناگون از سیاست برگرفته است. دامنه تجربه‌های مشترک آنان رخدادهای انقلاب، جنگ، خرداد ۷۶ و حوادث ۸۸ و ۹۸ و ۱۴۰۱ را به محک آزمون سفته‌است.

مشترکی به وفاق و سازگاری مدنی دست یابند. این محورها را تکرار می‌کنم: وحدت سرزمینی، دینداری، دموکراسی‌طلبی، توسعه‌خواهی و زیست بین‌الملل، کارآمدی، گرایش فرهنگی و علایق محیط‌زیستی. در نگرش به زیست بین‌المللی واجد هنجارهای مشترکی شده‌اند، در درک از آزادی و توسعه سیاسی به بلوغ رسیده‌اند، در نحوه مداخله دولت در اقتصاد و فرهنگ و بسیاری دیگر از این امور به درکی متقابل و در مواردی هم به نقاط اشتراک رسیده‌اند. غبارهای تردید میان آنان تا حدود زیادی زائل شده است که نمادهای آن در مواضع شخصیت‌های سیاسی و روزنامه‌نگاران جریان‌های سیاسی قابل مشاهده است. بنابراین جامعه مدنی مفروض ما افراد، شخصیت‌ها، تشکل‌ها، گروه‌های فضای مجازی، سازمان‌ها، انجمن‌ها و نهادهایی برخاسته از درون همین پنج میلیون جمعیت تقریبی است که هرچند خود دچار محدودیت‌های عملیاتی است اما ظرفیتی فکری برای به حرکت درآوردن یک جنبش مدنی دارد.

کیومرث اشتریان - روزنامه شرق

مهم‌ترین نکته، با توجه به نظریه «برنامه‌ریزی به مثابه یادگیری اجتماعی» این است که این دو نسل تجربه‌ای مشترک از تحول و تکامل ذهنی را از سر گذرانده و به افتاب تجربه، پولاد سیاست را آبدیده کرده است. مگس‌های خوان سیاست را به چشم دیده و دست از خورش‌های آلوده آن کشیده است. این هسته سیاسی، پس از گذشت سالیان و با پشت سر گذاشتن تجربیات مشترک، شیرازه‌ای از اوراق مه و سال یافته است و دارای ویژگی‌های کم و بیش مشترکی است؛ از جمله باور به وحدت سرزمینی، دینداری، دموکراسی‌طلبی، توسعه‌خواهی، کارآمدی، علائق فرهنگی و علائق محیط‌زیستی. این جمعیت که نام‌ها و نشان‌های آن را در بالا برشمردیم به جریان‌هایی تبدیل شده‌اند که اینک بیش از هر زمان به یکدیگر نزدیک شده‌اند و به قول صائب «نمی‌زنند به سنگ شکست، گوهر هم». این، نتیجه تجربه‌های مشترکی است که از سر گذرانده‌اند و کم و بیش به سوی میانه سیاسی «برگشتِ رگ‌رسیونی» کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند حول محورهای

خیانت دولت به صادرات بخش معدن



متأسفانه تصمیمات دولت ما را به سمت و سویی می‌برد که به‌طور حتم دست‌هایی در کار هستند تا مانع از توسعه و رشد اقتصاد شوند. ابلاغیه عوارض صادراتی از جمله این موارد است و تنها کاری که کرده جلوی ارزآوری را گرفته و در نهایت می‌توانیم بگوییم که خود دولت را هم متضرر خواهد کرد.

حاکمیت باید مشوق‌هایی در نظر بگیرد تا در طول زنجیره ارزش، سرمایه‌گذاری شده و ارزش افزوده بیشتری تولید شود. اگر در این زنجیره ناترازی وجود داشته باشد و مازاد نیاز داخل تولید شود، باید راه صادرات برای آن محصول باز شود. این در حالی است که اگر این راه بسته شود، طبیعی است که تولیدکننده متضرر خواهد شد.

با توجه به دامنه شمول مواد خام و نیمه‌خام، تولیدکننده در هر جای زنجیره ارزش باشد باید تشویق می‌شد، اما امسال در حالی که فعالان معدنی باید مازاد بر محصول تولیدی خود را صادر می‌کردند با وضع این عوارض دیگر چنین امری ممکن نشد.

عوارض صادراتی به معنی ایجاد دیوار و مانع برای بخش صادرات کشور است؛ مساله‌ای که باعث شده میزان صادرات مواد معدنی و محصولات معدنی تا حد زیادی روند کاهشی به خود بگیرد. در واقع قانونی که برای عوارض صادراتی وضع شده باعث از دست رفتن بسیاری از بازارهای صادراتی شده که این مساله کاملاً به ضرر صنایع معدنی و اقتصاد کشور تمام شده است. هرچه قدر میزان صادرات در بخش‌های مختلف روند کاهشی به خود بگیرد به همان نسبت ارز کمتری وارد کشور شده و این مساله به هیچ‌وجه به نفع اقتصاد ما نیست. به این ترتیب شاهدیم که اینگونه تصمیمات غیرکارشناسی و غیرمنطقی، که بدون در نظر گرفتن موارد تخصصی به صورت قانون درآمده به‌طور مستقیم بر صادرات کشور به شدت تاثیر گذار بوده است.

مساله مهم این است که فعالان معدنی هنوز نمی‌دانند وزارتخانه با چه منطقی چنین کاری را انجام داده است؟! چطور شد که دوباره این تصمیم برگشت؟! اما به‌طور حتم اینگونه تصمیمات بی‌برنامه و خلق‌الساعه خیانت بزرگی به بخش تولید و توسعه صادرات کشور است و هیچ‌کدام از سازمان‌ها نمی‌توانند نظارت دقیقی بر این تصمیمات یک‌باره داشته باشند. این در حالی است که انتظار می‌رود دولت و مسوولان مربوطه نسبت به تصمیماتی که برای موارد مهم اتخاذ می‌کنند

و مشخص است که برای تهیه این بخشنامه مطالعه کارشناسی انجام نداده است.

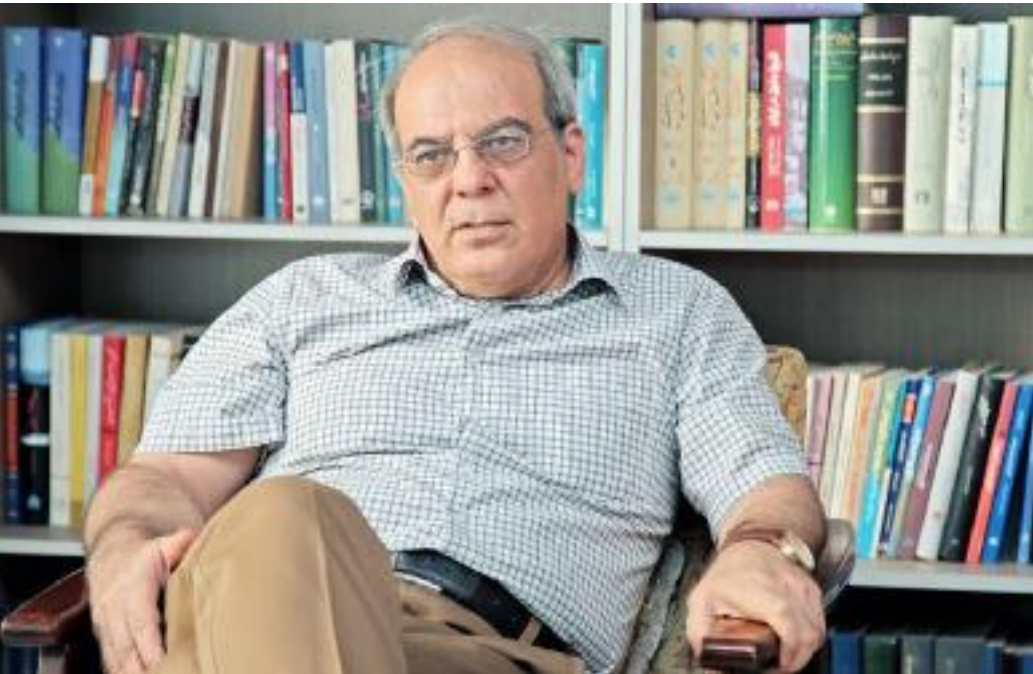
با اینکه ما درخواست کردیم پیوست مطالعاتی این تصمیم ارایه شود، اما تاکنون هیچ چیزی ارایه نشده است. بنابراین معلوم نیست بر چه مبنایی در زنجیره فولاد به اعداد ۲۰ درصد و در کنسانتره به ۱۰ درصد رسیده‌اند! در واقع آنقدر عددها غیرکارشناسی و سنگین هستند که در عمل سود فعالان صنعت معدن را از بین برده و واحدهای تولیدی باید فعالیتشان را تعطیل کنند. مساله مهم این است که هر بار بحث عوارض صادراتی مطرح می‌شود شوک به بازار داخلی و خارجی وارد می‌شود. این در حالی است که دولت توجه نمی‌کند که مشتری، منتظر ما نخواهد ماند و سریعاً به دنبال جایگزین می‌گردد.

از طرف دیگر محصولات زنجیره فولاد کشور ما کیفیت خوبی دارد و ما توان رقابتی داریم. بنابراین باید قدر داشته‌هایمان را بدانیم و با درایت پیش برویم. بسیاری از کشورها هستند که علاقه‌مند به محصولات معدنی ایران هستند، اما مسوولان با این تصمیمات و توافقی که در روند صادراتی پیش آمده، باعث از دست رفتن بازارها شده‌اند. به این ترتیب انتظار می‌رود مسوولان پای صحبت کارشناسان و فعالان بخش معدن بنشینند و تصمیم بلندمدت که به نفع همگان باشد، بگیرند.

بهرام شکوری - روزنامه جهان صنعت

حساس و از پیامدهایش باخبر باشند. در واقع همین تصمیمات است که باعث رونق یا رکود اقتصاد یک کشور می‌شود و شرایط را تغییر می‌دهد، اما مساله این است تا زمانی که بدون برنامه و ناآگاهانه تصمیم‌گیری می‌شود شرایط همین‌گونه خواهد بود و همه‌چیز به ضرر اقتصاد ایران و بخش معدن تمام خواهد شد. در خصوص معادن کوچک نیز باید گفت که در این عرصه بیشترین ضرر را می‌بینند. بنابراین انتظار می‌رود دست‌کم واحدهای غیردولتی از اخذ این عوارض معاف شوند.

اجرای ابلاغیه دولت سیزدهم، سرمایه‌گذاری خارجی را هم متوقف خواهد کرد. وقتی با یک بخشنامه به راحتی می‌توان سود بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار داد، چرا سرمایه‌گذار خارجی باید جذب سرمایه‌گذاری در ایران شود! بنابراین شاهدیم که چنین تصمیماتی بازارهای صادراتی ما را از بین خواهد برد. از طرف دیگر باید دولت را مجاب کنیم که دریافت این عوارض را متوقف کند. ابلاغیه دولت مبنی بر دریافت عوارض صادراتی مواد خام و نیمه‌خام و زنجیره فولاد باید متوقف شود، در غیر این صورت واحدهای معدنی به سمت تعطیلی پیش خواهند رفت و رشد اقتصادی محقق نخواهد شد. این در حالی است که بارها تذکر داده‌ایم که دولت مواد ۲ و ۳ قانون بهبود محیط کسب‌وکار را اجرا نمی‌کند



جنگ شرکت‌های بین‌المللی نفتی با دولت‌های غربی



ساعت ۲۴ - شرکت‌های بین‌المللی نفتی به دلیل سودهای هنگفتی که پس از شروع جنگ روسیه و اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ کسب کرده‌اند هدف حملات متعدد سیاستمداران بلندپایه کشورهای غربی قرار گرفته‌اند. به نحوی که براساس گزارش‌های موجود پنج شرکت نفتی بزرگ جهان از زمان آغاز جنگ اوکراین که به افزایش شدید قیمت‌های انرژی و قبوض مصرف‌کنندگان منجر شد، بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار سود کرده‌اند. در این گزارش به دنبال آن هستیم که به بررسی وضعیت تقابل میان شرکت‌های بین‌المللی نفتی و دولت‌های غربی بپردازیم.

حمله نظامی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، افزایش شدید قیمت نفت و گاز را به دنبال داشت و به نوبه خود به افزایش چشمگیر سود شرکت‌های بزرگ نفتی منجر شد. از سوی دیگر کشورهای توسعه یافته هشدار واضحی را مبنی بر اینکه برخورداری از امنیت انرژی همیشگی نیست، دریافت کردند. همچنین وضعیت به وجود آمده به کشورهای توسعه یافته یادآوری کرد که همچنان نفت و گاز مبنای عملکرد هر اقتصادی هستند.

۳- به واسطه شرایط به وجود آمده در بازار نفت خام و گاز طبیعی و افزایش سرسام‌آور

زیاده‌روی است. از سوی دیگر آنها بر این موضوع تاکید دارند که در واقع، این بحران روشن کرد با وجود تلاش‌های اروپا برای گذار از هیدروکربن به برق کم‌کربن، نفت خام، گاز طبیعی، و حتی زغال‌سنگ، همچنان برای سیستم انرژی این قاره ضروری هستند. افزایش قیمت به اندازه کافی گواه این بود که این کالاها با وجود تلاش نخبگان سیاسی برای خلاصی از شر آنها، حیاتی باقی مانده‌اند. ۶- در حال حاضر آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد «اتحادیه اروپا» و همچنین انگلیس که ششمین اقتصاد بزرگ جهان است، در رکود هستند. در هر دو مورد، ریشه‌های رکود اقتصادی را می‌توان در بحران انرژی که در واقع قبل از ورود نیروهای روسیه به شرق اوکراین در فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شده بود، جست‌وجو کرد. این وضعیت در پاییز سال ۲۰۲۱ آغاز شد که اولین نشانه‌های کمبود عرضه در بازار گاز طبیعی نمایان شد. از سوی دیگر بانک «بارکلیز» به عنوان سومین بانک اروپایی و بزرگ‌ترین وام‌دهنده به صنعت نفت و گاز انگلیس اعلام کرده تامین مالی مستقیم میدان‌های جدید نفت و گاز را متوقف و اعطاء وام به شرکت‌های توسعه‌دهنده تولید سوخت فسیلی را محدود می‌کند.

دانشکده انرژی شریف - عباس ملکی

درآمدهای شرکت‌های فعال در بازار مذکور «جو بایدن» رئیس‌جمهور ایالات متحده، شرکت‌های فعال در این صنعت را به سودجویی در جنگ، متهم و تهدید کرد از سود بادآورده این صنعت، مالیات خواهد گرفت. همچنین دولت انگلیس و دولت‌های اروپایی متعددی، به تهدیدهای خود برای دریافت مالیات از سود بادآورده این شرکت‌ها عمل کرده و مالیات‌های جدیدی را نیز اعمال کردند. سازمان غیرانتفاعی «گلوبال ویتنس»، بار دیگر به محاسبه سود شرکت‌های بین‌المللی نفتی پس از شروع جنگ اوکراین پرداخته و گزارشی را منتشر کرده که نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ نفتی از زمان شروع جنگ اوکراین، بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. طبق گزارش نهاد مذکور، پنج شرکت بزرگ نفتی در جهان شامل «بریتیش پترولیوم»، «شل»، «توتال انرژی»، «اکسون موبیل»، و «شورون»، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سود کسب کرده‌اند. ۵- شرکت‌های بین‌المللی نفتی معتقدند تلاش برای مقصر دانستن آنها برای همه‌چیز، تبدیل به یک روش استاندارد برای بسیاری از سازمان‌های غیرانتفاعی شده است. طرح یک ارتباط تصادفی بین عملکرد مالی شرکت‌های بزرگ نفتی در طول بحران انرژی اروپا که ناشی از جنگ بود، کمی



طبرستان

ثبات یا تلاطم



خدمات خود را بالاتر می‌برند و تورم جدیدی بر جامعه تحمیل می‌شود. به علاوه معاملات با اسکناس‌های خارجی و از جمله دلار و یورو بیشتر پا می‌گیرد و موجبات افزایش قیمت ارز خارجی و تضعیف پول ملی فراهم می‌شود.

زمانی بود که علمای اسلامی بانک‌های کشور را رباخوار می‌دانستند و معامله با بانک‌ها را ربوی و باطل می‌شمردند. اینک کار دولت برعکس شده است و این نوع مصوبات از همان بانک‌ها با تصویب شورای نگهبان به زیور تصدیق دینی هم آراسته شده است. پیام این مصوبات هم ساده است؛ فعالیت اقتصادی نکنید! خدمات به مردم ندهید! بگذارید رکود اقتصادی در جامعه حکمفرما باشد. بگذارید ارزش پول خارجی در کشور زیاد شود و ارزش پول ملی کاهش یابد. در عوض پولتان را در بانک بگذارید و بخواهید. سالی ۳۰ درصد پول معاف از مالیات بگیرید و هم به افزایش تورم کمک کنید و هم با عدم فعالیت اقتصادی و مصرف بی‌رویه سود بانکی از خود موجودی بسازید انقلابی، فعال، کارا، مفید و خدمتگزار برای جامعه! انقلاب در جریان رژی دیره در ابعاد مختلف در کشور ما در جریان است و میراث‌خوار خوبی برای این انقلابی چپ‌گرای فرانسوی دهه ۶۰ میلادی شده‌ایم. سیدمصطفی‌هاشمی طبّا - روزنامه شرق

نه از سود حاصل از فعالیت آنان. منهای آنچه بی‌عدالتی محض در این کار وجود دارد و این نوع حساب‌ها، به عنوان فعالیت اقتصادی سودآور و مالیات‌نده مطرح می‌شود، باید گفت حساب‌های سرمایه‌گذاری ثابت در بانک‌ها که امروز سود ۳۰ درصد دارد و خود فعالیت اقتصادی مهمی است، از مالیات معاف است؛ یعنی اگر فردی مثلاً در ماه ۵۰ میلیون تومان درآمد با ۶۰ تراکنش مالی دارد، باید مالیات بدهد، اما کسی که صد میلیارد تومان در حساب بانکی داشته باشد و سالانه ۳۰ میلیارد تومان درآمد داشته باشد از مالیات معاف است. آیا تحصیل‌کردگان دانشگاه امام صادق (ع) در این دانشگاه، عدالت اسلامی را چنین می‌آموزند؟ بدترین ایجاد تلاطم در اقتصاد، سرکشی دولت به حساب‌های بانکی مردم است؛ زیرا در حقیقت بانک‌ها امانت‌دار پول مردم هستند و سرکشی به امانت مردم خلاف روشن است و اعتماد مردم به بانک‌ها را از بین می‌برد. البته خواهند گفت در کشورهای غربی حساب‌های بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ می‌گوییم بررسی به جز اخذ مالیات قطعی و بدون محاسبه است، درحالی که علیه غرب حرف می‌زنید، آنها را شاهد کار خود می‌گیرید؟ در این حال ضمن آنکه زمینه رکود اقتصادی در جامعه فراهم می‌شود، کسانی که مجبور به تمکین از این مصوبه می‌شوند، نرخ

در کشوری که ۴۰ درصد تورم وجود دارد یا با فروش یک ملک به زحمت می‌توان ملک مشابهی را خریداری کرد، چگونه مابه‌التفاوت سود تلقی می‌شود و این در حالی است که سازندگان ساختمان (که نوعاً از افزایش ارزش افزوده بهره می‌برند، شاید برای تشویق سازندگان) از مالیات معاف هستند. به علاوه در معاملات نوعاً قیمت‌های اصلی معامله درج نمی‌شود و ممیز مالیاتی اگر بخواهد به درستی حکم کند، باید درصدد کشف حقیقت از راه‌های مختلف جانی و از جمله سرکشی به حساب‌ها و دیگر دارایی‌های فروشندگان و خریداران را در دستور کار قرار دهد که امری ناشدنی است. در حقیقت، مصوبه درصدد است که به اصل دارایی افراد مالیات وضع کند و افراد را از لحاظ مالی ضعیف کند، نه آنکه از سود آنان مالیات اخذ کند. البته مردم ما هم در مبارزه با این نوع مصوبات، روش‌های گریز از مالیات و دورزدن آن را ابداع می‌کنند و از همه بدتر آنکه با توجه به رانت عظیمی که در این کار نهفته است، فساد دیگری ضمیمه فساد موجود در جامعه می‌شود. اما مصوبه دیگر که باز هم موجب تلاطم در جامعه می‌شود و به نوعی عدالتی را که وجود ندارد عمیق‌تر می‌کند، مربوط به تراکنش‌های بانکی است و صرفاً از واریزی به حساب افراد مالیات اخذ می‌شود،



اتاق ایران همچنان منتقد

بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، با اشاره به تاکید مقام معظم رهبری بر بهبود فضای کسب و کار و توصیه ایشان به دولت برای میدان دادن به بخش خصوصی واقعی، گفت: ادراک فعالان اقتصادی از فضای کسب و کار هم نشان از آن دارد که دستگاه‌های متولی باید اهتمام بیشتری برای از میان برداشتن موانع پیش روی تولید داشته باشند. حسن‌زاده در نهمین نشست هیات نمایندگان اتاق ایران در دوره دهم، اطلاعات به دست آمده از پایش محیط کسب و کار و گزارش شامخ را نشانگر شرایط نامساعد برای فعالیت‌های اقتصادی عنوان کرد و از وزیر صنعت، معدن و تجارت خواست در سطح دولت مدافع تصمیماتی باشد که ثبات را به دنبال دارد و به سالم‌سازی محیط کسب و کار کمک می‌کند.

در نهمین نشست از دوره دهم هیات نمایندگان اتاق ایران در حالی برگزار شد که پس از داستان اختلاف‌ها بر سر بودن یا نبودن حسین سلاح‌ورزی در مقام ریاست اتاق از سوی دولت و هیات رییس‌ه حالا او رفته بود و صمد حسن‌زاده از صنعتگران قدیمی ایران که عضو هیات‌مدیره انجمن مدیران صنایع ایران نیز بوده است بر صندلی ریاست نشسته بود. نشست هیات نمایندگان اتاق ایران در دوره دهم با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت برگزار شد. نهمین نشست هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با حضور حداکثری نمایندگان بخش خصوصی برگزار شد. این نشست میزبان عباس علی‌آبادی، وزیر صنعت، معدن و تجارت است.

متن کامل سخنرانی رییس اتاق ایران

در ابتدا به روز تبریز و آذربایجان که در تقویم برابر با ۲۹ بهمن نام‌گذاری شده است و اثرگذاری مردم این خطه در پیروزی انقلاب اسلامی، اشاره می‌کنم و در ادامه به چند نکته اشاره خواهم کرد که توجه به آنها در راستای بهبود شرایط اقتصادی کشور مهم هستند. باید اذعان کرد که فعالان بخش خصوصی امروز از وزیر

قانون بهبود سرمایه‌گذاری

رییس اتاق ایران در نخستین سخنرانی‌اش در اتاق و در جمع هیات نمایندگان متنی را که تهیه کرده بود خواند. او گفت: بخش خصوصی آماده همکاری و همراهی با دولت برای تهیه و تدوین قانون بهبود سرمایه‌گذاری و تقویت تولید رقابت‌پذیر است تا افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد محقق شود. رییس اتاق



موضوع جدی دیگری که دیده می‌شود، انتشار ۲۸۰ هزار میلیارد تومان اوراق سپرده خاص یک‌ساله با نرخ سود علی‌الحساب ۳۰ درصد است که به تازگی و با هدف تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، به شبکه بانکی ابلاغ شد. نرخ سود ۳۰ درصد، در عمل هزینه دریافت تسهیلات از شبکه بانکی را برای بخش تولید بالا می‌برد و مشکلی که همواره فعالان اقتصادی با آن دست‌به‌گریبان بودند با این اقدام تشدید خواهد شد. این نگرانی زمانی برای بخش خصوصی پررنگ‌تر می‌شود که آن را در کنار نوسانات ارزی اخیر ببینیم. افزایش ارزی به افزایش قیمت مواد اولیه منتج می‌شود و این موضوع نیاز فعالان اقتصادی را به سرمایه در گردش افزایش می‌دهد. تأمین مالی پرهزینه، در قیمت تمام‌شده محصولات و کل زندگی مردم انعکاس می‌یابد و این رویه به افزایش قیمت‌ها در آینده‌ای نه چندان دور منجر خواهد شد و امروز بیم آن می‌رود که شاهد ادامه این دست‌اقدامات باشیم.

بخش خصوصی دولت را از اتخاذ تصمیمات غیرکارشناسی برحذر می‌دارد و از دولت می‌خواهد که به عواقب تصمیماتی که می‌گیرد، توجه کند. حال یقین داریم، بخش خصوصی در کنار مردم در انتخابات ۱۱ اسفند مشارکت جدی خواهد داشت چراکه اعتقاد دارد، نمایندگان مجلس نقش بی‌بدیلی در قانون‌گذاری و نظارت دارند و این دو مهم بر رونق فضای کسب‌وکار، تقویت تولید رقابت‌پذیر، تکمیل زنجیره‌های تولید و به دنبال آن رفاه مردم، نقش مهمی دارند. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در این نشست با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر بهبود فضای کسب‌وکار و توصیه ایشان به دولت برای میدان دادن به بخش خصوصی واقعی، گفت: ادراک فعالان اقتصادی از فضای کسب‌وکار هم نشان از آن دارد که وضعیت محیط کسب‌وکار مساعد نیست و همچنان غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌ها و قوانین و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار، مهم‌ترین چالش‌ها هستند.

صنعت، معدن و تجارت انتظار دارند در سطح دولت مدافع تصمیماتی باشند که ثبات را به دنبال دارد و به سالم‌سازی محیط کسب‌وکار کمک می‌کند. امروز بخش خصوصی آماده است با همکاری و همراهی دولت، قانون بهبود سرمایه‌گذاری و تقویت تولید رقابت‌پذیر را تهیه و به کمک آن، افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد را محقق کند. مقام معظم رهبری در نشست اخیر خود با فعالان اقتصادی، دولت را از دخالت در اقتصاد برحذر دانستند چراکه معتقدند اگر دولت تنها در سیاست‌گذاری اقتصادی نقش‌آفرین باشد، می‌تواند تولید رقابت‌پذیر را تقویت کند و از این طریق رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی امکان‌پذیر می‌شود.

در حال حاضر ادراک فعالان اقتصادی و نتایج پایش‌های فصلی محیط کسب‌وکار که مرکز پژوهش‌های اتاق ایران تهیه می‌کند و از حدود ۳ هزار فعال اقتصادی نظرسنجی می‌شود، نشان می‌دهد که محیط کسب‌وکار کشور وضعیت مساعدی ندارد و همچنان سه مشکل غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌ها و قوانین و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار، طی چند فصل گذشته به قوت خود باقی است.

علاوه بر این، نتایج «پایش اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» هم نشانگر آن است که در سال ۱۴۰۱، رقم «شاخص کل اجرای احکام ۵۳ گانه قانون» نزدیک ۶۰ درصد بوده که نسبت به سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است. «پایش اجرای قانون بهبود» نیز نشان می‌دهد که تا اجرای کامل این قانون و دستیابی به اهداف آن، راه زیادی در پیش است و عزمی جدی را طلب می‌کند. مساله مهم دیگری که تهدید جدی برای فعالان اقتصادی محسوب می‌شود، بحث تأمین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط است. باوجود تأکید بر تنگنای مالی واحدهای تولیدی به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط که بخش عمده بنگاه‌های ما را تشکیل می‌دهند، سیاست‌های پولی که در کشور دنبال می‌شود، در راستای تشدید این مشکل در سال جاری بوده است.



رئیس اتاق ایران در کنار مشکل واحدهای کوچک و متوسط در تأمین مالی، ابلاغ انتشار ۲۸۰ هزار میلیارد تومان اوراق سپرده خاص یک‌ساله با نرخ سود علی‌الحساب ۳۰ درصد که به تازگی و با هدف تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به شبکه بانکی انجام شد را تهدید جدی برای محیط کسب‌وکار کشور دانست.

حسن‌زاده ادامه داد: بخش خصوصی دولت را از اتخاذ تصمیمات غیرکارشناسی برحذر می‌دارد و از دولت می‌خواهد که به عواقب تصمیماتی که می‌گیرد، توجه کند.

هامان‌هاشمی، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در ادامه این نشست درباره مسائل حوزه کشاورزی گفت: در همه کشورهای دنیا، به حوزه کشاورزی توجه ویژه می‌کنند ولی در ایران چنین نیست. این بی‌توجهی



او با تأکید بر اینکه مأموریت اصلی ما تدوین استراتژی حوزه صنعت است، گفت: وزارت صنعت معدن و تجارت، به فعالان حوزه صنعت فرصت کار دهند تا در نتیجه این فعالیت و رشد ۸ درصد اقتصادی و اشتغال ممکن خواهد شد.

برای حوزه صنعت استراتژی تدوین شود

نیازمند سرمایه گذاری در حوزه معدن هستیم



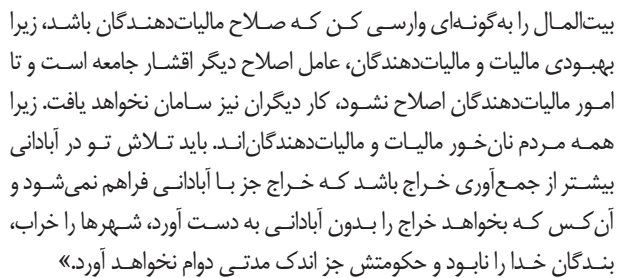
بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معدن اتاق ایران نیز در این جلسه گفت: ما به دلیل اهمیت ندادن به معدن، فقط توانسته‌ایم ۱۲ معدن در کلاس جهانی کشف کنیم؛ اما عربستان که آن را یک کشور معدنی نمی‌شناسیم، با میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری، ارزش مواد معدنی خود را به ۱,۲ هزار میلیارد دلار رسانده و برنامه‌اش برای سال ۲۰۳۰، رسیدن به ۳ هزار میلیارد دلار ارزش مواد معدنی است. او ادامه داد: وقتی ما می‌خواهیم ۱۳ درصد رشد در بخش معدن داشته باشیم، با این نوع سیاست‌گذاری، شبیه شوخی است.

شکوری با بیان اینکه باید شورای سیاست‌گذاری و همچنین اتاق فکر در حوزه معدن تشکیل شود، تصریح کرد: کل سرمایه‌گذاری در ایران از ابتدا در بخش معدن به ۵۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد؛ این در شرایطی است که عربستان برای رسیدن به هدف ۳ تریلیون دلاری ارزش مواد معدنی، در حال



در ادامه این نشست، سیدباقر شریف‌زاده، نایب‌رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران با تشریح مشکلات کلان و خرد حوزه صنعت، گفت: در سطح کلان، صنعت مشکلاتی دارد، ناترازی‌ها و عدم توازن انرژی، ضعف قانون‌گذاری، مشکلات زیرساختی صنعت را درگیر کرده است. در حوزه صنعت فقدان استراتژی داریم. نمی‌دانیم مسیر کجاست؟ شریف‌زاده افزود: ماهیانه با هیأت رئیسه کمیسیون صنعت اتاق ایران، وزیر صنعت، معدن و تجارت جلساتی داشته باشد و برای تدوین برنامه و استراتژی حوزه صنعت با فعالان این حوزه گفت‌وگو شود.

او درباره مشکلات خرد این حوزه، اظهار کرد: تخصیص ارز، طولانی شدن دریافت ارز که گاه تا ۶ ماه طول می‌کشد، مشکلات تسهیلات بانکی و رکود تورمی حوزه صنعت را گرفتار کرده است. شریف‌زاده ادامه داد: ماده ۲۵ قانون ماده بهبود مستمر محیط کسب‌وکار در قطعی برق آب و گاز رعایت نمی‌شود. ما می‌خواهیم معاونان وزارت صنعت، معدن و تجارت در جلسات کمیسیون صنعت اتاق ایران برای تعامل حضور داشته باشند تا در نتیجه این تعامل بتوانیم مشکلات صنعت را حل کنیم.

A man with grey hair, wearing a dark suit and a striped tie, is speaking at a wooden podium. Several microphones with various logos (including CNN and others) are positioned in front of him. The background is a plain, light-colored wall.

هزینه کرد ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی و ۴۵۰ میلیارد دلار سرمایه داخلی است و ماهنوز درگیر بند پ ماده ۴۳ هستیم که حقوق دولتی پرداختی را به بخش معدن برگردانیم که از ۴۰ همت وضع شده، باید ۶۵ درصد معادل ۲۶ همت به حوزه معدن برمی‌گشت، ولی متأسفانه فقط ۱۶۰۰ میلیارد تومان یعنی کمتر از ۵ درصد آن برگشته است.

او در ادامه با انتقاد از محدودیت و ممنوعیت واردات ماشین آلات معدنی، گفت: این محدودیت‌ها باعث شده ۷۷۰۰ معدن ما تعطیل شود. تولیدکنندگان داخلی ماشین‌های بی کیفیت را سه برابر قیمت ماشین آلات خارجی به معدنکاران تحمیل می‌کنند، ۳۰ تا ۸۰ درصد پیش‌پرداخت می‌گیرد و همین ماشین را نیز سر موعد تحویل نمی‌دهند.

به عقیده شکوری، اینها هم می‌خواهند همان بلایی که خودروساز سر مردم آورده، بر سر معدن کاران بیاورند؛ باید تمهیدی برای این حوزه اندیشید.

شکوری در ادامه با بیان اینکه وصول عوارض غیر کارشناسی شده از فعالان معدنی، گرفتاری‌های زیادی را به وجود آورده است، افزود: مقرر شد نیم درصد عوارض به بهانه حمایت از دانش‌بنیان‌ها داده شود و درحالی که بودجه ۱۲ هزار میلیاردی برای آنها در نظر گرفته شده، رییس کل گمرک می‌گوید از محل این نیم درصد عوارض، ۱۷ همت وصل شده است. بیشتر از این را می‌خواهید چه کار کنید؟ با این عوارضی که ۴۰ برابر افزایش دادید، می‌خواهید این عوارض را هم از فعالان بگیرید؟ اگر متوسط ۲۰ برابر هم در نظر بگیریم، این ۱۷ همت می‌شود ۳۴۰ همت؛ اگر پر کردن خزانه دولت نیست، چه هست؟

رئیس کمیسیون معدن اتاق ایران با تأکید بر اهمیت این موضوع، از وزیر صنعت خواست آن را پیگیری کند. فرمان حضرت امیر به مالک اشتر را سرلوحه قرار دهید. شکوری در پایان، فرمان حضرت امیر به مالک اشتر (فرز ۷۹ تا ۸۶ عهدنامه مالک اشتر) را قرائت کرد: «ای مالک، مالیات و



شود که متناسب با وضعیت صادرکننده‌های بخش خصوصی که از انرژی ارزان استفاده نمی‌کنند، باشد. همچنین با روشی تنظیم بازار انجام شود تا صادرکننده با عوارض غیرمنطقی و ممنوعیت و محدودیت مواجه نکند.

فعالان اقتصادی با انبوه مشکلات مواجه هستند



احمد رضا فرش‌چیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق ایران هم در این نشست با اشاره به چالش‌های ارزی، گفت: فعالان تجاری با انبوه مشکلات ارزی، اطاله زمان تخصیص، تأمین و تحویل ارز، انواع تالارهای ارزی سپرده‌گذاری‌های اجباری ریالی، مشکلات سامانه نیما، محدودیت‌های صادرات در مقابل واردات، چند نرخ بودن ارز، اعمال سلیقه و کاهش سقف‌های صادراتی و وارداتی، فرایند ثبت سفارش و ... روبرو هستند.

او با اشاره به موازی کاری و هزینه‌سازی در واردات یک چالش بزرگ است، افزود: در بحث وزارت صمت، بی‌نظمی در صدور دستورالعمل‌ها، بخش‌نامه‌ها، مقررات، موازی کاری، بزرگ‌ترین چالش است، و اگر این بی‌نظمی‌ها حل شود، بسیاری از چالش‌ها برطرف می‌شود. فرش‌چیان تصریح کرد: چند هفته پیش در بخش‌نامه‌ای اشتباه از سوی وزارت صمت قرار شد ترخیص همه کالاهای وارداتی در بندر متوقف شود، آن‌هم کالاهایی که بخشی از آن ثبت سفارش شده بود و ارز آن را دولت پرداخته بود. چند هفته واردات به چالش کشیده شد و جریمه آن را با گران شدن کالاهای مردم دادند. پول و ارز مملکت به دریا ریخته شد. رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق ایران خطاب به وزیر صمت، پیشنهاد کرد: یک روز در ماه را به جلسه با فعالان حوزه بازرگانی و صنعت اختصاص دهید. بسیاری از چالش‌ها به خاطر تصمیم‌گیری بدون حضور بخش خصوصی است، امروز شعار مقام معظم رهبری و همه مسوولان واگذاری کار به بخش خصوصی است، اما در

فساد است، حل شود. لاهوتی ادامه داد: از سال ۹۷ صادرکننده‌ها با تعهد ارزی و نرخ دستوری بانک مرکزی مواجه هستند. اگرچه با کاهش ارزش پول ملی، بخشی از اقتصاد متضرر می‌شود ولی اقتصاد کشورهای مختلف با افزایش نرخ ارز در بخش صادرات منتفع می‌شوند. در نتیجه این افزایش نرخ ارز در حوزه صادرات بخشی از خسارت کشورهای جبران می‌شود ولی در ایران به دلیل خودتحریمی‌ها این فرصت از دست رفت و حداقل منافع ارزی با افزایش صادرات و تولید ارزآور حاصل شد. رئیس کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران اظهار کرد: از سال ۹۷ موضوع رفع تعهد ارزی و عرضه ارز در نیما برای شرکت‌های بزرگ حل شده است ولی ۴۵۰۰ کارت بازرگانی صادراتی فعال که حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار ارز کشور را تأمین می‌کنند و بیشترین نرخ اشتغال را در اقتصاد کشور دارند، همچنان گرفتار هستند. او تصریح کرد: سیاست‌گذار نرخ دلار کانال تلگرامی را قبول ندارد و ماهم قبول نداریم ولی این در شرایطی است که سیاست‌گذار نظام ارزی قادر باشد نرخ تلگرامی را به نرخ خود نزدیک کند و تقاضا را بر اساس نرخ تصویب شده در اختیار بگذارد و بعد انتظار داشته باشد ارز صادراتی را با نرخ دستوری، صادرکننده‌ها در اختیار بانک مرکزی قرار دهند.

لاهورتی افزود: چطور ممکن است تولیدکننده‌ای که نیازمندی ارزی ندارد، در شرایط تورم، افزایش حقوق برای کارکنان خود دارد و نرخ ارز مواد اولیه کالایش هم آزاد است ولی در نهایت با ۱۵ درصد کمتر به بانک مرکزی بفروشد؟ او با تأکید بر اینکه حمایت از تولید لازم است اما نه از جیب صادرکننده و ارزان خریدن ارز آنها، افزود: چه اتفاقی افتاده که کالای وارداتی گران‌تر شده است؟ آیا این به دلیل جذابیت واردات است؟ این نشان می‌دهد که جایگزینی سیاست‌گذار ارزی به جای سیاست‌گذار تجاری این موضوع را تحت تأثیرگذار قرار داده است.

رئیس کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی ایران گفت: مصوباتی که در کمیته‌های مختلف تصویب می‌شود و اجرای آن زمان‌بر است، آزاردهنده است. ۱۸ ماه قبل برای سال ۹۷ تعیین تکلیف شد تا بدهکاران ارزی و کارت‌های تعلیق شده به صورت ریالی، بدهی خود را بپردازند ولی هنوز اجرایی نشده و آنها به سمت کارت‌های یک‌بارمصرف سوق داده شده‌اند. اینها به نظر می‌رسد باید تعیین تکلیف شود. لاهوتی افزود: ورود موقت یکی از ابزارهای مهم تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی است؛ این از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ تعیین تکلیف نشده و بین گمرک و بانک مرکزی برای ارسال سی‌دی مشکلاتی به دلیل سیستمی نشدن است. عوارض صادراتی و دریافت مالیات علی‌الحساب از ورود موقت یکی از مشکلات است. ورود موقت یعنی عوارضی پرداخت نشود و اینها برای صادرکننده‌ها رنج‌آور شده است. لاهوتی تأکید کرد: جایگاه سازمان توسعه تجارت به آن اصل و واقعیتش بر گردد. تعهد ارزی برای صادرکننده‌های محصولات کشاورزی حذف شود. روشی ایجاد

باید برای حل این مشکلات راهحل دهید؛ اما برای بالا بردن بهره‌وری و کاهش مصرف هم راهحل داشته باشید. او تصریح کرد: ما از اتاق ایران با تمام قوا حمایت می‌کنیم، مقام معظم رهبری معتقدند که همه‌چیز را به بخش خصوصی بسپارید و باید دولت نظارت کند. باید راهی پیدا کنیم و در مسیر درست این مساله محقق شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت در کنار شماست. من یکی از معاون‌های خود، آقای فولادگر را مامور می‌کنم تا جلسات منظمی را با بخش خصوصی تنظیم کند و معاون معدنی در جلسات کمیسیون معدن حضور داشته باشند. علی‌آبادی افزود: باید تجارت را توسعه دهیم، البته با کشورهایی تجارت آزاد و تجارت ترجیحی داریم؛ مشکلاتی هم هست که باید این مشکلات برطرف شود. باید سند راهبردی حوزه صنعت تدوین شود. در این سند باید تمرکز را بر رفع مشکلات گلوگاه‌های کشور بگذاریم. بعد بر اقداماتی که ثروت آفرین و اشتغال آفرین است، تأکید شود. او ادامه داد: برای استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، راهکارها و مدل‌هایی وجود دارد که می‌توانیم در کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران درباره آنها گفت‌وگو کرده و به راهبرد مشترک برسیم. در بخش بعدی این جلسه نادر طیبی، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران به تشکیل رسمی کمیته بودجه متشکل از اعضای هیات نمایندگان اشاره و تأکید کرد: همچنان اتاق ایران به سرانجام نرسیده است و روند آن به اصلاح نیاز دارد. لازم است هرآنچه برای بهتر شدن شرایط تدوین بودجه نیاز است، در اسرع وقت انجام شود. او حضور ناظر از اعضای هیات نمایندگان در کمیسیون معاملات در اتاق ایران را مورد توجه قرار داد و گفت: گزارش کاملی از خروجی اتاق‌های مشترک، فعالیت و عملکرد آنها در اختیار هیات نمایندگان قرار دهید. موسی احمدزاده، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران از مظلوم واقع شدن بخش خصوصی واقعی صحبت کرد و گفت: متأسفانه اعتماد لازم به بخش خصوصی واقعی وجود ندارد و برای همین باید تلاش کرده تا اعتمادها را جلب و با همکاری هم این به‌هم‌ریختگی که در اقتصاد دیده می‌شود را اصلاح کنیم.

جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی کجاست؟

گزارش جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی که به همت مرکز پژوهش‌های اتاق ایران تهیه شده است در ادامه این جلسه، توسط جهانگیر ارایه شد. بر اساس آنچه در این گزارش آمده است، در دنیای امروز با تکیه بر تکنولوژی دیجیتال امکان تولید و فروش کالا در هر مکانی امکان‌پذیر شده است و این تحول بزرگی در دنیای امروز، محسوب می‌شود. این گزارش تأکید دارد که با نگاه به ساختار شبکه‌ای اقتصاد ایران و مقایسه آن با دیگر کشورها نشان می‌دهد که سیاست خودکفایی موجب شده حتی در داخل هم بخش‌های اقتصادی نتوانند با هم ارتباط بگیرند، چه برسد به ارتباط با اقتصاد سایر کشورها. طبق اطلاعات موجود، ایران در صادرات خود از ۳۷ درصد مواد داخلی استفاده کند و ۴ درصد مواد از دیگر کشورها وارد و مجدد صادر می‌شود، یعنی ایران در زنجیره ارزش جهانی جایگاهی ندارد. متأسفانه ایران در بنگاه‌های تولیدی جهان، حضور جدی ندارد. از طرفی حتی در زنجیره ارزش بریکس و سازمان همکاری‌های شانگهای که این روزها روی زبان‌هاست، حضور نداریم. این گزارش تأکید دارد همه بازیگران این شبکه سهم یکسانی ندارند؛ بنابراین باید برای رفع این چالش جدی اندازه بنگاه‌ها را بزرگ کرده، تخصص مدیریتی در حوزه بین‌الملل داشته باشیم و استانداردهای بین‌المللی را رعایت کرده و در نهایت مسیر توسعه اقتصادی را در قالب زنجیره ارزش جهانی تدوین کنیم.

عمل نه تنها کار را به آنها واگذار نمی‌شود، بلکه آنها را در تصمیم‌گیری‌ها نمی‌بینند و از آنها مشاوره هم نمی‌گیرند. او همچنین خواستار حضور فعال تر معاونان وزارت صمت در کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران شد تا بسیاری از چالش‌ها در آن جلسه حل و فصل شود و به نشست هیات نمایندگان کشیده نشود.

در قیمت گذاری‌ها، باید از دید ملت هم به مساله نگاه کرد



در ادامه این نشست عباس علی‌آبادی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، گفت: با مطالب و گفته‌های فعالان بخش خصوصی آشنا هستیم؛ من هم مانند شما سال‌ها با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کرده و در این شرایط کار کرده‌ام؛ کما اینکه شما هم در این شرایط کار می‌کنید و به تعبیری رنج در گنج است. علی‌آبادی ادامه داد: من گفته‌های بخش خصوصی را شنیدم و همه اینها درست است. امروز صبح جلسه‌ای با رئیس جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس بانک مرکزی داشتیم و در آن جلسه هم به همین موضوع‌ها اشاره شد. البته باید صحبت‌های طرف مقابل را هم شنید. با تعامل سازنده باید مسائل بررسی شود و در نهایت راه‌حل‌هایی ارایه شود. او افزود: من و معاونان وزارت صنعت، معدن و تجارت آمادگی داریم در نشست کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران با حضور همه ذی‌نفعان حضور داشته باشیم. بخشی از این مشکلات را می‌توان در آن نشست‌ها برطرف کرد و بخشی هم باید در هیات دولت مطرح شود. وزیر صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: در کنار مسائل روزمره باید به مسائل تأثیرگذار دیگر هم توجه کرد. اطلاع ما از هوش مصنوعی در حد دیناست ولی فهم دقیق و جامع نداریم. این مسائل همانی است که جهان اول و دوم و سوم را ساخت و بی‌توجهی به این موارد تحول ساز، مشکل‌آفرین است. علی‌آبادی تصریح کرد: از روی برخی از مسائل باید عبور کرد؛ ما هنوز هم نتوانسته‌ایم قیمت بنزین را حل کنیم و با آدرس اشتباه دادن با مسائل برخورد می‌کنیم. نباید در محاسبات خود اشتباه کنیم.

او ادامه داد: درباره عدم دخالت دولت در قیمت‌گذاری‌ها و نرخ ارز، نظر خود را گفتم و ولی مشکلاتی هم وجود دارد و برخی شرکت‌ها از همه رانته‌ها استفاده می‌کنند و درنهایت می‌خواهند تعیین قیمت هم به عهده آنها باشد. باید از دید ملت هم به مساله نگاه کنید. اما وقتی فردی با تکیه بر دانش خود، کالایی خلق کرده و از رانته، استفاده نکرده، باید از آن حمایت کرد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت تأکید کرد: همه سوالات را در نشست کمیسیون‌ها جواب می‌دهم. ناترازی آب، برق و گاز واقعیت است و در کمیسیون‌های تخصصی

بررسی چالش‌های تأمین ارز در حضور رییس کل بانک مرکزی



تلاش بانک مرکزی برای پیش‌بینی‌پذیر کردن نرخ ارز



در ادامه این جلسه، رییس کل بانک مرکزی نیز طی سخنانی با اشاره به اینکه سیاست‌های این نهاد طی ماه‌های گذشته بر ایجاد ثبات در شاخص‌های اقتصاد کلان معطوف بوده است، گفت: سیاست بانک مرکزی در بازار ارز، پیش‌بینی‌پذیر کردن نرخ ارز از مسیر مرکز مبادله است و این مرکز نهاد اصلی بانک مرکزی برای تأمین نیازهای ارزی و ایجاد ثبات در بازار محسوب می‌شود. تاکنون بالغ بر ۵۹ میلیارد دلار ارز برای تأمین نیازهای ارزی در این مرکز مبادله شده که این رقم ۶۰ درصد بیشتر از متوسط چهار سال گذشته و ۱۰ درصد بیشتر از متوسط

نمایندگان بخش خصوصی و دولتی در نشست مشترک شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران و ستاد پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دادگستری تهران که با حضور رییس کل بانک مرکزی، رییس سازمان بازرسی کل کشور، استاندار تهران، رییس دادگستری تهران، رییس اتاق بازرگانی تهران و جمعی از فعالان بخش خصوصی و نمایندگان تشکلات اقتصادی برگزار شد، ضمن طرح و بررسی مشکلات تأمین و تخصیص و همچنین بازگشت ارز حاصل از صادرات، از شعب شوراهای حل اختلاف ویژه امور تولیدی و صنعتی در اتاق بازرگانی تهران رونمایی شد.

گلایه از بی‌نظمی در تامین و تخصیص ارز

در ادامه این جلسه، تعدادی از فعالان اقتصادی نیز به طرح نظرات و دیدگاه‌های خود در ارتباط با سیاست‌های بانک مرکزی پرداختند. احمدرضا فرشچیان، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، از بی‌نظمی در تامین و تخصیص ارز در نظام بانکی گلایه کرد و گفت: اگر قاعده و قانونی برای تامین و تخصیص وجود دارد، این قواعد از سوی نظام بانکی رعایت نمی‌شود. تجاری که اقدام به خرید ارز از نظام بانکی می‌کند نمی‌داند ارز خود را چه زمانی تحویل خواهند گرفت؛ تنها این عبارت را از بانک‌ها می‌شنود که هنوز ارزی تامین نشده است. جمشید نفر، دبیر کل کنفدراسیون صادرات ایران، هم گفت که در سایر کشورها و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، ارزش هیچ ارزی بالاتر از ارز صادراتی نیست در حالی که سیاست‌گذاران در ایران خلاف سیاست‌های دنیا حرکت کرده و ارز صادراتی را ارزان خریداری می‌کنند و در اختیار واردات قرار می‌دهند. فریدون اسعدی، دبیر اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، نیز به عدم اعلام حساب برای صادرکنندگان سال ۱۳۹۷ اشاره و عنوان کرد که بدنه بانک مرکزی برای اعلام این حساب همکاری نمی‌کند و کارت بازرگانی این بخش از فعالان اقتصادی به حالت تعلیق درآمده است. او همچنین به انتقاد از نادیده گرفتن قوانین و مقررات از جمله بخشنامه مورخ ۱۵ آذر ماه ۱۴۰۱ در مورد صادرات محصولات هیدروکربوری گفت: وضع سیاست‌های یکپارچه ارزی برای همه گروه‌ها، زمان‌بر بودن تخصیص ارز، تعدد سامانه‌ها و سیاست‌ها در زمینه بازگشت ارز صادراتی از جمله مشکلات بخش خصوصی در ارتباط با بانک مرکزی است.

عباس آرگون، عضو هیات ریسه اتاق تهران، هم با اشاره به تبعات انتشار گواهی سپرده با سود ۳۰ درصد از افزایش نرخ تامین مالی بنگاه‌های تولیدی و خروج سرمایه از بورس ابراز نگرانی کرد.

در ادامه پس از آنکه سایر حاضران نظرات و دیدگاه‌های خود را مطرح کردند، رئیس کل بانک مرکزی وجود بی‌نظمی در تامین و تخصیص ارز را پذیرفت و گفت: این بی‌نظمی از ابتدای سال کاهش یافته است. بخشی از این بی‌نظمی نیز ناشی از وقوع نوسانات در تجارت است اما می‌توان این مسائل را در جلسه‌ای مجزا مورد بحث و بررسی قرار داد.

او همچنین در پاسخ به انتقاد دبیر کل کنفدراسیون صادرات گفت که اگر معیار مقایسه شما از نرخ ارز صادراتی، نرخ کانال‌های تلگرامی است که این نرخ‌ها رسمی نیست و قاچاق است. نرخ ارز، نرخ است که بانک مرکزی اعلام می‌کند. فرزین همچنین گفت که سیاست یکسانی در مورد بخش‌های مختلف وجود ندارد و ارز واردات در مقابل صادرات، ارز نیما و حواله نیما متفاوت و نشان‌دهنده این تنوع است. حتی در مورد ارز خشکبار اعلام کرده‌ایم که حصریم آن را با نرخ‌ی بالاتر از ETS خریداری کنیم.

استقبال مردم از اوراق گواهی سپرده خاص

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه فروش اوراق گواهی سپرده خاص سیاستی در جهت هدایت نقدینگی به سمت تولید است، افزود: این گزینه برای پروژه‌های نیمه‌تمام قابل استفاده است و هر واحد تولیدی که قادر نیست آن را با این نرخ بازپرداخت کند، می‌تواند آن را نگیرد. البته تاکنون استقبال خوبی از آن صورت گرفته است. در عین حال واحدهای تولیدی همچنان از طریق نظام بانکی تامین مالی می‌شوند اگرچه همچنان معتقدم که باید سراغ متنوع‌سازی تامین مالی در کشور برویم.

تامین ارز در سال قبل بوده است. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، محمدرضا فرزین با بیان اینکه بخشی از نیازهای ارزی از محل آزادسازی منابع تامین شده است، گفت: در خصوص نرخ ارز باید بگویم که اگرچه نرخ بازار غیررسمی، سیگنال‌هایی را به بازار دارایی ارسال می‌کند؛ اما با وجود این تلاش کردیم که نرخ را در یک محدوده متوقف کنیم که البته به واسطه تلاطم‌های سیاسی اخیر افزایش یافت و حالا با فروکش کردن این تلاطم‌ها در روزهای اخیر رو به کاهش گذاشته و به نرخ‌های قبل بازخواهد گشت. تلاش ما این است که در بازار غیررسمی نرخ تثبیت شود و در مرکز مبادله شناور باشد.

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه بخش عمده‌ای از ارز پتروشیمی‌ها و فولادها در مرکز مبادله عرضه می‌شود، اظهار داشت: یکی از سیاست‌های ما در سال جاری کاهش رشد نقدینگی و پایه پولی بود که در نتیجه اجرای این سیاست در ۱۲ ماهه منتهی به دی ماه امسال نرخ رشد نقدینگی به ۲۵.۲ و نرخ رشد پایه پولی به ۳۱.۳ رسید. به دنبال ایجاد ثبات در متغیرهای اقتصاد کلان، به زودی بازار سلف ارز را راه‌اندازی خواهیم کرد. تلاش ما این است که ارز را حداقل برای یک ماه پیش‌فروش کرده و به تدریج دوره آن را طولانی‌تر کنیم. به این ترتیب، با برقراری یک دوره پیش‌فروش ارز، اطمینان خاطر از تامین ارز ایجاد خواهد شد. او با اشاره به ایجاد بازار سوآپ ارز گفت: در حال حاضر در مورد درهم و یورو تقاضا کمتر از میزان عرضه است. به هر روی تلاش ما این است که تجار از ناحیه تامین ارز دچار مشکل نشوند.

فرزین ادامه داد: در حوزه سیاست‌های پولی طبیعی بود که اگر بخواهیم نقدینگی را مهار کنیم در ابتدا ممکن برخی واحدها دچار مشکل می‌شدند اما چاره‌ای نداشتیم که این محدودیت را در بانک‌ها اعمال کنیم تا نقدینگی در سطح مناسبی قرار گیرد و خوشبختانه تاکنون این سیاست موفقیت‌آمیز بوده است. البته مشکل ما در کشور این است که بار تامین مالی بر عهده نظام بانکی است و ۹۰ درصد تامین مالی توسط نظام بانکی انجام می‌شود و طبیعی است که اگر بانک خارج از ظرفیت تامین مالی کند، آثار تورمی خواهد داشت.

رئیس کل بانک مرکزی با تاکید بر ضرورت متنوع‌سازی ابزار تامین مالی گفت: تمرکز صرف بر نظام بانکی که بسیاری از بانک‌های ما مشکل کفایت سرمایه دارند می‌تواند آثار تورمی داشته باشد. البته در ادامه راه در سال آینده سیاست اساسی ما این است که اصلاحات اساسی در نظام بانکی انجام دهیم و ممکن است این اصلاحات پرهزینه باشد اما تا اصلاحات را انجام ندهیم نمی‌توانیم در یک مسیر باثبات قرار بگیریم.

او با اشاره به برنامه انحلال سه موسسه اعتباری در سال جاری گفت: تاکنون دو موسسه منحل شده و یک موسسه دیگر را به زودی منحل می‌کنیم و برای سال آینده نیز ۸ بانک را در مسیر اصلاح قرار داده‌ایم و هر موسسه و بانکی که اصلاح نشود، منحل خواهیم کرد. فرزین تاکید کرد: باید مسیر اصلاحات این ۸ بانک طی شود و ناترازی‌شان کاهش یابد اگرچه بخشی از ناترازی بانک‌ها از ناترازی اقتصاد و ناترازی دولت نشأت می‌گیرد. اما در نظام بانکی به دنبال کاهش ناترازی هستیم تا مسیر تورمی را در کشور متعادل کنیم.

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره منفی شدن تراز تجاری کشور گفت: این به معنای آن است که صادرات کالاهای غیرنفتی کاهش و واردات افزایش یافته است. اگر تلاش کردیم واردات متوقف نشود به این دلیل است که نمی‌خواهیم رشد متوقف شود زیرا اگر ارز برای واردات کالا و ماشین‌آلات تامین نکنیم، رشد اقتصاد متوقف خواهد شد. در ۹ ماهه امسال بیش از ۸۷.۷ درصد واردات به محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای اختصاص داشته و ارز آن تامین شده است.

و گفت: انتظار داریم قوه قضاییه پشت این قضیه باشد تا روزهای تعطیلی پایان هفته، جمعه و شنبه باشد. در حال حاضر ارتباط اقتصادی ما با دنیا چهار روز در هفته برقرار است که اگر تعطیلات پایان هفته جمعه و شنبه باشد، قطعی ارتباط با بازارهای دنیا به ۳ روز کاهش می‌یابد.

او با بیان اینکه تمام تشکلهای بخش خصوصی، اتاقهای بازرگانی، اتاقهای تعاون و اصناف با تعطیلی جمعه و شنبه موافق هستند، افزود: نظر نماینده دولت این است که مجلس دو روز را به عنوان روز تعطیل پایان هفته اعلام کند و اختیار تعیین روز تعطیل را به دولت واگذار کند. در حالی که اگر چنین باشد، این احتمال وجود دارد که یک دولت جمعه و شنبه را تعطیل کند و دولتی دیگر با تعطیلی پنجشنبه و جمعه موافق باشد، در این صورت امکان برنامه‌ریزی از بخش خصوصی سلب خواهد شد.

روایت مشکلات بخش خصوصی از سوی رئیس سازمان بازرسی کل کشور



در ادامه این جلسه، رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز طی سخنانی با اشاره به اینکه قوه قضاییه نقش اصلی در اقتصاد ندارد، گفت: با دستور رئیس قوه قضاییه در ارتباط با حمایت از شعار سال اقدامات خوبی صورت گرفته است؛ از جمله تشکیل ستادهای اقتصاد مقاومتی در مراکز استان، ملاقات با صنعتگران در سفرهای استانی رئیس قوه قضاییه و در عین حال در سازمان بازرسی نیز دفتری برای رسیدگی به مشکلات سرمایه‌گذاران ایجاد شده است. افزون بر این، کارگروه‌هایی در حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان نیز تشکیل شده است.

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران: ذبیح‌الله خدایان در ادامه اصلی‌ترین مساله اقتصاد کشور را دولتی بودن آن برشمرد و گفت: با وجود آنکه در سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی، خروج دولت از اقتصاد مورد تأکید قرار گرفته اما متأسفانه این امر تحقق نیافته و معدود واگذاری‌ها هم به بخش‌های خصولتی بوده که وضعیت را بدتر کرده است.

خدایان در ادامه به سیاست‌های انقباضی بانک‌ها پرداخت و گفت که واحدهای تولیدی در حال حاضر به ۱۳۰ همت سرمایه در گردش نیاز دارند. عدم اعطای تسهیلات کافی، طولانی بودن روند بررسی پرونده‌ها ممنوع‌الخروج کردن تولیدکنندگان، یکسان نبودن رویه بانک‌ها در صدور اجراییه‌ها و قیمت‌گذاری دستوری از جمله مسائل تولیدکنندگان است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور «واردات کالای دارای مشابه تولید داخل» و «عدم پرداخت دیون دولت به پیمانکاران» را از دیگر مشکلات فعالان اقتصادی دانست و گفت: این موارد را مطرح می‌کنم که پیگیر حل آنها باشیم. اگرچه مقامات بلندپایه دولت خواستار حل این مسائل هستند اما در بدنه در برابر حل آنها مقاومت وجود دارد. من به حل این مسائل امیدوارم به شرط آنکه دستگاه‌های اجرایی از بنگاهداری دست بردارند.

تمایلی برای واگذاری امور به بخش خصوصی وجود ندارد



در ادامه این جلسه، محمود نجفی عرب، رئیس اتاق تهران و دبیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران با اشاره به جلسه ملاقات تولیدکنندگان با مقام معظم رهبری که در هفته گذشته برگزار شد، گفت: رهبر معظم انقلاب به‌شدت بر فعال‌تر شدن تولید و افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد تأکید کردند. اما در حوزه اجرا به‌رغم گفتار مقام معظم رهبری و مسوولان رده بالای کشور با مشکلاتی جدی مواجه هستیم. مساله این است که دستگاه‌های اجرایی توجه جدی به مواد قانون مستمر بهبود محیط کسب‌وکار ندارند و بسیاری از بخشنامه‌ها بدون نظر و مشورت فعالان اقتصادی صادر می‌شود. به عنوان نمونه، تعیین سهمیه برای واردات، یکی از تصمیماتی است که بدون مشورت با بخش خصوصی اتخاذ شده است.

او در ادامه سخنانش، با بیان اینکه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت را مکلف کرده بود که تا سال ۱۳۹۳ کلیه واگذاری‌ها به بخش خصوصی انجام شود، گفت که این امر تحقق نیافته و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی تقریباً ۸۵ درصد از بورس و فرابورس را به خود اختصاص داده‌اند در حالی است که سهم بخش خصوصی واقعی در این بازارها کمتر از ۱۵ درصد است.

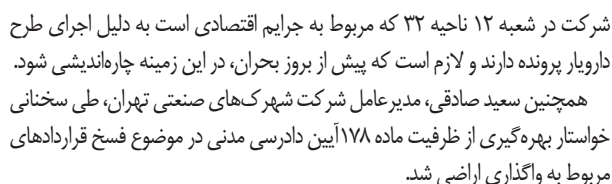
نجفی عرب تصریح کرد که با وجود فشار مسوولان رده یک کشور برای افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور اما این مهم محقق نشده است؛ در صورتی که مقام معظم رهبری نیز در یکی از بیانات خود اعلام کردند که چنانچه سهم بخش خصوصی در اقتصاد بیشتر بود از تحریم‌ها کمتر آسیب می‌دیدیم.

او در ادامه با انتقاد از آنچه رقابت دولت با بخش خصوصی و تأکید مقامات ارشد نظام مبنی بر پرهیز دولت از این رقابت گفت: در بخش تجهیزات پزشکی شاهد آن هستیم که نهادی مانند صایران رقیب بخش خصوصی شده است که این رقابت منطقی نیست؛ دولت امکاناتی در اختیار دارد که بخش خصوصی آنها را ندارد.

دبیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران در بخش دیگری از سخنانش گفت: در لایحه بودجه ۱۴۰۳ به سازمان امور مالیاتی این اختیار داده شده است که با کمک بانک مرکزی برای دریافت بدهی مودی مالیاتی، حساب ذی‌نفع را ببندد و نهایتاً ظرف مدت ۵ روز پول را به حساب بانک مرکزی واریز کند و بانک مرکزی و بانک‌های عامل نیز در مورد اجرای این حکم مسوول هستند، در حالی که رئیس کل بانک مرکزی هم با این موضوع مخالف است و این موضوع بالای مضاعفی برای بخش تولید است.

انتظار از قوه قضاییه برای حمایت از تعطیلی جمعه و شنبه

رئیس اتاق بازرگانی تهران در ادامه به موضوع تعطیلات پایان هفته پرداخت



القاصی ادامه داد: راهاندازی سامانه الکترونیکی سامع به منظور امکان مراجعات غیرحضوری مدیران واحدهای تولیدی به ستاد اقتصاد مقاومتی در دادگستری تهران و حل مشکلات در بستر سامانه و پیگیری سریع و آنی از جانب ستاد تشکیل شعب شورای حل اختلاف در نواحی صنعتی و شهرک‌های صنعتی و تشکیل شعبه شورای حل اختلاف در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان تهران به منظور امکان رسیدگی به مشکلات واحدهای تولیدی از دگر اقدامات، است که انجام خواهد گرفت.

او در ادامه به سایر اقداماتی که در دبیرخانه ستاد پیگیری سیاستهای اقتصاد مقاومتی در حال پیگیری است اشاره کرد. در ادامه این جلسه شعب شورای حل اختلاف در اتاق بازرگانی تهران به طور رسمی معرفی شد. همچنین سامانه سامع برای دسترسی آسان و غیر حضوری تولید کنندگان، صنعتگران و مدیران دادگستری استان رونمایی شد. در انتهای این نشست نیز از تعدادی از مدیران استانی تحلیل، به عمل آمد.

در ادامه این جلسه، تعدادی از فعالان اقتصادی نیز به بیان دیدگاه‌ها و انتظارات خود پرداختند. محسن بهرامی ارض اقدس، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، با بیان اینکه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۳ در مجمع تشخیص مصلحت نظام جمع‌بندی شده و در سال ۱۳۸۴ ابلاغ شده است، ادامه داد: به موجب بند ۱۴ این قانون مقرر شد که کلیه واگذاری‌ها تا سال ۱۳۹۳ انجام گیرد اکنون ۱۰ سال هم از این مهلت سپری شده و هنوز واگذاری‌ها در حال انجام است. او در ادامه با اشاره به تکلیفی که در برخی بندهای این سیاست‌ها آمده، گفت: ضرورت دارد که دستگاه‌های نظارتی با ترک فعل‌های صورت گرفته، برخورد کنند.

در ادامه، فریال مستوفی، عضو هیات نمایندگان و رییس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران با اشاره به برخی چالش‌های قضایی فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران، سه پیشنهاد ارایه کرد. نخستین پیشنهاد او، در خصوص تهیه لایحه قانون آیین دادرسی تجاری با همکاری اتاق بازرگانی تهران به منظور بهبود شاخص تضمین حقوق مالکیت و تامین امنیت سرمایه‌گذاری بود. پیشنهاد دیگر او ایجاد قانون سازش با هدف تسریع رسیدگی و کاهش حجم پرونده‌های قضایی با استناد به طرح قضا‌دایی و کمک به رفع اختلافات تجاری در بستری تخصصی است. همچنین یکپارچه‌سازی رویه‌های حقوقی در سازمان‌های ذی‌ربط و تعریف مکانیزمی برای پذیرش روزنامه رسمی کشور به عنوان سند لازم‌الاجرا، به عنوان پیشنهاد سوم از سوی رییس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران مطرح شد. حمیدرضا توکلی، دبیر انجمن واردکنندگان دارو، افزودنی و مواد بیولوژیک دام نیز خواستار رفع ممنوعیت واردات اقلام دارویی، واکسن‌ها و مولتی‌ویتامین‌های مربوط به دام شد و گفت: اخیراً واردات واکسن‌های آنفلوآنزا و نیوکاسل نیز ممنوع شده که این ممنوعیت مشکلات بسیاری ایجاد خواهد کرد. پیشنهاد ما افزایش تعرفه در مورد این اقلام است.

محمد عبدزاده، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران و رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی هم گفت که سابقه نداشته است که یک وزارتخانه بدون ابلاغ، برای کل مجموعه‌های تولیدی و توزیع دارو در محاکم قضایا، پرونده باز کند. به گفته او، ۳۹۱

حرف‌های صریح در اتاق تهران



اعتماد، شاخص اصلی سرمایه اجتماعی



در ابتدای این جلسه، عباس آرگون، عضو هیات ریسه اتاق تهران، به عنوان نخستین سخنران پیش از دستور، با اشاره به مساله مهم صیانت از اعتماد و سرمایه اجتماعی به اهمیت دانش و فناوری در اقتصاد جهانی شده امروز پرداخت و گفت: نیاز دهه حاضر به دلیل تغییر شکل روابط سستی به زندگی مدرن اعتماددوری است و اعتماد به عنوان بنیان جامعه از اثرگذارترین پایه‌های کسب‌وکار و اقتصاد است؛ به‌طوری که بین رشد اقتصادی و اعتماد رابطه مستقیمی وجود دارد و لازمه سرمایه‌گذاری،

اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در دوازدهمین نشست خود در ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ که با حضور محمد رضوانی‌فر، رئیس کل گمرک کشور، برگزار شد، به بحث و بررسی در مورد چالش‌های مهم تجارت خارجی در حوزه گمرک پرداخته و در مورد مسائل مهمی مانند ارزش‌گذاری کالاها، مسیرهای گمرکی، تعرفه‌ها، تراز تجاری و... به گفت‌وگو نشستند.

نشست دوازدهم اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران با حضور نمایندگان بخش خصوصی و دولتی برگزار شد. در این نشست اگرچه قرار بود مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران نیز یکی از مهمانان باشد و در مورد مسائل مرتبط با پایتخت با فعالان اقتصادی گفت‌وگو کند اما در نهایت به دلیل یک برنامه پیش‌بینی نشده در این نشست حاضر نشد. خروج یک دستورکار، فرصت بیشتری برای گفت‌وگوی نمایندگان بخش خصوصی با رئیس کل گمرک فراهم کرد. محمد رضوانی‌فر در این نشست علاوه بر ارائه گزارشی در مورد ارزش‌گذاری کالاها در گمرک، پاسخگوی سوالات اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران و شنیدن چالش‌ها و مشکلات فعالان اقتصادی در حوزه گمرکات بود. در این نشست همچنین با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با تولیدکنندگان و کارآفرینان، از ضرورت توجه بیشتر دولت و نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر به توصیه‌ها و رهنمودهای رهبری در مورد بخش خصوصی و واگذاری امور و پروژه‌ها به بخش خصوصی واقعی به‌جای نهادهای حاکمیتی و شبه‌دولت سخن گفته شد.

و اعتماد نیاز دارد. چنانچه حکومت نتواند هر سه اینها را با هم نگه دارد، ابتدا باید از جنگ‌افزار دست بکشد، سپس از خوراک. اما اعتماد را باید تا به آخر پاسداری کند؛ چرا که بدون اعتماد، پیمودن ادامه راه مقدور نیست.

احیای نهاد تصمیم‌گیر فرش



سید مرتضی حاجی‌آقامیری، نیز در این جلسه، با اشاره به کاهش شدید صادرات فرش دستباف ایران به کمتر از ۵۰ میلیون دلار در سال و سیر نزولی آن طی سه دهه اخیر، یکی از دلایل عمده خروج فرش از سبد صادراتی ایران را ساختار معیوب مدیریتی فرش و صنایع دستی در دولت‌های قبلی و کنونی عنوان کرد و با یادآوری اینکه مرکز ملی فرش ابتدای دهه هشتاد تأسیس شد و محلی برای مانع‌زدایی از این صنعت و تجارت بود، افزود: متأسفانه طی دوره اخیر، شاهد تصمیمات عجیب و غیرکارشناسی در صنعت فرش بوده‌ایم. ابتدا قصد واگذاری مرکز ملی فرش که زیرمجموعه وزارت صمت بود به وزارت میراث فرهنگی و گردشگری را داشتند که پس از مخالفت و مقاومت‌هایی که از سوی بخش خصوصی صورت گرفت، این واگذاری صورت نگرفت اما در کمال تعجب، این مرکز تخصصی فرش با تصمیم اخیر دولت، در دفتر صنایع خلاق و ورزشی وزارت صمت ادغام شده است.

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، حاجی‌آقامیری با اشاره به اینکه از سوی بخش خصوصی، طرح ایجاد سازمان ملی فرش و صنایع دستی به دولت پیشنهاد شده است، تصریح کرد که به‌رغم گذشت دو سال از ارایه این طرح، همچنان بررسی آن مسکوت مانده و این در حالی است که احیای مرکز ملی فرش نیز که وزارت صمت قول آن را داده بود نیز بدون اتخاذ تصمیم، کماکان مسکوت مانده و بلا تکلیف است.

رئیس کمیسیون فرش، هنر و صنایع دستی اتاق ایران، همچنین از جمله آسیب‌های نابسامانی در تولی‌گری صنعت فرش و کاهش شدید صادرات این کالای سنتی را، تضعیف اشتغال در کشور عنوان کرد و با یادآوری اینکه ۲۷ استان کشور به تولید فرش مشغول است و زنجیره اشتغال این هنر صنعت بالغ بر ۲ میلیون نفر می‌شود که به‌طور کامل در دست بخش خصوصی است و دولت در آن هیچ نقشی ندارد، افزود: با از بین رفتن شغل در صنعت فرش دستباف ایران، دولت متحمل زیان خواهد شد و با هزینه بالا باید اقدام به جایگزینی شغل کند.

تولید و اشتغال در کشور وجود شفافیت و اعتماد و اطمینان به ثبات قوانین و مقررات و سیاست‌هاست نه تصمیمات خلق‌الساعه.

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، آرگون با اشاره به اینکه «اعتماد» به عنوان یک ضرورت اجتماعی و عامل اصلی اتحاد، انسجام، ثبات و نظم، همه موضوعات را دگرگون کرده و بر زندگی ما اثر می‌گذارد، ادامه داد: سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال در سایه اعتماد بنا می‌شود. وجود اعتماد موجب افزایش سرعت تعاملات بین انسان‌ها و سهولت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و افزایش کارایی و اثربخشی در اقتصاد شده و هزینه‌های کسب‌وکار و کنترل‌های اضافی را کاهش می‌دهد.

این عضو هیات ریسه اتاق تهران با تأکید بر اینکه موفقیت‌ها در سایه اعتماد شکل گرفته و باعث رشد و پیشرفت کشور می‌شود، افزود: رشد و توسعه اقتصادی در کشور مستلزم خلاقیت و نوآوری است و خلاقیت نیازمند یک افق زمانی بلندمدت و اعتماد است. اگر اعتماد در جامعه کمرنگ شود، رفتارهای پیش‌بینی‌نشده افزایش یافته و مناسبات و روابط اقتصادی پرهزینه می‌شود و بخش زیادی از انرژی و منابع نیروهای خلاق صرف حل‌وفصل این موضوعات شده و در نتیجه دیگر فرصتی برای برنامه‌ریزی، خلاقیت و تمرکز باقی نمی‌ماند. در صورت از بین رفتن اعتماد، حکومت‌های توانا و کسب‌وکارهای موفق و اقتصادهای شکوفا و رهبران بانفوذ از بین خواهند رفت. عباس آرگون ادامه داد: اعتمادسازی و افزایش اطمینان در جامعه زمان‌بر است و اطمینان و اعتماد در طول و گذر زمان ساخته می‌شود که در صورت بی‌توجهی به آن به سادگی از بین می‌رود و این امر نیازمند مراقبت ویژه است. او افزود: استفاده از نیروی عظیم مردم برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای و تولید نیازمند اعتماد متقابل مردم و قدرت سیاسی است. در حال حاضر یکی از مسائل جدی در کشور آسیب وارد شدن به مقوله اعتماد است و برای افزایش کارایی و اثربخشی، کاهش هزینه‌ها، افزایش رضایتمندی مردم، تسهیل ارتباطات، ارتقا شفافیت، نیازمند تقویت هر چه بیشتر اعتماد به عنوان شاخص اصلی سرمایه اجتماعی در جامعه هستیم. در این زمینه از یک سو دولت با افزایش کارآمدی، عدالت اجتماعی، صداقت، پاسخگویی، وفای به عهد، مبارزه عملی با فساد، رفع تعارضات ساختاری، مشارکت‌جویی و قدردانی، ثبات‌بخشی و پیش‌بینی‌پذیر کردن شرایط می‌تواند موجبات افزایش اعتماد را در جامعه رقم بزند. از سوی دیگر ما نیز باید با ارتقا آگاهی، امیدآفرینی، مسوولیت‌پذیری، جلوگیری از تنش، اصلاح‌گری و وحدت بخشی، گام بلندی در استقرار، رشد، گسترش و بازآفرینی اعتماد در جامعه برداریم؛ در نتیجه چنانچه جامعه از نعمت اعتماد اجتماعی بالا برخوردار باشد، همبستگی و هماهنگی در آن بیشتر خواهد شد.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران تأکید کرد: دست‌آورد شکل‌گیری این همبستگی و هماهنگی نیز جامعه‌ای است که از نظر اقتصادی کارآمدتر شده است. اعتماد، سرمایه اجتماعی عظیمی است که به عنوان موتور محرک اقتصاد عمل می‌کند و از طریق اعتماد است که می‌توان مسیر توسعه را آسان‌تر طی کرد.

عباس آرگون سخنانش را با جمله‌ای از کنفوسیوس به پایان رساند و به نقل از این فیلسوف گفت: دولت خوب و شایسته به جنگ‌افزار، خوراک



تبعات سرکوب قیمتی

ادامه ریشه بیکاری و مهاجرت را در تثبیت قیمت‌ها دانست و گفت: بنگاه‌های تولیدی با مساله تامین نیروی کار مواجه هستند و در صنعتی مانند پرورش طیور که وابسته به صنعت غذاست و در دایره کالاهای مشمول قیمت‌گذاری قرار می‌گیرد، امکان پرداخت حقوق کافی به کارگران وجود ندارد و نیروی کار نیز جذب مشاغل می‌شود که حقوق و مزایای بیشتری در آن پرداخت می‌شود. این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، دلیل خروج سرمایه از کشور، شکل‌گیری امضاها و طلایی و دسترسی ناکافی صنایع به تکنولوژی و فناوری را به سرکوب قیمت‌ها نسبت داد و گفت: تا زمانی که اقتصاد آزاد نشود و قیمت‌ها از مکانیزم عرضه و تقاضا پیروی نکنند، اعتماد و سرمایه اجتماعی هم ارتقا پیدا نمی‌کند. او در ادامه از اتاق تهران درخواست کرد که مطالعات خود در زمینه قیمت‌گذاری و اقتصاد دستوری را به این موارد نیز تعمیم دهد.



توصیه‌های کاربردی رهبری برای اقتصاد ملی



بعد از سه سخنران پیش از دستور، این رئیس اتاق تهران بود که سخنان خود را با تبریک دهه فجر انقلاب اسلامی و اعیاد شعبانیه آغاز کرد. محمود نجفی عرب با اشاره به جلسه تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی

داود رنگی، سومین سخنران پیش از دستور نشست دوازدهم هیات نمایندگان اتاق تهران، سخنانش را به موضوع سرکوب قیمتی و تبعات آن معطوف کرد و گفت: اتاق بازرگانی تهران مطالعات موردی را با موضوع تثبیت قیمت‌ها در صناعی چون فولاد، لبنیات، خودرو و چند صنعت دیگر به انجام رسانده و به نظر می‌رسد این مساله از زوایای دیگر هم قابل بررسی است. او با بیان اینکه «تثبیت قیمتی به مثابه یک آفت و موریانه چارچوب اقتصاد کشور را از بین می‌برد» ادامه داد: یکی از تبعات سرکوب قیمتی تخریب محیط زیست است؛ برای مثال مشاهده می‌کنیم که تثبیت قیمت انرژی چه بلایی بر سر محیط زیست آورده است. وقتی سوخت ارزان است، هر فردی اراده می‌کند، می‌تواند یک چاه حفر کند و به تولید محصولاتی روی بیاورد که اساساً به لحاظ استراتژیک برای کشور مفید نیست. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، داود رنگی، پیامد دیگر سیاست سرکوب قیمتی را شکل‌گیری و توسعه اقتصاد زیرزمینی و متعاقب آن فرار مالیاتی برشمرد و گفت: دولت رقمی را به عنوان درآمد مالیاتی در قانون بودجه تعیین می‌کند و وقتی زور ممیزان به فعالان اقتصاد زیرزمینی نمی‌رسد، تمرکز خود را روی اخذ مالیات از فعالیت‌های اقتصادی شفاف قرار می‌دهند. او در



رییس اتاق تهران در ادامه گفت: نکته دیگری که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند تلاش در جهت کنترل رشد نقدینگی بود با تاکید بر تخصیص عادلانه منابع بانکی در بین تمام شرکتهای بخش خصوصی و دوری از اختصاص منابع براساس رانت محوری. اما در اجرا خیلی جالب است که به شکل دیگری عمل می شود؛ حاضران در آخرین جلسه شورای گفت و گو استان تهران که با حضور رییس کل بانک مرکزی برگزار شدند، به خاطر دارند که ایشان اعلام کرد که برای کنترل رشد نقدینگی سیاست های انقباضی را در نظام بانکی حاکم کرده اند؛ همانجا من تاکید کردم که با این سیاست، فشار زیادی به بخش خصوصی وارد کرده اید زیرا فعالان بخش خصوصی و کسب و کارها در تامین نقدینگی و برای دریافت تسهیلات و تامین سرمایه در گردش با چالش های بسیار زیادی مواجه شده اند.

رئیس اتاق تهران در ادامه به بیان فرازهای اصلی سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با کارآفرینان و تولیدکنندگان پرداخت و گفت: ایشان تاکید بر حل مشکل ناترازی انرژی داشتند که دوستان شاهد هستند اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور و به‌ویژه اتاق تهران مدت‌هاست که این موضوع را پیگیری می‌کنند و روی حل آن متمرکز شده‌اند. دومین نکته تاکید بر ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم در تمام حوزه‌های اقتصادی با هدف کاهش فقر و افزایش اشتغال بود. توجه به بهبود فضای کسب‌وکار و برطرف کردن موانع آن نکته بعدی بود که ایشان به آن اشاره کردند. جالب این است که دولتمردان هم روی این موضوع تاکید دارند اما در عمل بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های زیادی بدون مشورت با بخش خصوصی صادر می‌شود که مورد اعتراض ماست حتی در خصوص تدوین لایحه بودجه در گذشته، سازمان برنامه و بودجه از مشورت اتاق‌ها استفاده می‌کرد اما دو سه سال

اهدافی که بخش خصوصی و اتاق بازرگانی تهران دنبال می‌کنند، صحبت کرده‌اند. من از این دوستان تشکر می‌کنم و از دیگر اعضا هم درخواست دارم با هماهنگی روابط عمومی از تربیون‌های مختلف برای بیان اهداف و مطالبات اتاق استفاده کنند.

چگونگی تعیین ارزش کالاهای وارداتی و صادراتی



در ادامه این جلسه، رییس کل گمرک، گزارشی از نحوه تعیین ارزش کالاهای صادراتی و وارداتی ارائه کرد. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، محمد رضوانی‌فر در ابتدای سخنان خود با اشاره به اینکه آمار صادرات برق، خدمات فنی و مهندسی و نفت از ماه گذشته به آمار صادرات افزوده شده است، ادامه داد: عوامل مختلفی از قبیل سیاست تجاری، ارزی، قیمت‌های جهانی، توان رقابتی و تحریم در افزایش و کاهش حجم مبادلات اثرگذار است. در عین حال، نوعی بیش‌اظهاری و کم‌اظهاری در واردات و صادرات مشاهده می‌شود که تلاش گمرک آن است که با بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی به سمت واقعی‌سازی ارزش‌ها حرکت کند. او با اشاره به تعریف سازمان جهانی گمرک در مورد تعیین ارزش گفت: کلیه رسیدگی‌های گمرک در ارتباط با صحت و درستی ارزش اظهاری بر طبق اسناد تسلیمی صاحبان کالاها (پیش‌فاکتور و سیاهه خرید) در مراحل تریخیص و پس از تریخیص در گمرکات اجرایی و دفاتر ستاد انجام می‌شود. رضوانی‌فر در ادامه به آمار صادرات و واردات در ۱۰ ماهه سال جاری اشاره کرد و گفت: ارزش صادرات طی این مدت معادل ۴۰,۵ میلیارد دلار و ارزش واردات ۵۴,۳ میلیارد دلار برآورد شده است. او با بیان اینکه رسیدگی به ارزش کالاهای صادراتی با استناد به ماده ۱۶ قانون امور گمرکی، ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی، از طریق استعمال ارزش از نهادهای دولتی ذی‌ربط، انجمن‌ها و اتحادیه‌های غیردولتی ذی‌ربط و طرح در کارگروه ارزش کالاهای صادراتی و ثبت در سامانه صورت می‌گیرد، ادامه داد: اعضای کارگروه ارزش کالاهای صادراتی متشکل از نمایندگان از وزارتخانه‌های نفت، بهداشت، صمت و جهاد کشاورزی، اتاق بازرگانی، انجمن‌ها و تشکل‌های ذی‌ربط، سازمان توسعه تجارت و گمرک است.

رضوانی‌فر سپس دلایل تمایل به کم‌اظهاری احتمالی در ارزش کالاهای صادراتی را برشمرد و گفت: تعهد برگشت ارز (پیمان‌سپاری ارزی) که با هدف صیانت از منابع ارزی کشور اجرا می‌شود و همچنین مواردی که عوارض صادرات براساس ارزش صادراتی کالا محاسبه و اعمال می‌شود از جمله این دلایل است. در عین حال استفاده از مجوزهای واردات در مقابل صادرات (فروش پروانه صادرات در مقابل واردات به غیر) و استفاده

تاکید قرار دادند را توسعه بازارهای صادراتی با کمک و نظارت دولت و تقویت دیپلماسی اقتصادی با همکاری بخش خصوصی عنوان کرد و گفت: تحقق نکاتی که مقام معظم رهبری بر آن اشاره داشتند در شرایطی ممکن می‌شود که دولت‌ها به الزامات ضروری اقتصاد مانند اصلاح رویه‌های مالیاتی، بانکی و تامین اجتماعی تن دهند و هم‌زمان نظام یارانه‌ای کشور اصلاح و بازنگری شود. دولت و نهادهای حاکمیتی دیگر باید دست از صدور بخشنامه‌های خلق الساعه بردارند و با حذف مقررات زائد دست و پای فعالان اقتصادی را برای حرکت باز کنند و طبق قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، در زمان تصویب قوانین جدید و صدور بخشنامه‌ها با فعالان بخش خصوصی مشورت کنند.

رییس اتاق تهران همچنین گفت که از بخش‌های اجرایی اتاق تهران می‌خواهد روی تک‌تک مواردی که مقام معظم رهبری در سخنان خود بیان کردند که برای اقتصاد کشور و بخش خصوصی راهگشاست، بررسی‌های عمیق انجام و سندهای سیاستی تدوین شود.

اشکال شرعی و قانونی لایحه بودجه

نجفی عرب در بخش دیگری از صحبت‌هایش به «بند ۳ تبصره ۶ لایحه بودجه سال ۱۴۰۳» اشاره کرد و گفت: طبق این مصوبه سازمان امور مالیاتی بانک مرکزی را مکلف می‌کند که حساب مودیان مالیاتی را مسدود کند و به میزانی که سازمان امور مالیاتی مطالبه دارد از حساب افراد کسر و به حساب این سازمان واریز شود. این مصوبه مجلس اشکال شرعی، عرفی و قانونی دارد. اتاق برای اصلاح این مصوبه تلاش زیادی داشت و خوشبختانه دیروز مطلع شدم که شورای محترم نگهبان این مصوبه را رد کرده و به مجلس محترم بازگردانده و قرار است مجلس در جلسه‌های فوق‌العاده روزهای چهارشنبه و پنجشنبه به این مصوبه و مصوبات رد شده دیگر رسیدگی کند. من با تعدادی از نمایندگان درباره این مصوبه و ضرورت اصلاح آن صحبت کردم و تاکید دارم سایر اعضای محترم هیات نمایندگان نیز اگر ارتباطی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارند، این مساله و ضرورت اصلاح آن را یادآوری کنند.

او در ادامه به لایحه دو روزه شدن تعطیلات آخر هفته و تاکید اتاق تهران و فعالان بخش خصوصی روی تعطیلی جمعه و شنبه، اشاره کرد و گفت: درخواست می‌کنم از نمایندگان دولتی که در هیات نمایندگان اتاق حضور دارند در این خصوص فعال شود و با دولت مذاکره کنند. تا جایی که ما می‌دانیم نمایندگان مجلس علاقه‌مند به دو روزه کردن تعطیلات آخر هفته هستند و بیشتر نمایندگان هم با تعطیلی جمعه و شنبه موافقت دارند اما دولت نظر دیگری دارد و می‌خواهد مشخص شدن روزهای تعطیل در اختیار دولت قرار داده شود و نظر دولت روی روزهای پنجشنبه و جمعه نظر است. درخواست ما این است که دولت و مجلس در این خصوص به درخواست چندین و چندین ساله بخش خصوصی توجه کنند. تعطیلی جمعه و شنبه درخواست کل اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور، اتاق اصناف، اتاق تعاون و فعالان اقتصادی است.

رییس اتاق تهران در بخش پایانی صحبت‌های خود به حضور تعدادی از اعضا هیات نمایندگان اتاق تهران در برنامه تلویزیونی مناظره محور «بالا تر» اشاره کرد و گفت: در این برنامه که این روزها با نزدیک شدن به ایام انتخابات و با محوریت مناظره در مورد مسائل اقتصادی برگزار می‌شود، تاکنون آقایان نجفی‌منش، آرگون، زرگران و سنجی حاضر شده و درباره



از تسهیلات بانکی، جواز صادراتی به عنوان دلایل تمایل به بیش‌ازپیش‌از‌احتمالی در صادرات شناخته می‌شود. او در ادامه به سازوکار تعیین ارزش ۵ گروه عمده از اقلام صادراتی شامل محصولات دارویی و مواد اولیه دارو، محصولات پتروشیمی و نفتی، کاشی و سرامیک، محصولات فلزی و فولادی و محصولات کشاورزی و دامپروری اشاره کرد و گفت: این اقدام با اطلاع و استحضار تشکلهای و دستگاههای اجرایی مربوطه انجام می‌گیرد؛ به‌طوری‌که ارزش بیش از ۷۵ درصد محصولات صادراتی توسط وزارتخانه‌های نفت، صمت یا انجمن‌ها و اتحادیه‌های مورد تأیید آنها به صورت دوره‌ای و منظم به گمرک ابلاغ یا از نشریات معتبر بین‌المللی استخراج می‌شود. همچنین ارزش موارد دیگر نیز پس از استعلام از دفاتر تخصصی وزارتخانه‌های ذی‌ربط، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مرتبط و طرح در کارگروه موضوع تبصره ۲ ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی، بررسی و تعیین می‌شود که نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری دفاتر تخصصی وزارتخانه‌های مرتبط، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مرتبط در ارزشگذاری کالای صادراتی است. او در ادامه به مکانیزم تعیین ارزش کالاهای وارداتی پرداخت و گفت: رسیدگی به تعیین ارزش کالاهای وارداتی نیز با استناد به ماده ۱۴ قانون امور گمرکی، ماده ۱۵ قانون امور گمرکی، مواد ۱۰ تا ۲۳ آیین‌نامه اجرایی، مصوبات ستاد تنظیم بازار، کمیته مشترک خودرو مشکل از گمرک و وزارت صمت (تبصره ۶ قانون خودرو) و تعامل با نهادهای دولتی و غیردولتی به رسیدگی به ارزش کالاهای وارداتی و همکاری و تعامل با گمرکات کشورهای صادرکننده دارای موافقت‌نامه گمرکی انجام می‌شود. رییس کل گمرک، دلایل نزول ارزش کالاهای وارداتی را مابند بالای تعرفه‌های گمرک، مالیات بر ارزش افزوده و سایر عوارض متعلقه عنوان کرد و گفت: دلایل بیش‌ازپیش‌از‌احتمالی کالاهای وارداتی نیز به مواردی



کالاها، تاریخ روز ثبت سفارش ملاک قرار نگیرد چرا که طی این مدت، نوسان زیادی در نرخ کالاها صورت می گیرد. او در ادامه سخنان خود این درخواست را مطرح کرد که تاریخ ثبت سفارش ملاک تعیین ارزش نباشد و تاریخ تایید پرونده توسط وزارت جهاد ملاک تعیین ارزش کالاها حوزه کشاورزی قرار گیرد.

ضرورت تفکیک واردات قطعات خودرو برای مونتاژ و تولید

محمدرضا نجفی منش، رئیس کمیسیون بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید اتاق تهران، نیز بر ایجاد مسیر آبی در گمرکات تاکید کرد و در خصوص واردات خودرو و قطعات نیز، تصریح کرد که میزان واردات در این بخش به صورت CKD برای مونتاژ خودرو یا قطعات برای واحدهای تولید خودرو، از سوی گمرک تفکیکی اعلام شود. محمدرضا غفرالهی دیگر عضو هیات نمایندگان اتاق تهران نیز، توسعه فعالان مجاز اقتصادی در گمرکات را ضروری دانست و قطعی مکرر سامانه گمرک طی مدت اخیر را معضلی برای فعالان اقتصادی عنوان کرد. مهرداد عباد، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره به اینکه نظرخواهی گمرک از تشکلهای افزایش یافته است، خواستار تعیین بازه ارزش برای توجه به تنوع کیفیت اقلام شد. داود رنگی هم با اشاره به نبود شفافیت در نقل و انتقال ارز و اثر آن بر فعالیت گمرکی از ضرورت حل مسائلی چون FATF و سوئیفت سخن گفت. او همچنین با اشاره به افزایش رسوب کالا در گمرکات، خواستار چاره اندیشی درباره این مساله شد.

ایجاد مسیر آبی برای گمرکات تخصصی

رئیس کل گمرک ایران در پاسخ به مسائل مطرح شده از سوی فعالان اقتصادی، ابتدا به مصوبه اخیر هیات وزیران اشاره کرد که بر اساس آن، برای تعیین ارزش کالاها و وارداتی، مینا روز اظهار کالا قرار داده شده و به این ترتیب، مشکلات مربوط به ثبت سفارش های منقضی شده، حل شده است. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، محمد رضوانی فر در رابطه با امکان دسترسی فعالان اقتصادی به اطلاعات گمرکی نیز تصریح کرد که در این باره منعی وجود ندارد و طبق کارنامه عملکردی که به صورت شش ماهه در اختیار فعالان اقتصادی قرار می گیرد، تمامی اقدامات هر شرکت و فعال اقتصادی در حوزه گمرک برای صاحب کالا، قابل رویت شده است. او در عین حال تصریح کرد که در خصوص مبدا واردات کالاها، با توجه به حساسیت های مربوط به تحریم ها، امکان دسترسی آزاد به اطلاعات وجود ندارد.

بر مبنای قانون امور گمرکی و آیین نامه اجرایی آن انجام می گیرد و سامانه TSC به عنوان ابزاری در اختیار گمرکات است که وظایف خود در ارتباط با رسیدگی به ارزش کالاها با دقت بیشتری ایفا کنند. او در ادامه گفت که بر اساس مکاتبات صورت گرفته، ضمن ارسال فهرست دفاتر تخصصی مرتبط به همراه تشکلهای، انجمن ها، اتحادیه ها و واحدهای تولیدی مربوطه از وزارتخانه های صمت، بهداشت، نفت، جهاد کشاورزی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق تهران به عنوان متولی بخش خصوصی دعوت می شود تا با ارایه مستندات و تشکیل کارگروه تخصصی ارزش کالاها نسبت به به روز رسانی بانک اطلاعات ارزش با گمرک جمهوری اسلامی ایران همکاری کنند.

میز خدمت در ادامه این جلسه، رئیس اتاق بازرگانی تهران ضمن قدردانی از خدمات و اقدامات گمرک گفت که میز خدمت گمرک به به صورت مرتب و ماهانه تشکیل جلسه می دهد و به تشکلهای نیز اعلام شده که این میز خدمت دایر شده و برای رفع مسائل گمرکی فعالان اقتصادی قابل رجوع است. از دیگر نهادها نظیر وزارت صمت نیز درخواست می کنیم که برای رفع مشکلات اقدام به ایجاد چنین میز خدمتی در اتاق تهران کنند.

تاکید بر لزوم دسترسی آزاد به اطلاعات گمرک



کاوه زرگران رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق تهران نیز بر لزوم دسترسی آزاد فعالان اقتصادی و اتاق های بازرگانی به داده و اطلاعات گمرک تاکید کرد و با اشاره به وجود نوسان در قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی در سطح بازارهای دنیا، خواستار آن شد که ملاک ارزش گذاری



دلار بانک مرکزی را دریل کرد

سیاست‌های مالی و سیاست‌های تجاری است. هرگونه ناسازگاری یا ناسازگاری میان سیاست‌های یادشده پیامدهایی بر بازار کالا، بازار ارز، بازار کار دارند و دولت‌هایی که از سوی یک حزب سیاسی شناخته شده مدیریت می‌شوند، این سیاست‌ها را با هم سازگار می‌کنند. علاوه بر این، دولت‌های حاکم در نظام‌های کامیاب راهبرد بلندمدتی دارند که از فلسفه اقتصادی آنها سرچشمه می‌گیرد. به این ترتیب در آمریکا و انگلستان و ژاپن و استرالیا و کانادا اقتصاد بازار کنار گذاشته می‌شود و دگرگونی در همین چارچوب انجام می‌شود.

در ایران بیش از ۶ دهه است اقتصادی شکل گرفته که تابع دو نکته بالا نیست. به این ترتیب نظام اقتصاد ایران ترکیبی از راهبردهای اقتصادی است که در جایی از آن نظام سوسیالیستی و در جای دیگر نظام مرکانتلیستی و در بخش‌هایی اجرای ناقص اقتصاد بازار است. اینگونه شده است که در ایران و در حال حاضر سیاست‌های پولی با سیاست‌های مالی و این هر دو با سیاست‌های بودجه‌ای تناقض دارند.

خطای راهبردی

در ایران یک توهم بزرگ پدیدار شده که سرچشمه تورم سرکش نرخ ارز بی‌ثبات و نیز سیاست‌های ارزی نوسانی است و به علت اصلی که همان کسری بودجه است به عمد فراموش می‌شود. در دولت حسن روحانی یک

گروه اقتصادی- بنابر گزارش‌ها قیمت هر دلار در بازار به ۶۰ هزار تومان رسیده و نیز با وجود حراج سکه قیمت سکه هم روندی فزاینده دارد. با وجودی که مدیران ارشد اقتصادی از جمله دو سیاست‌گذار اصلی یعنی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی و رسانه‌های هوادار دولت بارها و بارها هراس دلاری را فریاد زدند، اما قیمت دلار همچنین روندی فزاینده دارد. این اتفاق نشان می‌دهد قیمت دلار از هیچ نیروی سیاسی و اقتصادی با نفوذ در سیاست و اقتصاد کشور فرمان نمی‌برد و از قانون خود تبعیت می‌کند. قیمت‌های بالنده دلار در بازار آزاد مویذ این است که سرکشی دلار از فرمان‌های سیاسی و تصمیم‌های ناسازگار همچنان ادامه دارد. هنگامی که دولت دهم نتوانست با وجود درآمد ارزی افسانه‌ای بازار ارز را کنترل کند و قیمت‌ها از هر دلار از ۱۰۰۰ تومان به ۳ هزار تومان رسید و هنگامی که دولت دوازدهم نتوانست قیمت را در اندازه هر دلار برابر با ۵ هزار تومان تثبیت کند و قیمت هر دلار به ۲۰ هزار تومان رسید، دولت سیزدهم هم باید می‌دانست قیمت دلار را حتی در سقف ۵۰ هزار تومان هم نمی‌تواند نگه دارد. چرا چنین شده است؟ در گزارش حاضر بخش‌هایی از این داستان را می‌خوانید.

ناسازگاری سیاست‌های اقتصادی

سیاست‌های اصلی در اقتصاد کلان شامل سیاست‌های پولی و ارزی،

بازیگران اقتصادی را از بازار ارز دور کند حاضر می‌شود نرخ بهره بانکی سفت‌شده را بشکند و به ۳۰ درصد برساند که بازار سرمایه را ناکار کرده است.

مشکل چیست؟

همانطور که در ابتدای این گزارش خواندید، قیمت هر دلار در بازار آزاد به ۶۰ هزار تومان رسیده است. به این ترتیب و با توجه به اینکه میانگین قیمت دلار در ماه‌های آخر دوره قانونی فعالیت دولت دوازدهم ۲۱ هزار تومان بود، قیمت هر دلار در ۳۰ ماه تازه‌سپری‌شده نزدیک سه برابر شده است. چرا چنین اتفاقی می‌افتد و چرا دولت سیزدهم و سیاست‌گذار ارزی و پولی به مخصصه می‌افتد؟ حقیقت تلخ این است که سیاست‌گذار پولی و ارزی تصور می‌کند با کنترل‌های سفت و سخت بر میزان عرضه و تقاضا دوسوی بازار ارز را در اختیار دارد و به همین دلیل حاضر نیست سرکشی دلار را قبول کند. وزیر می‌گوید بازار آزاد ارز را قبول ندارد. دولت سیزدهم باور دارد عرضه انحصاری ارز با درجه بالای انحصار به دلیل سهم بالای درآمدهای نفت و میعانات گازی و نیز قبول شدن دیدگاه دولت از سوی صادرکنندگان عمده مثل پتروشیمی و فولاد و دیگر فلزات اساسی انحصار کامل برقرار است و دلیلی ندارد قیمت‌ها به سوی بالا بروند. این یک خطای راهبردی است که بانک مرکزی شاید فراموش کرده باشد که تنها در بازار ارز یک انحصار قوی ایجاد کرده، اما در بازارهای کالا و سرمایه و طلا دولت انحصار ندارد. این بازارها همانند رقیب بازار ارز فعالیت می‌کنند و قیمت‌ها را به تحرک وامی‌دارد. مشکل اصلی دولت سیزدهم و سیاست‌گذار پولی اینجاست که با انحصارسازی در بازار ارز می‌تواند دیگر بازارها را هم مهار کند، اما نمی‌تواند.

مشکل ذهنی

دولت‌های ایران و سیاست‌گذاران ارزی در ایران تصویری ویژه از دلار دارند و آن را یک کالا نمی‌دانند. آنها اگر این خطای ذهنی را از خود دور کنند و اجازه دهند بازار دلار یا بازار دیگر ارزهای خارجی ورود و خروج داشته باشد، قیمت‌ها به تعادل می‌رسد. به عبارت دیگر چون راه ورود ارز ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌های بین‌المللی و نیز آزادی دادوستد ارز بسته شده است، پس دلار را از سبد کالایی بیرون آورده و این همه مصیبت بر سر اقتصاد ایران وارد می‌شود.

سیاست ارزی خطرناک اتخاذ و رییس دولت وقت که بیشتر با باورهای رییس سازمان برنامه و بودجه وقت سازگار بود، آن را الزامی کرد و آن تثبیت قیمت دلار در سقف ۴۸۰۰ تومان بود. بیشتر مدیران دولت فعلی و نیز بیشتر گروه‌های سیاسی استیلا یافته بر سیاست کشور منتقد سیاست‌های تثبیت قیمت ارز بودند و هر روز می‌نوشتند که دلار آزاد شد و به همین دلیل قیمت‌ها نیز بی‌مه‌ار به سوی بالا رفتند. رییس دولت فعلی نیز در جریان مبارزات انتخاباتی وعده داد قیمت ارز را مهار کرده و نرخ تبدیل ارزهای معتبر به ریال را تثبیت می‌کند.

سیاست‌گذار سرسخت

پس از آنکه رییس بانک مرکزی انتخاب شده از سوی دولت سیزدهم توانایی برای مهار تورم از مسیر قیمت دلار را از دست داد، دولت سیزدهم سیاست‌گذار پولی را تغییر داد. سیاست‌گذار ارزی و پولی تازه از راه رسیده هنگامی بر سر کار آمد که قیمت دلار نسبت به قیمت دلار در روزهای آخر دولت دوازدهم رشد بالایی را تجربه کرده بود و دو برابر داشت. دومین رییس بانک مرکزی دولت سیدابراهیم ریسی نسبت به رییس قبلی یک ویژگی داشت و دارد و آن مجاب کردن رییس دولت و دیگر مقام‌های اقتصادی برای مهار تورم از مسیر کنترل شدید نرخ ارز و نیز کنترل شدیدتر عرضه و تقاضای بازار ارز بود و هست. سیاست‌گذار ارزی و پولی برای تثبیت قیمت دلار در بازار ایران در این یک سال تازه‌سپری‌شده تصمیم‌های سفت و سخت اتخاذ کرده و فعالان بازرگانی و صنعتی را در محاق قرار داده است.

رد پای بانک مرکزی

حالا و در چنین شرایطی است که ردپای سیاست‌های پولی و ارزی دولت سیزدهم که سیاست‌گذار آنها را اجرا می‌کند در هر فعالیت اقتصادی و بازارهای دیگر اثرگذار شده است. صادرکنندگان باور دارند اجبار به فروش ارز به قیمتی که بانک مرکزی تعیین می‌کند، انگیزه صادرات را کاهش می‌دهد. این وضعیت برای صادرکنندگان دولتی و خصوصی هم شاق شده و صادرکنندگان بخش خصوصی نیز گلايه‌های عمیق دارند. از سوی دیگر، برخی افراد حالا بدون داشتن سابقه و کارنامه و تنها برای استفاده از تفاوت ارزهای نیمایی و نیز دلار ۲۸۵۰۰ تومانی و دیگر نرخ‌ها واردکننده شده‌اند و به همین دلیل کسری ترازوی تجاری ۱۴ میلیارد دلار پدیدار شده است. بانک مرکزی برای اینکه حواس



رئیس کل بانک مرکزی تشریح کرد

سیاست‌های ارزی از لایه‌های صحبت‌های فرزین



می‌کند. او تأکید کرد: اوراق گواهی سپرده خاص یکی از این ابزارها و روش‌های بسیار خوب است که ۲۰۰ همت آن به سرعت توسط متقاضیان خریداری شد و سیاست‌گذار این روش را با توجه به تشخیص فنی، ادامه خواهد داد.

بازار ارز

فرزین در بخشی از سخنان خود در خصوص بازار ارز اظهار کرد: در خصوص سیاست ارزی، همچنان بانک مرکزی سیاست فعالانه حضور در بازار را ادامه خواهد داد. نمی‌توانیم به مدیریت بازار ارز و نرخ ارز بی‌توجه باشیم به دلیل اینکه می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کند و با ایجاد اختلال در عرضه کالاهای اساسی عوارض رفاهی و اجتماعی ناگواری بر جای گذارد.

مهار تورم

رئیس کل بانک مرکزی همچنین با بیان اینکه نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی بر مدار کاهش است، گفت: در تلاشیم در این شاخص‌ها به هدف‌های پیش‌بینی شده دست یابیم. سیاست پولی فعال را برای مهار تورم در دستور کار گرفته‌ایم و حتماً نرخ رشد نقدینگی که متوسط آن از سال ۹۸ تا پارسال ۳/۵ درصد بود تا پایان سال ۲۵ درصد هدف‌گذاری خواهد بود. فرزین با اشاره به اینکه تبیین و پیش‌بینی در اقتصاد بسیار مهم است، تصریح کرد: تبیین صحیح و منصفانه می‌تواند به پیش‌بینی و تحلیل و همچنین سیاست‌گذاری کمک کند. هدف از پیش‌بینی مداخلاتی است که باید در سال آینده و سال جاری انجام شود تا ثبات اقتصادی محقق شود.

پیش‌بینی‌ها

وی با تأکید بر اینکه علم اقتصاد سازنده دنیایی است که در آینده رخ می‌دهد و پیش‌بینی می‌تواند در تحقق اتفاقات سال آینده موثر باشد، ادامه داد: شکل‌گیری انتظارات فعالان اقتصادی در کوتاه‌مدت نمی‌تواند بر شکل‌گیری شاخص‌های اقتصاد و به خصوص تورم بی‌اثر باشد. البته گرچه در بلندمدت متغیرها بر هم منطبق می‌شوند، اما پیش‌بینی در شکل‌گیری متغیرهای اقتصادی موثر است. بنابراین روایت‌ها، تحلیل‌ها و چشم‌اندازی که از طریق رسانه‌های مرجع، اقتصاددانان و چنین همایش‌هایی ارایه می‌شود، می‌تواند در شکل‌گیری واقعیت‌ها و برون‌دادهای اقتصاد ایران موثر باشد، لذا در تحلیل روند اقتصاد باید به داشته‌های اقتصاد ایران و نقاط قوت و ضعف آن توجه کرد.

محمدرضا فرزین هنگامی که بر سر کار آمد وعده سنگینی داد. او وعده داد قیمت هر دلار در سقف ۲۸۵۰۰ تومان تثبیت کند. این وعده بزرگ راه را باز کرد تا فرزین در به روی خودش را ببندد و درمحاق فرو رود. فرزین در یک سال گذشته بسیار کوشش کرد بانک مرکزی را در صدر نهادهای فرماندهی اقتصادی مثل سازمان برنامه و نیز بر وزارت اقتصاد قرار دهد اما چنین نشد. حالا فرزین در دهشت پریدن فتر ارز هرکاری می‌کند تا بازار آزاد ارز را شکست دهد. علاوه بر این محمدرضا فرزین در بخش مهار تورم نیز کوشش کرده است گام‌هایی را بردارد. یکی از این گام‌ها تهدید بانک‌های ایران بوده و هست.

رئیس کل بانک مرکزی برای توضیح خط‌های پیدا و پنهان سیاست‌های ارزی و نیز برنامه بانک تجاری گام‌هایی را برداشته است در زمستان امسال فرزین در هرجایی که تریبون در اختیارش گذاشته‌اند سیاست‌های آتی خود را ارایه می‌کند. آشنایی با سیاست‌های ارزی و پولی و نیز برنامه‌های مهار تورم بالا برای فعالان صنعتی بسیار ضروری است. بخش‌هایی از سیاست‌های آینده نهاد بانک مرکزی را در ادامه می‌خوانید:

اصلاح ناترازی بانک‌ها

اصلاح ناترازی بانک‌ها از مهم‌ترین اولویت‌های کاری بانک مرکزی بوده و هست. این اصلاح باید از دو سوی به سرانجام برسد. از یک سو با کاهش وام‌دهی بانک‌ها و از سوی دیگر با افزایش نرخ بهره و جذب بیشتر سپرده‌گذاری. اما فرزین راه دیگری را می‌رود و حتی به دولت نمی‌گوید نمی‌توان از منابع سهامداران در بانک‌ها برداشت و به شهروندان و بنگاه‌ها وام ارزان داد. او می‌گوید: برای تعدای از بانک‌ها برنامه اصلاحی داریم تا ناترازی آنها برطرف شود. به ۸ بانک برنامه اصلاحی داده‌ایم و دائماً این برنامه را پیگیری می‌کنیم تا به نتیجه برسد. محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در همایش چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۳ اعلام کرد: برنامه اصلاح ۸ بانک ناتراز در سال آینده را به آنان ابلاغ کرده‌ایم و در صورتی که بانک‌های ناتراز اصلاح نشوند به سمت انحلال، ادغام یا توقف کار آن بانک‌ها حرکت خواهیم کرد.

سیاست‌های پولی

وی با بیان اینکه برنامه بانک مرکزی حرکت به سمت بانکداری تخصصی است، گفت: سیاست‌گذار پولی برای تأمین مالی طرح‌های ملی دارای بازدهی بالا، سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی و کنترل و مهار تورم از ابزارهای خود در زمان‌های مناسب استفاده

کارنامه پول

رئیس کل بانک مرکزی افزود: پول یکی از پیچیده‌ترین مسائل اقتصاد است و کارکرد آن در اقتصاد هم متأثر و هم تأثیرگذار بر سایر متغیرهای اقتصادی است. در دوره تاریخی ۱۳۳۸ تا ۱۴۰۱ متوسط رشد نقدینگی کشور ۲۵/۳ درصد بوده است. در دهه ۵۰ تا ۱۴۰۱ متوسط سالانه رشد نقدینگی ۲۷/۵ درصد بوده است و از سال ۹۸ تاکنون متوسط سالانه رشد نقدینگی ۲۸/۵ درصد و ۱۳ درصد بالاتر از متوسط بلندمدت آن بوده است.

ریشه اصلی تورم دهه ۹۰

فرزین با بیان اینکه از دهه ۱۳۵۰ تاکنون با وجود اینکه اقتصاد با فرازوفرودهایی مواجه بوده، اما همواره نرخ رشد نقدینگی بالایی داشته‌ایم، تصریح کرد: این در حالی است که هر سال برنامه داشتیم نرخ رشد نقدینگی را کنترل کنیم، اما همواره نرخ رشد نقدینگی بالا بوده است. از دهه ۵۰ وارد تورم‌های بالا شدیم و سال ۵۶ با تورمی حدود ۲۵ درصد مواجه بودیم. پس از آن نرخ تورم کشور همواره بالا بوده است. تعادل بودجه‌ای و برخورداری از منابع نفتی نقش مؤثری در کاهش و افزایش تورم داشته است. موضوع تورم در اقتصاد ایران موضوعی تاریخی و مزمن است و عوامل ساختاری، هزینه‌ای و فشار طرف تقاضا بر آن مؤثر بوده است.

وی در ادامه ضمن تأکید بر اینکه مشخصه اصلی تورم دهه ۹۰ ناترازی و تداوم انباشت تورمی بوده است، اعلام کرد: منظور از ناترازی مجموعه‌ای از ناترازی انباشت‌شده در ترازنامه بانک‌ها، تعادل بودجه و تراز بنگاه‌هاست. یکی از مشخصه‌های ناترازی اقتصاد ایران کاهش سهم سایر منابع تأمین مالی اعم از بازار سرمایه، دولت و افزایش سهم بانک‌ها تا حدود ۹۰ درصد تأمین مالی بوده است. این امر منجر به تشدید فشار تورمی و خلق نقدینگی درون‌زا در نظام پولی و بانکی کشور شده است، بنابراین وابستگی به مسیر گذشته و داشته‌ها و نداشته‌های اقتصاد در تحلیل پولی و مالی بسیار مهم است و باید به آن توجه شود.

چرا بانک‌ها ناتراز شده‌اند؟

فرزین تأکید کرد: ناترازی‌های موجود در بانک‌ها و موسسات اعتباری و عدم کفایت سرمایه کافی از مهم‌ترین نقاط ضعف شبکه بانکی کشور است. بارها به این نکته اشاره کرده‌ایم که ناترازی شبکه بانکی ناشی از جریان نقد است و نه ناترازی ترازنامه‌ای، اما اگر ادامه پیدا کند می‌تواند به ناترازی ترازنامه‌ای تبدیل شود. به گفته فرزین، از مهم‌ترین ریشه‌های اصلی بروز ناترازی در نظام بانکی کشور می‌توان به چالش‌های رابطه دولت با نظام بانکی، تکالیف و انباشت مطالبات شبکه بانکی از دولت، شکل‌گیری نامناسب بانک‌های خصوصی در دهه ۹۰، ضعف حاکمیت پولی و نظارت و تنظیم‌گری و سرریز نوسانات مغایر با اقتصاد اشاره کرد.

وی با اشاره به اقداماتی که بانک مرکزی ناظر بر اصلاح ناترازی بانک‌ها و موسسات اعتباری اجرا کرده و در دست اجرا دارد، گفت: سالم‌سازی ترازنامه بانک‌ها در دستور کار است. از ابتدا برنامه انحلال ۳ موسسه اعتباری که نمی‌توانند کار خود را ادامه دهند را داشتیم و این اقدام را با یک برنامه مشخص انجام دادیم و شاهد بودیم که برنامه انحلال این بانک‌ها با کمترین هزینه و مشکلی اجرایی شد.

برای تعدادی از بانک‌ها برنامه اصلاحی داریم تا ناترازی آنها برطرف شود. البته بخشی از ناترازی بانک‌ها ناشی از ناترازی موجود در دولت است و باید به این نکته نیز توجه کنیم. به ۸ بانک برنامه اصلاحی داده‌ایم و دایماً این برنامه را پیگیری می‌کنیم تا به نتیجه برسد. رئیس کل بانک مرکزی افزود: متأسفانه با انباشت زیادی از دارایی‌ها و شرکت‌هایی که ارتباطی با فعالیت بانک‌ها ندارند، مواجه هستیم. بانک‌ها را تخصصی خواهیم کرد و هر بانک براساس تخصص خود می‌تواند به فعالیت‌های مختلف بپردازد و از ابزارهای مختلف استفاده کند. تخصصی نبودن بانک‌ها و فعالیت در تمام حوزه‌های اقتصادی مساله‌ای است که در دنیا نیز مرسوم نیست و باید اصلاح شود. آیین‌نامه‌های این اقدام در حال تدوین است و کم‌کم وارد اجرایی کردن آن خواهیم شد. در رابطه با بانک‌هایی که اصلاح نشوند، به سمت برنامه انحلال، ادغام یا توقف حرکت خواهیم کرد تا هزینه‌هایی که برای اقتصاد ایجاد می‌کنند را کاهش دهیم. در این مسیر از قانون فیصله استفاده خواهیم کرد.

برنامه‌های بانکی چیست؟

فرزین با اشاره به برنامه‌ها و اقداماتی که بانک مرکزی قصد دارد در حوزه پولی و بانکی انجام دهد تا بتواند اصلاحاتی در این حوزه انجام دهد، گفت: در حوزه پولی همچنان معتقدیم باید سیاست پولی فعال داشته باشیم. دیدگاه بنده با دوستانی که سیاست پولی را در اقتصاد و کنترل تورم و ارز مؤثر نمی‌دانند مغایر و متفاوت است و معتقدم اتخاذ سیاست‌های پولی برای ثبات اقتصادی و کنترل تورم بسیار مهم است.

او ادامه داد: اقدام کنترل مقداری رشد ترازنامه در چارچوب برنامه پولی را ادامه می‌دهیم. در ابتدای سال اعلام کردیم که هدفگذاری بانک مرکزی نرخ رشد نقدینگی ۲۵ درصدی تا پایان سال ۱۴۰۲ است، طبیعی بود که تحقق این عدد سخت به نظر می‌رسید، چراکه به دلیل تعارض منافع سختی‌های بسیاری دارد، اما شاهد آن هستیم که این هدفگذاری به خوبی محقق شده و اطمینان می‌دهم که تا پایان سال بر تحقق هدفگذاری خود در نرخ رشد نقدینگی باقی خواهیم ماند.

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه هدفگذاری خود را هدفگذاری تورم قرار ندادیم، بلکه هدفگذاری را بر نقدینگی گذاشتیم که عامل اصلی تورم است و خوشبختانه در آن موفق شدیم، افزود: همچنان از عملیات بازار باز استفاده خواهیم کرد. تنظیم مناسب رابطه دولت و نظام بانکی نیز یکی دیگر از اقداماتی است که انجام خواهیم داد. در سیاست‌های پولی مهم‌ترین ابزار نرخ سود است و از طریق اصلاح برده‌های نرخ سود از این ابزار استفاده می‌کنیم. همچنین از کارکرد تنظیمی بهره‌مندی از نرخ سپرده قانونی نیز برای کنترل نرخ رشد نقدینگی استفاده می‌کنیم.

پایه پولی

فرزین تأکید کرد: برخی به موضوع پایه پولی نیز به عنوان یک متغیر مهم اشاره می‌کنند و گرچه عامل اصلی تورم نرخ رشد نقدینگی است، اما نرخ رشد پایه پولی در افزایش نرخ رشد نقدینگی مؤثر است و همانطور که در برنامه‌های خود پیش‌بینی داشتیم که اجرای برنامه‌ها منجر به کاهش پایه پولی می‌شود، شاهدیم که نرخ رشد پایه پولی در دی‌ماه به ۳۱/۱ درصد رسیده است. همچنان سال آینده بر کنترل پول و اعلام هدف‌گذاری نرخ رشد نقدینگی تمرکز خواهیم داشت.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه در حوزه اعتباری بر استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در راستای هدایت هفتمند و مؤثر تأمین مالی تأکید داریم، گفت: تأمین مالی خرد و تأمین مالی بخش مسکن و تأمین مالی بخش تولید از جمله بخش‌هایی است که به آن توجه ویژه خواهیم کرد. یکی از سیاست‌های اعتباری تأمین مالی زنجیره‌ای با تمرکز بر تأمین مالی زنجیره در گردش است. او افزود: ابزار اوراق گام که ۵۰ همت از آن سال گذشته منتشر شد و امسال قصد داشتیم ۱۵۰ همت بفروشیم، اما امسال از برنامه عقب هستیم و امیدوارم بتوانیم استفاده از این ابزار را توسعه دهیم. این ابزار در اقالام زیرترانزنامه وارد می‌شود و اثر آن در ناترازی اندک است و در حوزه تأمین مالی تولید ابزار مؤثری است. به‌طور کلی از برات الکترونیک به عنوان یک ابزار دیگر استفاده می‌شود.

نیاز پولی خانوارها

فرزین با اشاره به اینکه در سال جاری ۲۰۰ همت گواهی سپرده خاص منتشر شد، تصریح کرد: این ابزار روش بسیار خوبی برای تأمین مالی هفتمند تولید و سرمایه در گردش است و هر زمان تشخیص دهیم نیاز به استفاده از این ابزار وجود دارد آن را به کار خواهیم گرفت. این ابزار برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای ایجاد و پیش‌ران اقتصادی بسیار اثرگذار است. او با تأکید بر اینکه به تأمین مالی خرد خانوارها با تمرکز بر تسهیلات قرض‌الحسنه توجه می‌کنیم، چون روش تأمین مالی بسیار مؤثری در تأمین مالی خانوارهای کم‌درآمد است، ادامه داد: تلاش می‌کنیم از روش‌هایی استفاده کنیم که عموم مردم و طبقات متوسط و ضعیف بتوانند سریع‌تر و با هزینه کمتر به وام‌های خرد دسترسی داشته باشند و نیاز به استفاده از ضامن نیز کاهش پیدا کند. مردم مساله نیاز کمتر به ضامن در تسهیلات قرض‌الحسنه را دنبال می‌کنند و ما هم تلاش داریم این روش تأمین مالی را آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و در دسترس‌تر کنیم.





وضعیت صنعت در چین چگونه است؟

شیشه وضعیت همین طور است. چین اکنون با توجه به افت تقاضای داخلی، بازار جهانی را پر کرده است. توسعه صادرات چین همچنان ادامه دارد. ظرفیت ذوب آلومینیوم چین امسال نیز ده درصد افزایش خواهد یافت. بر اساس اعلام موسسه رتبه‌بندی فیچ، حدود ۲ میلیارد تن ظرفیت جدید تولید زغال سنگ طی دو سال آینده به ظرفیت تولید چین اضافه می‌شود.

گزارش دقیقی که هفته جاری توسط اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین منتشر شد، نشان می‌دهد که ظرفیت مازاد صنعتی از سال ۲۰۰۸ میلادی افزایش یافته است. بانک مرکزی چین اخیراً از ۶۹۶ شرکت صنعتی در جیانگ سو تحقیق کرده است و به این مساله پی برده است که استفاده از ظرفیت آنها به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. لوییس کوچیس از موسسه تحقیقاتی آکسفور اکونومیکس برآورد کرده است که شکاف تولید - بین تولید و ظرفیت - برای صنعت چین به‌طور کلی در سال ۲۰۰۷ به صفر رسیده ولی تا سال ۲۰۱۵ این رقم ۱۳.۱ درصد بوده است و بخش زیادی مربوط به صنایع سنگین است.

ترسناک‌تر از ارواح

بخش زیادی از مشکلات منجر به ایجاد حباب در بخش مسکن چین

پایگاه خبری تحلیلی فولاد (ایفنا) - مازاد عرضه یک مشکل جهانی است و یک مشکل جهانی نیاز به تلاش‌های مشترک از سوی همه کشورها دارد. این اظهارات گائو هو چنگ وزیر بازرگانی چین در یک کنفرانس خبری است که ۲۳ فوریه در پکن گفته شده است. گائو در واکنش به انتقادات جهانی علیه افزایش صادرات صنعتی چین صحبت کرده و گفته است که همه مقصر هستند.

بی شک مازاد عرضه یک مشکل جهانی است ولی نه آن طور که آقای گائو استدلال می‌کند. صادرات زیاد کالاهای صنعتی چین همه بازارهای جهانی را فراگرفته است و تاثیر زیادی بر فشارهای ضد توری داشته و این مساله تولیدکنندگان سراسر جهان را تهدید می‌کند. اگر این مازاد عرضه در نتیجه افزایش ظرفیت تولید در بسیاری از کشورها باشد، پس آقای گائو حق خواهد داشت که چین نباید سرزنش شود ولی واقعیت چیز دیگری است.

ظرفیت مازاد چین در فولادسازی به عنوان مثال، بیشتر از کل تولید ژاپن، امریکا و آلمان است. رودیوم گروپ یک شرکت مشاوره‌ای برآورد کرده است که تولید جهانی فولاد در دهه منتهی به ۲۰۱۴ با رشد ۵۷ درصدی روبرو شده است و چین ۹۱ درصد این افزایش را در اختیار داشته است. صنعت بعد از صنعت دیگر، از کاغذ گرفته تا کشتی و

کنند. ولی حتی اگر چین به قول خود برای عدم کاهش ارزش یوان پایبند باشد، سیل کالاهای ارزان به بازارهای خارجی ادامه خواهد یافت. دولت امریکا تعرفه‌های زیادی را علیه واردات چین وضع کرده است. هند نسبت به افزایش شکاف تجاری با چین هشدار داده است. معترضان علیه واردات کالاهای چینی در خیابان‌های بروکسل تظاهرات کردند. فشارهایی از سوی اتحادیه اروپا وارد شده تا وضعیت اقتصاد بازار چین را به رسمیت نشناسد. اروپا چین را به دامپینگ و قیمت شکنی متهم کرده است.

رویکرد دیگر تحریک تقاضای داخلی با اعتبار است. در ژانویه رشد اعتبارات دولتی چین به بالاترین سطح در یک سال گذشته رسیده است. بانک‌های چینی ۳۸۵ میلیارد دلار وام جدید داده‌اند این یک رکورد است. ولی استقراض بیشتر در شرایطی که سود کاهش می‌یابد تنها می‌تواند به بدتر شدن وضعیت شرکت‌های زامبی منجر شود.

سیاست سوم تشویق روند تثبیت در شرکت‌های دولتی است. برخی ادغام‌ها صورت گرفته در بخش‌هایی مثل تجهیزات ریلی و کشتیرانی. ولی شواهد کمی وجود دارد که نشانگر کاهش مازاد ظرفیت در اقتصاد چین باشد. رهبران چینی عرضه اعتبار ارزان و آب و برق یارانه‌ای به شرکت‌های دولتی را متوقف کردند. ولی نتیجه با آمارهای مقام‌های رسمی استانی در تناقض است که کنترل ۱۵۰ هزار شرکت دولتی را در اختیار دارند. دولت‌های محلی هزینه‌های خود را از طریق دریافت مالیات از شرکت‌ها تامین می‌کنند، بنابر این بخش زیادی از مقام‌های رسمی برای تعطیل کردن شرکت‌های دولتی تمایلی ندارند، فارغ از اینکه شرکت غیر سودآور یا ناکارآمد باشد.

آنها همچنین نگران ناآرامی‌های اجتماعی به خاطر اخراج گسترده کارکنان و کارگران هستند. یورگ ووتکه رییس اتاق بازرگانی اروپا به شوخی می‌گوید: ۳۳ دولت استانی در چین به همان اندازه ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا متمرکز هستند. بنابر این آقای گائو که ادعا می‌کند مشکل به‌طور کامل تقصیر دولت چین نیست به یک معنا درست است ولی در دهه ۱۹۹۰ میلادی رهبران چین نتوانستند اصلاحات گسترده‌ای را در شرکت‌های در حال ورشکست انجام دهند. برای برطرف کردن نگرانی‌های امروز، دولت مرکزی شاید منابع مالی بیشتری را برای دولت‌های محلی اختصاص دهد تا زیان ناشی از کاهش درآمدهای مالیاتی را جبران کند و همچنین مزایای بیکاری را برای کارگرانی که از ورشکستگی شرکت‌های بزرگ بیکار می‌شوند، افزایش دهد.

اگر رهبران فعلی چین شجاعت انجام چنین کارهایی را داشته باشند، شاید نیاز به اقدامات بیشتری نیز باشد. استفان شیه از موسسه مشاوره‌ای «بین» گفت: بخش زیادی از نوسازی آرام در بسیاری از صنایع با مازاد ظرفیت پوشانده شده است. برای مثال، بخش کمی از ظرفیت صنعت کود در سال ۲۰۱۱ از فناوری پیشرفته استفاده می‌کرد، اکثر ظرفیت جدید از آن زمان به بعد فناوری مدرنی را در اختیار دارند که هزینه فعالیت آن ۴۰ درصد کمتر است. بائو استیل گروپ یک شرکت بزرگ دولتی از سوی مقام‌های شانگهای مجبور شده است تا بخش آلاینده تولید خود را تعطیل کند. بنابر این روسای آن مجتمع صنعتی جدیدی را در استان گوانگ دونگ ساخته‌اند که ظرفیتی حدود ۹ میلیون تن دارد. تاسیسات بسیار کارآمد فناوری‌های سبز در اختیار دارد که به‌طور چشمگیری تولید گازهای آلاینده را کاهش می‌دهد. شیه در این باره می‌گوید: زمانی که ظرفیت قدیمی چین تعطیل می‌شود، ما یک بخش صنعتی بسیار مدرن‌تر خواهیم داشت. سؤال این است، این روند چقدر طول خواهد کشید؟

منبع: اکونومیست



شده است. سرمایه‌گذاری هنگفتی در بخش مسکن چین انجام شده است ولی بسیاری از شهرهای به ظاهر خالی باید در نهایت پر شوند. سرمایه‌گذاری بیش از حد و عجیب چین در کالاهای صنعتی یک مشکل به مراتب بزرگ‌تر است. تجزیه و تحلیل جانت‌هاو از کنفرانس بورد نشان می‌دهد که رشد سرمایه‌گذاری در تولید تجهیزات معدنی و سایر کالاهای صنعتی از سرمایه‌گذاری در بخش مسکن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ میلادی فراتر رفته است. این مساله بسیاری از شرکت‌های دولتی را در برابر رکود به‌شدت آسیب‌پذیر کرده و این شرکت‌ها را به زامبی‌های سود تبدیل کرده است. شرکت‌های صنعتی چین سال گذشته برای نخستین‌بار با کاهش سود کلی از سال ۲۰۰۰ میلادی روبرو شدند. دویچه بانک برآورد کرده است که یک سوم شرکت‌های به‌شدت بدهکار چینی در صنایعی هستند که با مازاد عرضه روبرو شده‌اند. بازده دارایی‌های شرکت‌های دولتی که صنایع سنگین را در تسلط دارند، یک سوم شرکت‌های خصوصی بوده و نصف شرکت‌های خارجی در چین بوده است. ریشه اصلی این دروغ واکنش چین به بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی است. مقام‌های چینی سعی کردند تا پول‌ها را به‌طور چشمگیری در شرکت‌های دولتی که در بخش‌های زیرساختی و صنایع سنگین فعال بودند، سرمایه‌گذاری کنند. ظرفیت مازاد ایجاد شده در دسره‌های به مراتب بزرگ‌تری را برای چین نسبت به سایر کشورهای جهان به وجود آورده است. مازاد عرضه موجب ادامه روند نزولی قیمت‌ها شده است. در ماه ژانویه برای چهل و هفتمین ماه متوالی شاهد کاهش قیمت بودیم. کاهش قیمت تولید فشارها بر شرکت‌های دولتی بدهکار را افزایش داده است.

خبر خوب این است که چین علنا این مساله را یک مشکل در نظر گرفته است. شورای دولتی اخیرا مقابل مازاد ظرفیت را یک اولویت ملی اعلام کرده است. ۲۵ فوریه کمیسیون دولتی نظارت بر دارایی‌ها که بر شرکت‌های دولتی بزرگ نظارت می‌کند، اعلام کرد: به زودی اصلاحاتی را در شرکت‌های دولتی اجرا خواهد کرد. خبر بد این است که ۳ اقدام آنها مشکل را بدتر خواهد کرد. یک گزینه برای زامبی‌های چینی این است که مازاد ظرفیت خود را صادر



ازدواج و خانواده در چین: ایدئولوژی و عمل

از لحاظ تاریخی، ازدواج و خانواده در چین بر اساس سه ایدئولوژی متمایز شکل گرفته است: ۱- کنفوسیوسیسم در بیشتر بستر تاریخی خود تا اوایل قرن بیستم؛ ۲- گفتمان مرتبط با جنبش چهارم ماه مه در اوایل قرن بیستم، و ۳- کمونیسم پس از سال ۱۹۴۹ آنچه در مرکز هر ایدئولوژی قرار داشت - به ترتیب قبیله، فرد و دولت - ماهیت ازدواج و ساختار خانواده را برای دوره‌ای که در طی آن ایدئولوژی غالب بود، تعریف کرد.

کنفوسیوسیسیم در اواخر امپراتوری چین

هسته اصلی گفتمان کنفوسیوس در زمینه خانواده، ایده پدرسالاری بود که از اعضای کوچکتر خانواده اطاعت مطلق از بزرگان خود را می‌خواست. رساله‌هایی که به‌طور گسترده در مورد پدرسالاری توزیع می‌شد، با هدف القای ارزش‌های اخلاقی کنفوسیوس در مردم، از فداکاری‌های افراطی تجلیل می‌کرد؛ مانند مردی که قصد دارد پسرش را دفن کند تا غذای

آخرین اصل الگوهای ازدواج و ساختار خانواده، محله‌گرایی بود که در آن زن تازه ازدواج کرده به خانه شوهرش نقل مکان می‌کرد. از آنجا که قانون و جامعه، هر ازدواجی را که بین کسانی که نام خانوادگی یکسانی داشته باشند، محارم می‌دانستند و از آنجا که اکثر روستاها از افراد هم نام خانوادگی تشکیل شده بودند؛ برای زن، ازدواج ایجاب می‌کرد که به روستای شوهرش نقل مکان کند.

در حالی که ازدواج و خانواده همیشه شالوده جامعه چینی را تشکیل می‌دهند، معنا و عملکرد آنها در طول زمان متفاوت بوده است. از زمان پذیرش کنفوسیوسیسم به عنوان ایدئولوژی رسمی در طول سلسله‌هان (۲۰۶ تا ۲۲۰ ق.م)، اصول کنفوسیوس، اساساً ازدواج و خانواده را تعریف کرده است. با این حال، در قرن بیستم، روی آوردن گسترده به اندیشه‌های کنفوسیوس و پذیرش همزمان ایده‌های غربی در مورد تک‌همسری و برابری، نهادهای ازدواج و خانواده را که از اواخر دوران امپراتوری به ارث رسیده بود، دگرگون کرد — اما کاملاً نابود نکرد.



مرد از طرف پدرش که حتی بر نزدیک‌ترین خویشاوندان خونی همسر یا مادرش برتری داشتند. تأکید کنفوسیوس بر اصل و نسب ممتاز پدری نسبت به ارتباط خونی بود. در واقع، صرف داشتن نام خانوادگی یکسان، مرد را واجد شرایط وارث مرد دیگری می‌داند. اگرچه نسبت خونی نداشته باشند، اما اگر یک نام خانوادگی مشترک داشتند، دلیلی بر این بود که آنها اجداد مذکر مشترکی داشتند، صرف نظر از اینکه در گذشته چقدر از یکدیگر دور بوده باشند.

الزام اخلاقی - و آغاز آن در سلسله مینگ (۱۶۴۴-۱۳۶۸)، قانونی - برای داشتن یک وارث، تعدادی آداب و رسوم اجتماعی را به وجود آورد که برای کمک به یک زوج بدون پسر طراحی شده بود تا یک خانواده پدری در حال مرگ را نجات دهد. برخی، مانند فرزندخواندگی، در ابتدا آشنا به نظر می‌رسند. با این حال، در زمینه چینی، هدف اصلی از فرزندخواندگی، انتخاب وارثی برای جانشینی خانواده پدری بود. در حالی که همه فرزندخواندگیها برای تضمین یک وارث صورت نمی‌گرفت، اما آنهایی که بودند می‌توانستند پس از مرگ انجام شوند. وقتی مردی بدون تعیین وارث می‌مرد، بیوه او با مشورت شورایی متشکل از بزرگان قبیله می‌توانست از طرف مرد متوفی وارثی اختیار کند.

در عمل جانشینی ترکیبی، مردی همزمان با دو زن ازدواج می‌کرد. پسران همسر اول، خط سیر پدری او را به عهده می‌گرفتند و از وی ارث می‌بردند؛ در حالی که پسران همسر دوم، همچون زن و شوهر بدون پسر بودند یا همچون عموی پدری مرد و همسرش. از نظر جامعه، هر دو زن از موقعیت یکسانی برخوردار بودند. اگرچه قانون از نظر فنی دو همسری را ممنوع می‌کرد، اما رسم جانشینی ترکیبی را تحمل می‌کرد، که گواهی بر اهمیت تداوم خط سیر پدری نه تنها برای خانواده‌ها، بلکه برای دولت

مادر یا عروسش را ذخیره کند که به مادرشوهر بیمار خود شیر می‌داد. حتی در هنگام مرگ، همانطور که با روش رایج احترام به اجداد پیشنهاد می‌شود، والدین باید تکریم شوند. پدرسالاری به همان اندازه که یک تعهد اخلاقی بود، قانونی بود. همانطور که در قوانین امپراتوری متأخر، مجازات پسران بالغی که از وظایف خود برای تأمین معاش والدین سالخورده خود کوتاهی می‌کردند، مشهود است؛ تا آنجا که اساساً پدری را که فرزند سرکش خود را به قتل رسانده از مجازات معاف می‌کند.

در حالی که پدرسالاری بر مباحث مربوط به خانواده مبتنی بر کنفوسیوس غالب بود؛ قبیله و خاندان، الگوهای ازدواج و خانواده را ساختار داد. در چین، خانواده گسترده، به جای خانواده هسته‌ای (مانند اکثر جوامع غربی)، به عنوان واحد اصلی خانواده عمل می‌کرد. ایده آل کنفوسیوس، پنج نسل زیر یک سقف، خانواده‌های پسران هر نسل بعدی را مجسم می‌کرد که همگی در یک ترکیب با هم هماهنگ باشند. از بسیاری جهات، ترکیب خانواده به عنوان تجلی فیزیکی از سه اصل عمل می‌کرد که بیشتر هویت خانوادگی و شیوه‌های ازدواج را شکل می‌داد: ۱- پدرسالاری، که اصل و نسب را فقط از طریق مرد ردیابی می‌کرد؛ ۲- پدرسالاری، که سلسله‌مراتب خانوادگی را تأیید می‌کرد که مردان را بر زنان برتری می‌داد و سالمندان را بر جوانان؛ و ۳- محل سکونت پدری، که مستلزم آن است که زن پس از ازدواج، به محل سکونت شوهرش نقل مکان کند.

با توجه به امید کم نسبت به زندگی و محدودیتهای اقتصادی اکثر مردم، واقعیت اجتماعی، اغلب از ایده آل کنفوسیوس کوتاه می‌آید [...]. بیشتر خانواده‌ها به‌طور متوسط، شامل دو یا سه نسل بودند. تفاوت در شرایط اقتصادی نیز به تغییرات در الگوهای ازدواج و خانواده کمک کرد؛ که در زیر با جزئیات بیشتر درباره آن بحث خواهد شد. به‌طور کلی، ثروتمندان زودتر ازدواج می‌کردند و فرزندان بیشتری داشتند؛ در حالی که فقیران دیرتر ازدواج می‌کردند - اگر اصلاً ازدواج می‌کردند - و فرزندان کمتری داشتند. رسم تقسیم خانواده، که در آن اموال خانواده به‌طور مساوی بین همه پسران تقسیم می‌شد، منجر به ایجاد خانواده‌هایی شد که از خانواده اصلی شامل والدین، پسر بزرگ و خانواده او و فرزندان مجردشان تا خانواده هسته‌ای بود. به بیان دقیق، تقسیم خانواده فقط پس از مرگ والدین اتفاق می‌افتاد؛ اما درگیری‌های خانگی (اغلب تقصیرش را گردن عروس‌ها می‌انداخت) اغلب به تقسیم اولیه خانواده منجر می‌شد. با وجود تفاوت در الگوهای ازدواج و خانواده در رفتار اجتماعی، همه خانواده‌ها در چین، آرزو داشتند که به آرمان کنفوسیوس دست یابند؛ یا حداقل به آن نزدیک شوند.

در اواخر امپراتوری چین، خانواده تقریباً مترادف با خانواده پدری بود. عضویت در این قبیله - که نماینده گروه خویشاوندی وسیعتری بود که فرد به آن تعلق داشت - از طریق پدرش بود. از این رو، همه اعضای یک قبیله، دارای یک جد مشترک مذکر بودند که با نام خانوادگی مشترک آنها نمایان می‌شد. طبق قانون و عرف، دورترین خویشاوند پدری، از نظر خویشاوندی، نزدیک‌تر از نزدیک‌ترین خویشاوند مادری در نظر گرفته می‌شد؛ که نمونه‌ای از آن را عمل جانشینی پدری می‌دانستند. نداشتن فرزند پسر مستلزم این بود که وارثی برای جانشینی خاندان پدری تعیین شود. در اغلب موارد، وارثی از میان پسران برادران مرد متوفی انتخاب می‌شد و در مواقعی که این امکان وجود نداشت، از میان اقوام دورتر

مکان می‌کرد. در این نوع ازدواج، فرزندان نام خانوادگی زن را به خود می‌گرفتند و به جای پدر و مادر او، نسب خانوادگی او را حفظ می‌کردند. در اینجا، تفسیر تحت اللفظی خط پدری کنار گذاشته شد، تا داستان تداوم پدری حفظ شود. اگرچه ازدواج غیرمحلّی بسیار کمتر از ایده آل بود، اما نشان دهنده یأس والدین بدون پسر و مردان فقیر برای رسیدن به این ایده آل بود. برای والدین، چنین ترتیبی اغلب تنها راهی بود که می‌توانستند یک خانواده پدری در حال مرگ را نجات دهند؛ حتی اگر این خط را اکنون از طریق یک دختر به جای پسر دنبال می‌کردند. برای مرد، او را قادر می‌ساخت تا ازدواج کند، هدفی که در مواجهه با کمبود زنان واجد شرایط، به آسانی به دست نمی‌آمد. عمل کشتن نوزادان دختر به عنوان یک استراتژی بقا در میان فقیران و رسم صیغه در میان ثروتمندان با هم ترکیب شدند تا تعداد زنان در دسترس را محدود کنند. هم برای والدین بدون پسر و هم برای مردان فقیر، ازدواج غیرمحلّی، راهی عملی برای نزدیک شدن به آرمان کنفوسیوس ارایه می‌کرد؛ حتی اگر جامعه به آن نگاه تحقیرآمیزی داشته باشد.

جای تعجب نیست که تأکید بر خط پدری، اقتدار پدرسالاری را تقویت می‌کرد. در بیشتر موارد، سرپرست خانوار، مسن‌ترین مرد بود. کنترل کامل و انحصاری او بر تمام دارایی‌های خانواده، به او قدرت می‌داد تا منابع خانواده را به دلخواه خود تخصیص دهد و تلقین ارزش‌های کنفوسیوس در هر نسل، برای اطمینان یافتن از پیروی مشتاقانه از سوی نسل جوان بود. در گفتمان اخلاقی کنفوسیوس، فرزندان، فرزندی را مدیون والدین خود بودند، و همسران نیز مدیون اطاعت از شوهران خود بودند. همراه با انحصار پدرسالار در منابع مالی خانوادگی، اقتدار اخلاقی آیین کنفوسیوس، کنترل عملاً کامل بر زندگی همه افراد خانواده را به پدرسالار می‌داد.

عرف و قانون برای تقویت و دفاع از اقتدار پدرسالار به شیوه‌های مختلف ترکیب شدند. والدین ازدواج‌هایی را ترتیب دادند تا با خانواده‌های دیگر اتحاد برقرار کنند و به ندرت خواسته‌های فرزندان خود را در نظر بگیرند. درواقع، گاهی عروس و داماد آینده تا روز عروسی، همدیگر را ملاقات نمی‌کردند. کسانی که در دام ازدواج‌های تحمل‌ناپذیر افتاده بودند، هیچ چاره‌ای نداشتند. این امر به ویژه در مورد زنان صادق بود؛ زیرا مقررات طلاق، با دفاع از اصول مردسالاری، به شدت به مردان کمک می‌کرد و به آنان اجازه می‌داد همسرشان را به دلیل ناکامی‌های ظاهراً جسمی و اخلاقی طلاق دهند که از ناتوانی در به دنیا آوردن فرزند پسر، تا رفتار غیرقانونی با والدین آنها را شامل می‌شد.

آخرین اصل الگوهای ازدواج و ساختار خانواده، محله‌گرایی بود که در آن زن تازه ازدواج کرده به خانه شوهرش نقل مکان می‌کرد. از آنجا که قانون و جامعه، هر ازدواجی را که بین کسانی که نام خانوادگی یکسانی داشته باشند، محارم می‌دانستند و از آنجا که اکثر روستاها از افراد هم نام خانوادگی تشکیل شده بودند؛ برای زن، ازدواج ایجاب می‌کرد که به روستای شوهرش نقل مکان کند. در نتیجه، هنگامی که زن ازدواج می‌کرد، نه تنها خانواده مادری خود را پشت سر می‌گذاشت، بلکه شبکه



نیز بود. راهل متداولتر برای انقضای یک خط پدری و راهلی که از سوءظن دو همسری جلوگیری می‌کرد، صیغه بود. مردی که نتوانسته بود از همسرش، پسری به دنیا بیاورد؛ می‌توانست صیغه‌هایی اختیار کند که به عنوان همسران کوچک در نظر گرفته می‌شدند و هرگز همسر قانونی قلمداد نمی‌شدند. توجیه اخلاقی صیغه این بود که به مرد متأهلی که پسر نداشت، اجازه می‌داد که به مهم‌ترین وظیفه فرزندزی خود یعنی ادامه خط سیر پدری توسط پسران حاصل از صیغه خود عمل کند. طبق قانون و عرف، فرزندان صیغه نه تنها به مرد، بلکه به همسر اصلی او نیز تعلق داشتند. از این نظر، صیغه بسیار شبیه به یک مادر جایگزین عمل می‌کرد — فرزندی به دنیا می‌آورد که توسط همسر اصلی، به عنوان فرزند خود بزرگ می‌شد. طبق عادت، فرزندان یک صیغه از همسر اصلی به عنوان «مادر» یاد می‌کردند و مادر خود را «خواهر بزرگتر» می‌نامیدند. با توجه به اختیارات قانونی و اجتماعی که یک زن اصلی نسبت به فرزندان صیغه از آن برخوردار است، جای تعجب نیست که زن اصلی، اغلب از ورود صیغه به خانه بدش نمی‌آمد؛ به‌خصوص که قانون و عرف نیز تسلط مطلق زن اصلی بر صیغه‌های شوهرش را تأیید می‌کرد.

با این حال، صیغه در میان نخبگان رواج بیشتری داشت؛ زیرا برای خرید و نگهداری صیغه، نیاز به منابع مالی قابل توجهی بود. یک جایگزین مقرون به صرفه‌تر، هرچند غیرمتعارف، برای خانواده‌هایی که فقط دختر دارند؛ ازدواج غیرمحلّی بود که در آن شوهر به خانواده همسرش نقل



متشکل از زن و شوهر و فرزندان را پذیرفت.

ایده آل خانواده کوچک، جایگزین خانواده گسترده شد. همانطور که مدل خانواده هسته‌ای، محبوبیت پیدا کرد؛ به‌ویژه در میان نسل جوان که بیشترین سود را از آن می‌بردند، ایده خانواده بیشتر بر حفظ هماهنگی زناشویی متمرکز بود، تا اطمینان از تداوم خانواده. در بحث چهارم ماه مه در مورد خانواده، منافع فرد، به جای قبیله، باید غالب می‌بود.

در نتیجه، ازدواج باید یک امر خصوصی بین دو نفر باشد و نه یک موضوع خانوادگی که منحصر به واسطه والدین تصمیم‌گیری شود. اصل برابری، تأکید کنفوسیوس بر سلسله مراتب را به چالش کشید که سالمند را بر جوانان؛ و مردان را بر زنان برتری می‌داد. به همین ترتیب، اصل تک‌همسری، آداب و رسومی مانند جانشینی و سیغه ترکیبی را که در گذشته از نظر انجام تعهدات پدری، عقلانی و حمایت شده بود، از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع و مشکوک کرد.

با این حال، واقعیت اجتماعی همیشه منعکس کننده آرمان‌های چهارم ماه مه نبود؛ به‌ویژه در روستاها، جایی که الگوهای سنتی ازدواج و خانواده ادامه داشت. اما معرفی نمونه‌های جایگزین، راه را برای دگرگونی‌های شگرفی که بقیه قرن بیستم را مشخص کردند، هموار کرد. مطمئناً، گنجاندن اصول جدیدی مانند برابری و تک‌همسری در قوانین حقوقی و مقررات ازدواج کومینتانگ (KMT) و حزب کمونیست چین - دو حزب سیاسی که بخش‌های عمده‌ای از چین را در نیمه اول قرن بیستم تحت کنترل داشتند، نشان دهنده تأثیر ایده‌های چهارم ماه می بود. از بین دو حزب، حزب کمونیست چین که KMT را شکست داد و جمهوری خلق چین را در سال ۱۹۴۹ تأسیس کرد، بیشترین تأثیر را بر موضوع ازدواج و خانواده داشت.

حمایتی را که در روستای محل تولدش با آن بزرگ شده بود، از دست می‌داد. دختری که تازه ازدواج کرده بود، باید از نو شروع می‌کرد و اولین گام، شامل ایجاد «خانواده رجمی»، متشکل از خود و فرزندان بود. به‌ویژه همسرانی که دارای پسر بودند، از درجه خاصی از نفوذ برخوردار بودند، به‌ویژه پس از ازدواج پسرانشان که آنها مادرشوهر می‌شدند و نسبت به زنانی که در هر موقعیت دیگری در سلسله مراتب خانواده بودند و نسبت به سایر افراد خانواده، از احترام بیشتری برخوردار می‌شدند.

در حالی که اصول خط سیر پدری، پدرسالاری و پدرمحلی، ماهیت و ساختار ازدواج و خانواده را در اواخر امپراتوری چین تعریف می‌کردند، فقر نیز بر الگوهای ازدواج و خانواده تأثیر داشت. پدر و مادری که به سختی تحت فشار قرار گرفته بودند، به دلیل ضرورت‌های اقتصادی، گاهی با ازدواج دختر نابالغ خود موافقت می‌کردند. دختر جوان به خانه پدر و مادر شوهر آینده‌اش نقل مکان می‌کرد تا بار مالی تربیت او را بر عهده بگیرند. هنگامی که دختر جوان و پسرشان به سن بلوغ می‌رسیدند، آن دو با هم ازدواج می‌کردند. از منظر کاملاً اقتصادی، این یک استراتژی مقرون به صرفه برای والدین فقیر بود. با یک دهان کمتر برای تغذیه، فشار والدین دختر جوان، اندکی کاهش می‌یافت و با پولی که بابت آنچه اساساً معادل فروش دخترشان بود، می‌توانستند برخی از مشکلات مالی خود را حل و فصل کنند. برای والدین داماد احتمالی، چنین ترتیبی از نظر مالی نیز جذاب بود. اگرچه از نظر اجتماعی محترم شمرده نمی‌شد، زیرا به چنین ازدواج‌هایی نگاهی تحقیرآمیز می‌شد. به دست آوردن عروس آینده آنها در زمان کودکی اش، منبع رایگان کار خانگی را برایشان تضمین می‌کرد. بیشتر از ازدواج‌های متعارف، این نوع ترتیبات، به نفع والدین شوهر آینده، به‌ویژه مادرشوهر بود. از منظر او، تربیت کودک به عنوان یک عروس وظیفه‌شناس و فرزندپسند، بر شرکت در جنگ با یک عروس بزرگسال برتری داشت. با این حال، برای عروس و داماد آینده، بزرگ شدن با هم به عنوان خواهر و برادر، اغلب انتقال به نقش زن و شوهر را دشوار می‌کرد.

همانطور که رویه‌های ازدواج یادشده نشان می‌دهد، گفتمان کنفوسیوس در مورد خانواده، منافع قبیله را - که پدرسالار تجسم آن است - بر همه اعضای آن قرار می‌دهد. در طول قرن‌ها، قانون و عرف برای تقویت اقتدار پدرسالار، دفاع از منافع پدرسالارانه، و تشویق اقامت پدرسالاری با هم ترکیب شدند و تمام اینها، الگوی خانواده کنفوسیوس را تقویت کردند؛ اما در قرن بیستم، آن سازه مورد حمله شدید قرار گرفت.

گفتمان چهارم ماه مه در جمهوری چین

آغاز قرن بیستم، عصر جدیدی برای چین رقم زد. در حوزه سیاسی، انقلاب ۱۹۱۱ سلسله ضعیف چین را سرنگون کرد و منجر به تأسیس جمهوری چین (۱۹۱۲-۱۹۴۹) شد. در حوزه فرهنگی، جنبش چهارم ماه مه (۱۹۱۵-۱۹۲۵) که به آن جنبش فرهنگ جدید نیز گفته می‌شود، روشنفکران، دانشجویان و بسیاری از مردم باسواد را با مفاهیم غربی برابری، آزادی، فردگرایی و تک‌همسری آشنا کرد. در پرتو این ایده‌آل‌های وارداتی جدید، اصول کنفوسیوس که در گذشته، ستون فقرات خانواده چینی قلمداد می‌شد، اکنون منبع عقب‌ماندگی و ضعف چین خوانده می‌شد. بحث عمومی درباره اصلاح خانواده، تقریباً به‌طور جهانی، الگوی کنفوسیوس را رد کرد و در عوض، ایده آل «خانواده کوچک»

داد. به صیغه و دیگر اشکال دوهمسری پایان داد؛ اما ماهیت اصلاحات خانوادگی و میزان مداخله حزب در امور داخلی به دستور کار حزب بستگی داشت.

انگیزه‌های باطنی حزب کونیست چین هرچه باشد، سیاست‌های آن، تأثیر درازمدتی بر انتقال قدرت در خانواده از نسل بزرگ‌تر به نسل جوان و هموار کردن زمین بازی بین زن و شوهر داشت. در طول حرکت تهاجمی این حزب به سمت جمع‌سازی در دهه ۱۹۵۰، کمک‌های مالی اعضای خانواده‌های جوان و زن به‌طور رسمی با اعطای امتیاز کار به رسمیت شناخته شد (اگرچه زنان امتیاز کمتری نسبت به مردان دریافت کردند). مبارزات ایدئولوژیک حزب در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، که به تفکر سیاسی درست و موقعیت طبقاتی خوب امتیاز می‌داد، به جوانان برتری نسبت به بزرگان‌شان داد. رادیکال‌ترین برنامه‌های حزب — جهش بزرگ رو به جلو و انقلاب فرهنگی — به خود نهاد خانواده حمله کرد. در حالی که توانست کانون خانواده را از بین ببرد، اقتدار نسل ارشد بر نسل جوان؛ و مردان بر زنان را به‌طور جدی تضعیف کرد.

با توجه به حضور غالب حزب- دولت در خانواده، عقب‌نشینی آن از حوزه خصوصی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، خلاء قدرت را در خانواده ایجاد کرد. حمله این حزب به اقتدار پدرسالارانه، قدرت خودسرانه والدین و شوهران را به شدت کاهش داده بود. باز شدن اقتصاد چین به روی نیروهای بازار جهانی، که فرصت‌های جدیدی را برای کارآفرینان ایجاد می‌کرد، و آزادسازی فرهنگی ناشی از آن، که ارزش‌های فردگرایی را می‌ستود، بیشتر موازنه قدرت در خانواده را به سمت اعضای جوان‌تر و زن آن متمایل می‌کرد. سیاست تک‌فرزندی نیز نقش خانواده را معکوس کرد. در جایی که قبلاً از بچه‌ها انتظار می‌رفت که در سکوت، از نیازهای بزرگترها اطاعت کنند، اکنون این والدین و پدربزرگها بودند که برای خراب کردن این «امپراتورهای کوچک» با هم رقابت می‌کردند.

مطمئناً، ارزش‌های کنفوسیوسی که ازدواج و خانواده را برای تقریباً دو هزار سال شکل دادند، همچنان بر چین معاصر تأثیر می‌گذارد. عدم تعادل جنسیتی کنونی در جمعیت جوانان و ادامه رفتار کشتن نوزادان دختر در روستاها، نشان دهنده تداوم تفکر کنفوسیوس است. ارائه حمایت‌های مربوط به سالمندی برای والدین سالخورده، هنوز یک وظیفه مهم فرزندی محسوب می‌شود؛ اما تهاجم حقوقی، سیاسی و فرهنگی به آیین کنفوسیوس در طول قرن گذشته، تأثیر آن را کمرنگ کرده است. برای نسل امروز، هدف ازدواج رسیدن به سعادت زناشویی است، نه انجام تعهدات پدری یا برآوردن اولویت‌های دولتی. و از منظر خانواده، تمرکز بر فرزندان است، نه والدین آنها.

نویسنده: لیزا ترن؛ استادیار تاریخ مدرن چین در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون است. تحقیقات او بر پیامدهای اصلاحات قانونی بر زنان، به ویژه در قرن بیستم متمرکز است. آخرین مقاله او در باره بحث بر سر بازنگری پیشنهادی در قانون زنا در قانون کیفری چین در سال ۱۹۳۵ بود. او در حال حاضر در حال بازبینی نسخه خطی مربوط به صیغه‌ها در قرن بیستم است.



کمونیسم در جمهوری خلق چین

اگرچه حزب کمونیست چین در جریان نهضت چهارم مه تأسیس شد، اصلاحات داخلی که از سال ۱۹۴۹ توسط آن اجرا شد، درجه خاصی از دوگانگی را نسبت به میراث چهارم مه نشان داد. از یک سو، در دوران اوج قدرت مائوتسه تونگ (۱۹۴۹-۱۹۷۶)، این حزب، حوزه خصوصی را از طریق سیاست‌هایی که ازدواج و خانواده را برای خدمت بهتر به منافع دولتی بازتعریف می‌کرد، سیاسی کرد. از سوی دیگر، تعهد شعاری حزب به آرمان‌های تک‌همسری و برابری، و عقب‌نشینی آن از قلمرو خصوصی پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶، راه را برای ظهور الگوهای ازدواج و خانواده در دهه‌های اخیر هموار کرد که منعکس‌کننده آرمان‌ها و ارزش‌های جنبش چهارم مه هستند. تحت رهبری مائو تسه تونگ، حزب کمونیست، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را اجرا کرد که ازدواج و خانواده را سیاسی می‌کرد. زمانی که کمونیسم، جایگزین کنفوسیوس‌سیسم به عنوان ایدئولوژی غالب؛ و دولت-حزب، جایگزین پدرسالار به عنوان منبع اقتدار شد، ازدواج و خانواده به‌جای تداوم پدر و مادری، با الزامات سیاست حزب مرتبط شدند.

اکثر محققان با شک و تردید به ادعای این حزب می‌نگرند که گروه‌های تحت ستم کنفوسیوس را «آزاد کرد». مطمئناً، حزب، رفتارهای ظالمانه علیه جوانان و زنان را سرکوب کرد. از حق یک فرد برای انتخاب همسر بدون اجبار والدین دفاع کرد. به زنان حقوق طلاق گسترده‌ای

چین در مسیر افول بزرگ



خرید را به تعویق بیندازند به این امید که کالاها همچنان ارزان تر می شوند، افت قیمت ها این ریسک را در پی دارد که خود بتواند منجر به ایجاد یک چرخه کاهشی شود. تورم منفی همچنین با افزایش هزینه واقعی بدهی، بدهکاران را تحت فشار قرار می دهد.

نسبت بدهی به جی دی پی

چین، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، از جمله بدهی های دولت محلی، در سال ۲۰۲۲ به ۱۱۰ درصد رسید، که چالشی فزاینده برای سیاست گذاران محسوب می شود. در ماه های اخیر، مقامات دولتی اقدامات حمایتی مختلفی را برای جلوگیری از کاهش بیشتر شاخص قیمت ها اتخاذ کرده اند. نرخ های وام مسکن برای خرید خانه کاهش یافته و بانک ها اجازه دارند ذخایر نقدی کمتری را برای تشویق افزایش وام دهی نگه دارند. بسیاری از مشکلات افت بیش از حد تورم چین را می توان در بخش املاک و مستغلات که ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می دهد، جستجو کرد. پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، دولت های محلی ایجاد رونق در حوزه ساخت و ساز به پشتوانه استقراض را برای تقویت رشد اقتصادی تشویق کردند. اما

داخلی، اقداماتی انجام دهد. در حالی که برخی از تحلیلگران خواستار اقدامات بنیادی برای وارد کردن یک شوک به اقتصاد چین هستند، اما به دلیل اجتناب پکن از هزینه کرد در حوزه خدمات اجتماعی، این انتظارات کم رنگ شده است. با این حال، دسته دیگری هم هستند که فزاینده تر از دشواری های کنونی، دلایلی برای خوش بینی نسبت به اقتصاد چین مشاهده می کنند.

تقاضای ناموثر

چین طولانی ترین دوره تورم منفی را از هنگام وقوع بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ تجربه می کند. قیمت های مصرف کننده در ماه ژانویه برای چهارمین ماه متوالی کاهش یافت و به نظر می رسد این کاهش در ماه های آتی ادامه یابد. کوین پی گالاگر، مدیر مرکز سیاست توسعه جهانی دانشگاه بوستون، در گفت و گو با الجزیره می گوید، چین پس از رفع محدودیت های کرونایی در اواخر سال ۲۰۲۲، رشد اقتصادی که بیشتر مردم انتظار داشتند را تجربه نکرده است، و به نظر می رسد مقامات این کشور نیز متوجه خطر افت شاخص قیمت ها شده اند. اگر خانوارها و شرکت ها

افتخار بزرگ حزب کمونیست چین در سال های تازه سپری شده یکی هم این بود که توانسته است به رغم سخت گیری های سیاسی داخلی و بستن روزنه های آزادی سیاسی در کشور اما سرمایه گذاران خارجی را به چین کشانده است و ترکیبی از استبداد سیاسی و آزادی اقتصادی در داخل پدیدار سازد. حالا اما پس از اینکه رشد تولید ناخالص داخلی چین از شتاب افتاد و نیز هنگامی که چینی ها با غرب خصومت کردند و از روسیه حمایت کردند سرمایه گذاران خارجی بساط خود را از کشور چین جمع کرده و با سرعت از این کشور به اندونزی یا ویتنام می روند. اقتصاد چین سال گذشته به هدف رشد پنج درصدی دست یافت، هرچند این میزان یکی از کمترین نرخ های رشد اقتصادی طی دهه های گذشته بود. اما با نگاهی به آینده، تحلیلگران انتظار دارند، اقتصاد این کشور در سال اژدها با «بادهای مخالف» شدیدی مواجه شود. در شرایط بحران زده بازار املاک، کاهش درآمدهای صادراتی و سرکوب صنایع خصوصی، سرمایه گذاران بین المللی با سرعت بی سابقه ای در حال خارج کردن سرمایه خود از بازار سهام چین هستند. با کاهش اعتماد فعالان کسب و کار، اقتصاددانان معتقدند پکن باید در راستای ایجاد تحرک بیشتر در بخش مصرف

چشمگیری خواهد بود.» به اعتقاد کارشناسان، پکن می‌تواند با ترغیب شرکت‌ها به پرداخت دستمزدهای بالاتر، مصرف خانوارها را افزایش دهد، اما مزیت تولید چین تا حدی بر دستمزد پایین کارگران استوار است به این ترتیب هزینه حقوق و دستمزد بالاتر، صادرات چین را که منبع مهمی برای کمک به رشد درآمد ناخالص داخلی محسوب می‌شود، تضعیف می‌کند. بنابراین اینکه دولت اولویتهای بودجه‌ای را به نفع مردم چین تغییر دهد دور از ذهن به نظر می‌رسد.

اولویت‌های استراتژیک

گری‌نگ، اقتصاددان ارشد آسیا و اقیانوسیه در موسسه مدیریت ثروت ناتیکسیس هنگ کنگ، در همین رابطه می‌گوید، علاوه بر ملاحظات مذکور، پکن اولویت‌های استراتژیک دیگری نیز دارد. به گفته او، به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور چین شی جین‌پینگ، بهینه‌سازی اقتصاد به نفع امنیت و تاب‌آوری را به تحریک رشد اقتصادی سریع ترجیح می‌دهد. در سال‌های اخیر، پکن سرمایه‌گذاری زیادی در صنایع استراتژیک مانند هوش مصنوعی و تراشه‌های رایانه‌ای پیشرفته انجام داده است.

پکن با شکل‌دهی سیاست صنعتی بر اساس امنیت ملی، اتکای خود به فناوری خارجی را کاهش داده و از جاه‌طلبی‌های بلندمدت ژئوپلیتیک خود حمایت می‌کند. در همین حال، پکن تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مصرفی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و خودروهای برقی نشان داده است. این صنایع ظرفیت ایجاد اشتغال و تقویت خودکفایی اقتصادی را دارند. برخی ناظران نگاه دیگری به شرایط اقتصادی چین دارند. گالاگر از دانشگاه بوستون معتقد است مسیر رشد اقتصادی چین سالم‌تر از آن چیزی است که گاهی به تصویر کشیده می‌شود. فراموش کردن توسعه اقتصادی چین از دهه ۱۹۹۰ آسان است. «رشد اخیر نسبت به سطوح بالایی قبلی کاهش یافته است، اما همچنان در سال گذشته به ۵٫۲ درصد رسیده است و پیش‌بینی‌ها برای امسال نیز در همان سطح است.» گالاگر افزود، چند دهه است برخی تحلیلگران پایان عصر مدل رشد اقتصادی چین را پیش‌بینی می‌کنند، با این وجود نرخ رشد کماکان قابل توجه است. البته این کارشناس توصیه می‌کند که چین باید ترس خود از تغییر محور رشد از سرمایه‌گذاری به مصرف را کنار گذارد. او تأکید می‌کند که در سال ۲۰۲۴ احتمالاً ضرورت اجرای اصلاحات برجسته‌تر خواهد شد. «اگر دونالد ترامپ (نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا) مجدداً انتخاب شود و تصمیم بگیرد وارد یک جنگ تجاری جدید با چین شود، پکن به سمت خوداتکایی بیشتر حرکت خواهد کرد. سال اژدها می‌تواند برای چین فرصتی ایده‌آل فراهم کند تا با افزایش تلاش از ظرفیت مصرف داخلی بهره‌برد.»

بخش املاک به اعتماد مصرف‌کننده بیش از پیش خدشه وارد کرد، و همچنین باید توجه کرد که چین جمعیت سالخورده‌ای دارد و به‌طور معمول با افزایش سن، برای خرج کردن محتاط‌تر می‌شود. نتیجه اینکه پس‌انداز ناخالص ملی در سال ۲۰۲۳ از ۴۰ درصد فراتر رفت که بیش از دو برابر سطح ایالات متحده است. «با نگاهی به آینده، واداشتن مردم به خرج کردن پس‌اندازشان آسان نخواهد بود. برای دهه‌ها، اقتصاددانان دولت را تشویق کرده‌اند تا تنها بر سرمایه‌گذاری تمرکز نکرده و اقتصاد را به نفع مصرف متعادل کنند.» با نسبت ۴۲ درصد از تولید ناخالص داخلی، نرخ سرمایه‌گذاری چین به مراتب بالاتر از سایر اقتصادهای نوظهور است، چه رسد به اقتصادهای پیشرفته، که این نسبت به‌طور متوسط بین ۱۸ تا ۲۰ درصد است. پکن علاوه بر تلاش برای افزایش موجودی مسکن، در جاده‌ها، پل‌ها و خطوط راه‌آهن سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده است.

با این حال، مانند بخش مسکن، سال‌ها سرمایه‌گذاری بیش از حد منجر به ایجاد ظرفیت بیش از نیاز شده است. به عنوان مثال، درآمد در بخش حمل‌ونقل ریلی چین پیوسته از هزینه‌ها کمتر بوده است. در پایان سال ۲۰۲۲، شرکت دولتی راه‌آهن چین ۸۸۶ میلیارد دلار بدهی داشت. شینا یو، اقتصاددان چینی می‌افزاید، محدودیت‌های مدل اقتصادی سرمایه‌بر متکی بر توسعه زیرساخت‌های چین قابل مشاهده است و با توجه به اینکه نرخ بهره در حال حاضر بسیار پایین است، پکن باید برای ایجاد رشد اقتصادی بالا و پایدار، مصرف بیشتر را تشویق کند. همچنین سیاست‌گذاران باید با صرف هزینه بیشتر در زمینه آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و بازتوسعه، انگیزه‌های پس‌انداز را کمتر کنند. تحلیلگران انتظار دارند کنگره ملی خلق که در واقع پارلمان چین محسوب می‌شود و در ماه مارس تشکیل جلسه خواهد داد مجدداً هدف رشد سالانه اقتصادی را حدود ۵ درصد تعیین کند. درحالی که بسیاری از اقتصاددانان پکن را تشویق می‌کنند تا از طریق کمک به افزایش هزینه کرد خانوار رشد اقتصادی را تحریک کند، ویکتور شی، کارشناس اقتصاد چین در دانشگاه کالیفرنیا انتظار دارد رشد سرمایه‌محور همچنان برای پکن اولویت داشته باشد.

استوار بر ایدئولوژی

شی به الجزیره گفت، ایدئولوژی مارکسیستی که به تولید صنعتی ارزش می‌دهد، همچنان مبنای اساسی برای سیاست‌گذاری در پکن باقی می‌ماند. «به احتمال زیاد، دولت به اعطای یارانه برای حمایت از بخش تولید ادامه خواهد داد. در مقابل، سیاست تقویت مصرف‌گرایی ولخرجی تفسیر می‌شود. یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر در چین زندگی می‌کنند، بنابراین کمک‌های اجتماعی گسترده به‌ویژه در شرایط تورم منفی، برای دولت هزینه



پس از دهه‌ها گسترش سریع شهرنشینی، عرضه مسکن از تقاضای پیشینی گرفته است.

طبق گزارش آژانس رتبه‌بندی فیچ، بعد از اینکه چند شرکت عظیم ساختمانی چین نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند، سال گذشته خرید خانه‌های جدید در چین بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافت.

در واکنش به این تحولات، خانوارهای چینی برای صرف درآمد خود در حوزه املاک محتاطتر شده‌اند، ضمن اینکه ضعف در تورهایی حمایت اجتماعی دولت، خانواده‌ها را واداشته درآمد خود را بیشتر برای مواقع اضطراری پس‌انداز کنند.

خطراتهای مختلف

در سال ۲۰۲۲، مصرف خانوار تنها ۳۸ درصد از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل داد. برای مقایسه، در ایالات متحده مخارج خصوصی در همان سال سهم ۶۸ درصدی از تولید ناخالص داخلی داشت. به گفته شینا یو، اقتصاددان چینی در کپیتال اکونومیکس، پس انداز خانوارها در طول همه گیری، کرونا کاهش یافت، سقوط

پایان عصر طلایی اقتصاد چین



کاهش یافته است. این موضوع بسیاری از شرکت‌ها را در نقطه شکست قرار می‌دهد؛ مانند اتفاقی که در سال ۲۰۲۱ در بخش املاک چین رقم خورد.

آنچه شی می‌خواهد

شی جین‌پینگ به عنوان قدرتمندترین فرد چین، سیاست پکن را از شعار رشد به هر قیمتی که برای سال‌ها توسط رهبران این کشور اعمال می‌شد به سیاست رشد با کیفیت بالا تغییر داده است. این موضوع یک اصل اساسی در برنامه پنج‌ساله فعلی چین است؛ امری که مفهوم توسعه جدید را مقاومت در برابر فشارهای خارجی و نیز توزیع برابر ثروت تعریف کرده است. به گفته کارشناسان، در اصل، ایده کاهش اتکای چین به رشد صادرات‌محور از طریق ایجاد اقتصادی مبتنی بر مصرف داخلی است. یک بازار داخلی قوی می‌تواند به عنوان حائلی در برابر شوک‌های ناشی از یک سیستم تجاری بی‌ثبات جهانی و تحریم‌های غرب عمل کند. استراتژی جدید چین همچنین ارتقای فناوری‌های پیشرفته در کشور است؛ موضوعی که با اعمال محدودیت‌های جدید آمریکا در قبال تراشه‌های نیمه‌رسانا تبدیل به فصلی جدید از تنش میان پکن و واشنگتن شده است.

در همین راستا سوال مهم این است که آیا سیاست رشد با کیفیت بالا می‌تواند رشد اقتصادی چین را تداوم بخشد؟ پتیس می‌گوید از منظر تئوری چنین کاری امکان‌پذیر است؛ هر چند که تا پیش از این در تاریخ اتفاق نیفتاده است. در واقع کلید اصلی ماجرا در اینجا بحث مصرف است. مخارج خانوارها به عنوان سهمی از کل تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۲۰۲۱ به حدود ۳۸ درصد رسیده که بسیار

محمد رضا ستاری - آمارها نشان می‌دهد که چین در سال ۲۰۲۲ تنها ۳ درصد رشد اقتصادی را ثبت کرده است؛ این در حالی است که اخیراً ۳۷ اقتصاددان پیش‌بینی کرده‌اند رشد اقتصادی این کشور در سه ماهه ابتدایی سال جاری میلادی نیز چندان سریع نخواهد بود. در واقع خوش‌بینانه‌ترین تحلیل‌ها نیز دیگر حاکی از نرخ رشد اقتصادی چین مانند سال‌های قبل نیست. گفتمانی است از زمان اصلاحات اقتصادی چین در سال ۱۹۷۸، تولید ناخالص داخلی این کشور به‌طور متوسط سالانه در حدود ۱۰ درصد رشد داشته است. با این حال چین امروز به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان از زمان همه‌گیری کرونا دچار فراز و نشیب شده و خوش‌بینی‌های اولیه به منظور بازگشت اقتصاد چین به ریل اصلی با چالش‌های نظیر ایجاد محدودیت برای بخش خصوصی، سیاست کووید صفر و نیز آشفتگی در زنجیره تامین مواجه شده است.

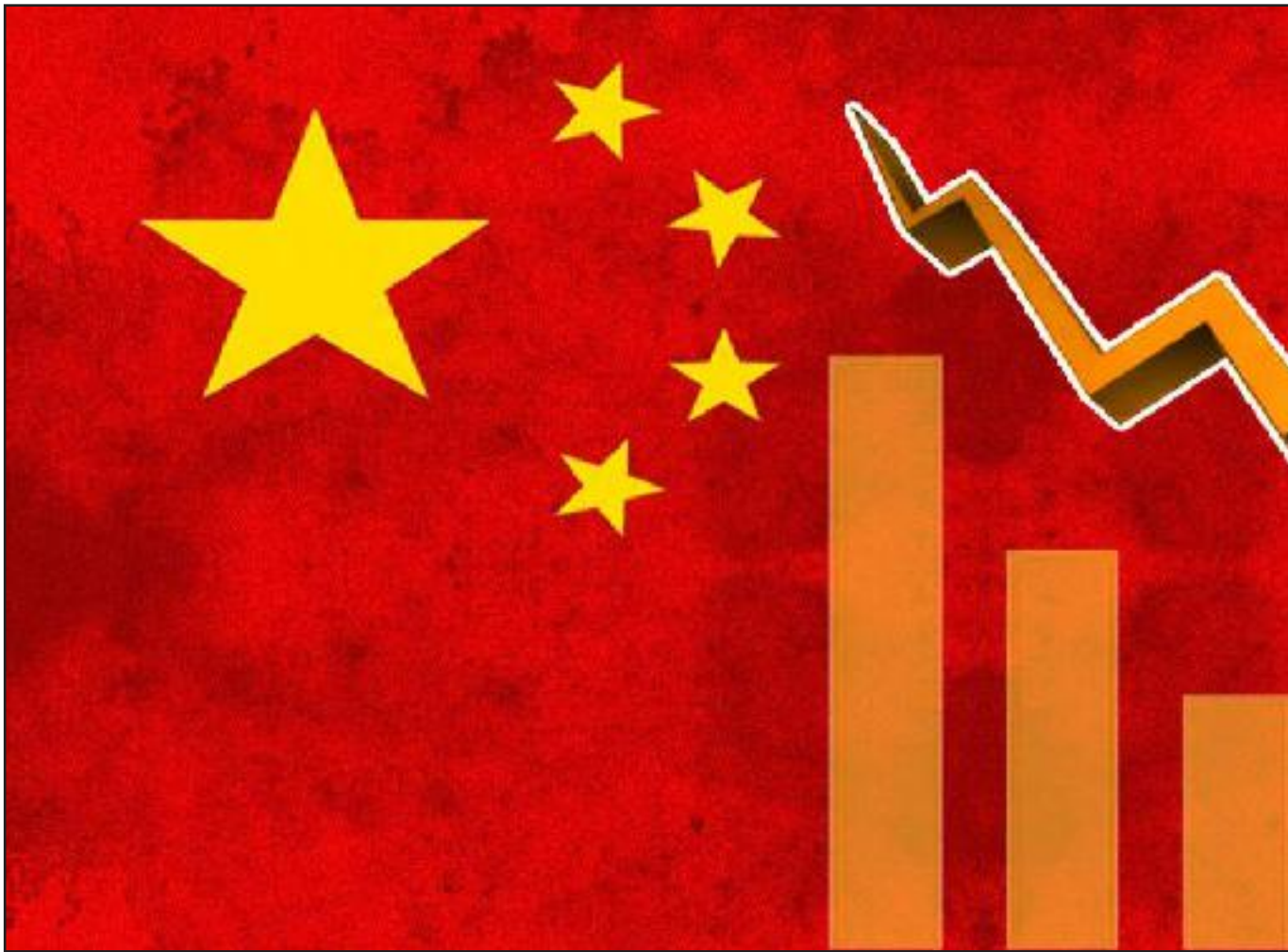
ماه ژانویه امسال هم حامل خبرهای بدتری برای چین بوده است؛ اینکه جمعیت چین برای نخستین بار در طول ۶۰ سال گذشته کاهش یافته و وضعیت نگران‌کننده‌ای را برای تامین نیروی کار در این کشور ایجاد کرده است. در این رابطه سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین که اکنون به عنوان رهبر مادام‌العمر این کشور شناخته می‌شود، قادر خواهد بود با توجه به مشکلات کنونی، دوباره به مسیر رشد پایدار اقتصادی بازگردد؟ پاسخ کوتاه، خیر است، زیرا بازگشت به نرخ رشد خیره‌کننده چین تا حد زیادی منوط به سازگاری پکن با چالش‌های ساختاری اقتصاد و نیز نحوه تصمیم‌گیری شی جین‌پینگ برای مهار این مشکلات است.

صعود سریع، سقوط خاموش

طبق داده‌های بانک جهانی، سال‌های رشد بالای تولید ناخالص داخلی چین به این معنی بود که اقتصاد این کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ بیش از ده برابر رشد کرده و از ۱,۲ تریلیون دلار به نزدیک ۱۸ تریلیون دلار رسیده است. در مقابل تولید ناخالص داخلی آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، تنها دو برابر بیشتر از سال ۲۰۰۰ رشد کرده است. با این حال برآوردها حاکی از آن است که طی سال‌های آینده نرخ رشد چین بین ۲ تا ۵ درصد ثابت خواهد ماند. در این رابطه، مایکل پتیس اقتصاددان و کارشناس ارشد بنیاد کارنگی در گفت‌وگو با الجزیره، می‌گوید: به نظر می‌رسد مطابق اعداد و ارقام منتشر شده، دوران رشد اقتصادی چین در حال پایان یافتن است؛ حتی شاهد هستیم که سرمایه‌گذاری مولد در این کشور نیز حدود ۱۰ تا ۱۵ سال پیش به پایان رسیده است. به گفته این اقتصاددان، شاخص تولید ناخالص داخلی برای شناسایی ناهنجاری‌های ناشی از محدودیت‌های بودجه نرم چین جوابگو نیست، زیرا در چین اگر از لحاظ سیاسی ضروری باشد، دولت برای مدت‌های طولانی نیز هزینه‌هایی را انجام می‌دهد که شاید از لحاظ اقتصادی به صرفه نباشد. به همین دلیل امروز اکثر اقتصاددانان متقاعد شده‌اند که مدل قبلی رشد اقتصادی چین مسیر خود را طی کرده و حالا اقتصاد این کشور در یک دوران گذار بزرگ و آینده‌ای نامشخص قرار دارد.

پیری جمعیت؛ کاهش بهره‌وری

شواهد نشان می‌دهد شرایط منحصر به فرد جمعیتی و اقتصادی که چین برای دستیابی به رشد بی‌سابقه در دهه‌های اخیر اعمال کرده بود، از بین رفته است. با پیر شدن سریع جمعیت، ظرفیت گسترده نیروی کار ارزان‌قیمت در این کشور در حال کاهش است. از سوی دیگر کارشناسان معتقدند تا قبل از سال ۲۰۰۸، رشد بهره‌وری چین به‌طور متوسط ۲,۸ درصد بوده، اما امروز به ۰,۷ درصد در سال



کمتر از میانگین جهانی ۶۳ درصدی است؛ امری که چین را به یکی از ضعیف‌ترین سطوح مصرف در میان اقتصادهای بزرگ جهان تبدیل کرده؛ بنابراین مادامی که افزایش مصرف صورت نگیرد، تولید ناخالص داخلی این کشور در بهترین حالت حدود ۲ تا ۳ درصد خواهد بود.

پیامدهای کند شدن اقتصاد چین برای جهان

کند شدن و به‌طور کلی کاهش رشد اقتصادی چین، قطعاً بر اقتصاد جهانی تأثیر خواهد داشت، با این تفاوت که چنین تأثیری برای همه کشورها یکسان نخواهد بود. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهایی که به چین به عنوان مقصد اصلی صادرات خود تکیه کرده‌اند، کاهش تقاضا را به‌شدت احساس خواهند کرد. سرعتی که کشورها می‌توانند به سمت دیگر بازارهای نوظهور با رشد سریع‌تر مانند هند و آسیای جنوب شرقی حرکت کنند، تا حد زیادی برندگان و بازندگان را در طول این گذار تعیین می‌کند. کاهش سرعت بر موازنه قدرت ژئوپلیتیکی نیز تأثیر خواهد گذاشت. اگر چین از نظر اقتصادی در دهه آینده به اوج خود برسد، رویای پیشی گرفتن از ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان کمتر اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. کارشناسان هشدار داده‌اند که چنین سناریویی می‌تواند پکن را وادار

کند تا اقدامات جسورانه‌تری در مورد آنچه که به عنوان «منافع اصلی» خود می‌داند (مانند موضوع تایوان) انجام دهد. از سوی دیگر نگاه به وضعیت داخلی چین نشان می‌دهد که شی جین‌پینگ در بازگشتی به عصر مائو، تمرکز بر رفع نابرابری‌ها را در حوزه‌های مختلف مانند بهداشت و آموزش در دستور کار خود قرار داده است. هر چند که جزییات چنین سیاستی هنوز به‌طور کامل مشخص نشده، اما یکی از پیامدهای آن می‌تواند مداخله گسترده در بازار باشد. در این رابطه آلیسیا گارسیا هررو اقتصاددان ارشد آسیا و اقیانوسیه به الجزیره می‌گوید: رونق مشترک واقعا به معنای توزیع مجدد نیست؛ در واقع آن چیزی نیست که ما در مدل دولت‌های رفاه غربی درک می‌کنیم. شاهد هستیم در حالی که پکن نرخ مالیات شرکت‌ها را از ۱۵ تا ۲۵ درصد بیشتر افزایش نمی‌دهد، حزب کمونیست قصد دارد انباشت ثروت خود را به توزیع مجدد اختصاص دهد. مساله اصلی این است که برای دهه‌ها، حزب کمونیست چین، اهرم رشد اقتصادی را به عنوان مبنایی بر حفظ مشروعیت خود قرار داده است. به همین دلیل است که در دوران جدید دولت احتمالا نیاز به سایر ابزارهای مشروعیت‌ساز داشته باشد. در واقع توزیع ثروت و رفع نابرابری گزینه جدیدی از سوی حزب کمونیست چین بوده که امیدوار است حتی با آهنگ رشد آهسته‌تر، یک قرارداد اجتماع، جدید را میان خود و جمعیت ۱٫۴ میلیاردی این کشور تنظیم کند.



نگاهی به الگوی تحول سیاست صنعتی در چین

فائزه مرادی حقیقی، پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

پیگیری سیاست‌هایی با هدف صنعتی شدن در چین از سال ۱۹۵۳، تنها پس از دستیابی به ثبات سیاسی تحت حاکمیت حزب کمونیست پس از سال ۱۹۴۹ ممکن گردید. در دوران مائو (۱۹۴۹-۱۹۷۶) نظام بازار، با بوروکراسی جایگزین و تمام تولیدات توسط شرکت‌های دولتی (SOEs) انجام می‌شد. یکی از عوامل مهم در عملکرد مطلوب این کشور، رشد اقتصادی خارق‌العاده و صنعتی شدن سریع، تغییرات ساختاری مستمر به سمت صنایع جدید و با ارزش افزوده بالاتر و ارتقای فناوری بوده است. در روند گذار از اقتصاد برنامه‌ای به اقتصاد بازار پس از سال ۱۹۷۸، تغییرات ساختاری در اقتصاد با دخالت دولت محقق شد. از اینرو سیاست‌های صنعتی از اواسط دهه ۱۹۸۰ در چین اهمیت یافتند و از برنامه پنج ساله هفتم (۱۹۹۰-۱۹۹۶) به بعد به جزو جدایی‌ناپذیر برنامه‌های پنج ساله ملی این کشور تبدیل شده‌اند.

از سال ۱۹۷۸ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، سهم صنایع کاربر مانند نساجی و مواد غذایی در تولید ارزش افزوده صنعتی افزایش یافت. بر اساس اطلاعات پایگاه داده بهره‌وری صنعتی چین، سهم کل صنایع غذایی، نوشیدنی، نساجی و پوشاک در تولید ارزش افزوده به ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۱ رسید؛ در حالی که سهم صنایع فلزات، ماشین‌آلات و وسایل نقلیه و حمل و نقل تنها ۹٫۴ درصد بود. در این دوران سیاست توسعه رسمی دولت، صنعتی‌سازی صادرات‌محور بود و هزینه‌های پایین نیروی کار در صنایع کاربر از اهمیت بالایی برخوردار شد. در این دوره همچنین آزادسازی بازار و اصلاحات مستمر به وقوع پیوست که منجر به افزایش درآمد و کاهش سریع فقر شد و رفاه اقتصادی را بهبود بخشید.

نقطه عطف صنعتی شدن در چین در سال ۱۹۹۲ بود. از سال ۱۹۹۲، دولت سیاست جدید توسعه صنایع سرمایه‌بر از جمله فولاد، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل را در اولویت سیاست صنعتی خود قرار داد و سهم این صنایع در ارزش افزوده صنعتی به سرعت افزایش یافت. کل سهم منسوجات و مواد غذایی در صنعت به کمک سرمایه‌گذاری‌های کلان در این صنایع، در سال ۱۹۹۲ به ۲۸ درصد و پس از سال ۲۰۰۴ به زیر ۲۰ درصد کاهش یافت؛ در حالی که کل سهم صنایع فلزی، فولادی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل از ۳۷٫۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۳٫۶ درصد در سال ۲۰۰۰ (و بیشتر از ۵۲ درصد در سال ۲۰۱۰) افزایش یافت. مداخله دولت در این دوره بسیار گسترده بود و جریان‌های بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی به لطف سیاست درهای باز دولت به رونق سرمایه‌گذاری در این صنعت کمک کرد. در این دوره بانک‌های دولتی نیز منابع مالی لازم را برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فراهم کردند.

نقطه عطف مهم دیگر در روند صنعتی شدن چین مربوط به سال ۲۰۰۱ است؛ سالی که چین به سازمان جهانی تجارت پیوست و سهم سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص داخلی به‌طور قابل توجهی افزایش یافت.

و کنترل‌ها بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یافت. دولت در این زمان سیاست‌های صنعتی ویژه‌ای برای صنایع خودروسازی، راه‌آهن پرسرعت، ماشین‌آلات، فناوری اطلاعات، لجستیک و صنایع نوآور در نظر گرفت و پس از برنامه پنج ساله یازدهم (۲۰۱۰-۲۰۱۶) تا سال ۲۰۱۵ بر اهمیت افزایش رفاه اقتصادی به عنوان هدف بلندمدت و نهایی سیاست‌های صنعتی تاکید کرد. کمیته مرکزی اقتصاد در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد که اولویت باید به کیفیت در توسعه اقتصادی داده شود. با این حال، بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ تمرکز بر سیاست‌های صنعتی را از کیفیت به کمیت منحرف کرد. وجود سرمایه‌های کلان با بسته‌های محرک پس از بحران جهانی، بودجه لازم را برای سیاست‌های صنعتی که بخشی از دستور کار احیای اقتصادی پس از بحران بود، فراهم کرد. گسترش سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به زودی به سرمایه‌گذاری بیش از حد و مشکل ظرفیت مازاد منجر شد. بوروکراسی اقتصادی، در عین حال که همچنان بر سیاست‌های صنعتی تاکید داشت، هدف خود را بر از بین بردن ظرفیت مازاد قرار داد. سیاست معروف «بتکار کمربند و راه» در ابتدای امر با هدف ایجاد تقاضای خارجی برای صنایع مربوطه (فولاد، ماشین‌آلات و غیره) تعریف شد و دولت چین تلاش کرد تا با استفاده از این ابزار، از ظرفیت مازاد پدید آمده به بهترین شکل ممکن استفاده کند.

سیاست‌های صنعتی چین پس از سال ۲۰۱۵ با تاکید دولت بر توسعه فناوری دنبال گردید. جهت‌گیری سیاست‌های صنعتی چین به سمت نوآوری از آمارهای حوزه علم و فناوری قابل درک خواهد بود. مجموع

پس از سال ۲۰۰۱ تغییر ساختاری به سمت صنایع با فناوری پیشرفته (به ویژه ماشین‌آلات الکترونیکی، وسایل نقلیه حمل و نقل و تجهیزات مخابراتی) پیش رفت. سهم صنایع با فناوری پیشرفته در کل ارزش افزوده تولیدی از ۱۱٫۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۱۳٫۵ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت و در سال ۲۰۱۰ به ۲۰ درصد رسید. سهم محصولات مبتنی بر فناوری اطلاعات در صادرات کالاها ی چینی در سال ۲۰۰۴ به ۳۰ درصد رسید و پس از آن بین ۲۵ تا ۳۰ درصد باقی ماند. این آمارها حاکی از تلاش‌های موفقیت آمیز دولت چین برای تحقق یک تغییر ساختاری در صنعت به سمت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر پس از سال ۲۰۰۲ است.

زمانی که دولت به سیاست خود در انتخاب صنایع استراتژیک پایان داد، پیشرفت دیگری در سیاست‌های صنعتی چین در سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد. در حالی که از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۴ تعدادی از سیاست‌های صنعتی به‌طور ویژه برای برخی صنایع خاص طراحی شده بود، پس از سال ۲۰۰۴ تعداد سیاست‌های صنعتی فراگیر و با برد «ملی» افزایش یافتند. سیاست‌های صنعتی جدید بر مداخله دولت و سیاست‌های صنعتی گسترده‌تر تاکید می‌کرد؛ جایی که شرکت‌ها آزادی بیشتری در تصمیم‌گیری‌های تجاری داشتند و بوروکرات‌ها بیشتر انرژی خود را صرف هماهنگی در برنامه‌های ملی صنعتی و فناوری جدید می‌کردند. هدف جدید صنعتی شدن نه تنها افزایش ظرفیت تولید صنعتی بلکه تقویت رقابت‌پذیری شرکت‌های چینی در اقتصاد جهانی بود. از سال ۲۰۰۴، دولت مقررات سرمایه‌گذاری جدیدی را تصویب کرد

و صندوق جریان متحد ملی (۲۱ میلیارد دلار) تامین می‌شود. منابع مالی از بانک‌های دولتی به صورت اعطای یارانه، اعتبار کم بهره، اوراق قرضه و وجوه تخصیص یافته از سوی بانک‌های محلی تجهیز خواهد شد. دولت همچنین فعالیتهای بین‌المللی شرکت‌های چینی را با تمرکز بر برندسازی بین‌المللی، سوق دادن استراتژی شرکت‌ها به سمت آشنایی بیشتر با فرهنگ‌ها و بازارهای خارج از کشور و سرمایه‌گذاری در مدیریت ریسک دنبال می‌کند. بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶، شرکت‌های چینی ۱۳۶ میلیارد دلار در آلمان و ۱۳۵ میلیارد دلار در ایالات متحده برای دسترسی به فناوری‌های اتوماسیون، سرمایه‌گذاری مشترک کرده‌اند.

۹. اولویت اصلی طرح «ساخت چین ۲۰۲۵» عبارت است از: ۱- توسعه نوآوری در تولید؛ ۲- ادغام فناوری و صنعت؛ ۳- تقویت پایه صنعتی؛ ۴- توسعه برندهای چینی؛ ۵- توسعه تولید سبز؛ ۶- تسریع در بازسازی بخش تولید؛ ۷- توسعه خدمات و خدمات مرتبط با تولید؛ ۸- بین‌المللی سازی تولید؛ ۹- پیشرفت در ده صنعت کلیدی.

با توجه به هدف رسمی اعلام شده از سوی چین برای افزایش محتوای داخلی، برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» با انتقاد شدید دولت‌های کشورهای پیشرفته روبرو شد؛ چرا که این اقدام چین به معنای انحراف تأمین‌کنندگان خدمات فناوری پیشرفته از شرکت‌های خارجی به شرکت‌های داخلی است. اصطلاح تجارتی اخیر آمریکا و چین نیز تا حدی نتیجه این سیاست چین است. دولت چین در «ساخت چین ۲۰۲۵» به وضوح نشان داده است که قصد دارد تا سال ۲۰۲۵ وابستگی خود به فناوری‌های خارجی را تا حد زیادی کاهش دهد. مقررات داخلی در مسیر تحقق این هدف، قوانین سازمان جهانی تجارت را نقض می‌کند. این قوانین رقابت را به ضرر شرکت‌های خارجی محدود می‌کند. علاوه بر این، زنجیره‌های تأمین جهانی آنقدر پیچیده هستند که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های تولیدی شرکت‌های کشورهای صنعتی در چین متعلق به زنجیره‌های تأمین جهانی است. حمایت از بنگاه‌های داخلی مستلزم ارایه مبالغ هنگفتی از یارانه‌ها و وام‌های سیاسی است که شرکت‌های خارجی به آن دسترسی ندارند. بر اساس این طرح، سهم بازار شرکت‌های فناوری داخلی تا سال ۲۰۲۵ در بخش ماشین‌های کنترل دیجیتال کامپیوتری به ۸۰ درصد، در بخش ربات‌های صنعتی به ۷۰ درصد، در بخش ابر داده‌ها به ۶۰ درصد و در بخش نرم‌افزارهای صنعتی به ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. در نهایت می‌توان این طرح را ابتکاری در مسیر ارتقای جایگاه چین در زنجیره‌های ارزش و کسب ارزش افزوده بالاتر در تجارت بین‌الملل، ارزیابی نمود.



برندهای با کیفیت بالا، بین‌المللی کردن تولید و ترویج تولید سبز تعیین کرده است. اگرچه این طرح بلندپروازانه به نظر می‌آید، اما سرمایه‌گذاری بر اساس بخش خاصی را مشخص نکرده و اصطلاحاً صنایع «برنده» را اگزینش نکرده است. با این ویژگی، این طرح، مشابه با سیاست‌های کلان صنعتی ملی در دوره پس از سال ۲۰۰۴ است.

طرح «ساخت چین ۲۰۲۵» پیش‌بینی کرده است که چین نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به فروش شرکت‌های چینی را از ۰٫۹۵ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۱٫۶۸ درصد در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد داد و ضریب نفوذ اینترنت و پهنای باند برنامه‌ریزی شده از ۵۰ درصد به ۸۲ درصد افزایش خواهد یافت. دولت همچنین حوزه محیط زیست را به شکل ویژه‌ای در این طرح مد نظر قرار داده است. در نهایت، این طرح همچنین یک هدف بلندمدت را برای سال ۲۰۴۹، صدمین سالگرد تاسیس جمهوری خلق چین، تعیین کرده است و پیش‌بینی می‌کند که چین تا آن زمان به شایستگی‌های کامل در زمینه‌های فناوری پیشرفته دست خواهد یافت و به رتبه‌ای برابر با ابرقدرت‌های فناوری در جهان دست خواهد یافت.

در همین راستا دولت متعهد است که مقادیر زیادی از منابع را به طرح «ساخت چین ۲۰۲۵» اختصاص دهد. حمایت‌های مالی عمده‌ای از محل صندوق‌های طراحی شده ویژه مانند صندوق تولیدات بیشتر (۳ میلیارد دلار)

هزینه‌های تحقیق و توسعه و کل درخواست‌های ثبت اختراع طی سال‌های اخیر در چین به‌طور گسترده‌ای افزایش یافته است. بر اساس داده‌های توسعه‌ای بانک جهانی، هزینه‌های تحقیق و توسعه به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی از ۰٫۶ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۰٫۹ درصد در سال ۲۰۰۱، ۱٫۷ درصد در سال ۲۰۰۹ و ۲٫۱ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۶، این آمار، اگرچه مطلوب ولی همچنان کمتر از کره (۴٫۲ درصد)، ژاپن (۳٫۱ درصد)، آلمان (۲٫۹ درصد) و ایالات متحده (۲٫۷ درصد) است. با این حال، رسیدن سریع چین به این کشورها در ربع قرن گذشته قابل توجه است. در سال ۲۰۱۵، دولت طرحی بلندپروازانه را برای ترویج انقلاب صنعتی چهارم در چین اعلام کرد که با نام «ساخت چین ۲۰۲۵» و با اهداف مشخصی برای سال ۲۰۲۵ شناخته می‌شود. در این طرح ۱۰ صنعتی که در اولویت قرار خواهند داشت مشخص شده است. این صنایع عبارتند از فناوری اطلاعات، ابزارهای کنترل عددی و رباتیک، تجهیزات هوافضا، کشتی‌های با فناوری پیشرفته، تجهیزات راه آهن، وسایل نقلیه با انرژی‌های جدید، تجهیزات انرژی، داروسازی و ماشین‌آلات کشاورزی. این طرح همچنین وظایف راهبردی قابل توجهی را برای ارتقای تعدیل ساختاری صنعت، بهبود ظرفیت نوآوری تولید، ادغام فناوری اطلاعات و صنعت‌سازی، تقویت پایه‌های صنعت، توسعه

آیا از چین باید ترسید؟

مترجم: امین یوسفی

هسته‌ای داشته باشد. به گفته جاسوسان امریکایی، شی جین‌پینگ به ارتش دستور داده است آمادگی خود را برای تهاجم به تایوان تا سال ۲۰۲۷ حفظ کند. این مساله همسایگان چین در دریای چین جنوبی را به وحشت انداخته و باعث درگیری با هند خواهد شد. همچنین چین در آفریقا نیز یک پایگاه دارد و به دنبال تأسیس یک پایگاه در خاورمیانه است. ارتش آزادی‌بخش خلق که برای دهه‌ها بر اصول ارتش شوروی و سپس روسیه مبتنی بود در حال آموختن درس‌هایی از اوکراین و عملیات‌های مشترک بین نیروهاست، که کلید تهاجم به تایوان خواهد بود. در این بین سربازگیری امری دشوار است. ارتش آزادی‌بخش خلق، به رغم تهیه فیلم‌هایی همچون «گرگ جنگجو» برای جذاب جلوه دادن مشاغل ملال‌آور نظامی با حقوق متوسط، تلاش می‌کند افراد ماهر، از خلبان جنگنده گرفته تا مهندس، را استخدام کند. چین تقریباً هیچ تجربه جنگی

گذشت. خطر چین واقعی است، و دولت بایدن باید در حوزه‌های بسیاری در برابر حاکمان کمونیستی مقاومت کند. اما این خطر نیز وجود دارد که نگاه امریکا به قدرت چین، دچار بزرگنمایی، محرکی برای تقابل، و بدتر از همه، یک جنگ قابل اجتناب شود. حتی بدون آغاز جنگ، این حمله هزینه‌های اقتصادی هنگفتی به بار می‌آورد، امریکا را از متحدان خود دور کرده و ارزش‌های را تضعیف می‌کند که مایه قدرت این کشور هستند. در حالی که، امریکا به ارزیابی معقول از نقاط قوت و ضعف چین نیاز دارد. یکی از نقاط ضعف چین، به عقب‌ماندگی نظامی آن برمی‌گردد. این کشور پس از چند دهه نوسازی، پرابهت، و حتی ترسناک، جلوه می‌کند. چین با داشتن ۲ میلیون نظامی و بودجه سالانه ۲۲۵ میلیارد دلاری نیروهای مسلح، دارای بزرگ‌ترین ارتش، نیروی دریایی و پدافند موشکی جهان است و تا سال ۲۰۳۰ قادر است هزار کلاهک

یکی از نقاط ضعف چین، به عقب‌ماندگی نظامی آن برمی‌گردد. این کشور پس از چند دهه نوسازی، پرابهت، و حتی ترسناک، جلوه می‌کند.

جنگ در خاورمیانه به عرصه دیگری از رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل خواهد شد، از یک طرف امریکا که حامی اسرائیل است، و از طرف دیگر چین (به همراه روسیه) که ارتباطات عمیقی با ایران دارد. چین در دریای چین جنوبی، برای شناورهای فیلپینی مشکل ایجاد می‌کند و هواپیماهای خود را به‌طور خطرناکی در نزدیکی هواپیماهای امریکایی به پرواز درمی‌آورد. سال آینده رابطه چین- امریکا بار دیگر مورد محک قرار خواهد گرفت. در ماه ژانویه سال آینده نامزدی که چین او را نادیده می‌گیرد، چه‌بسا پیروز انتخابات تایوان شود. همچنین بخش اعظم سال آینده، رقابت‌ها برای [رسیدن به] کاخ سفید به انتقادهای فراوان از چین خواهد





را به دنبال دارد. بدتر از همه این که، جهش بسیار سریع ارتش آمریکا می‌تواند در صورتی موجب وقوع جنگ فاجعه‌بار شود که شی آن را با آغاز تجاوز آمریکا اشتباه بگیرد، یا احساس نگرانی کند که اتحاد تایوان با سرزمین اصلی چین - از طریق مسالمت‌آمیز یا با زور - تنها در صورتی سخت خواهد شد که او همچنان منتظر فرصت مناسب باشد. در عوض، آمریکا به تنظیم سیاست بلندمدت خود نسبت به چین نیاز دارد. توجه به اقتصاد یعنی درهای باز نه انزوا. آمریکا برای حفظ لبه فناوری و اقتصادی خود باید، برخلاف چین، بر روی کسب و کارها باز بماند. آمریکا از نظر نظامی باید به دنبال بازدارندگی، بدون سلطه، باشد و از رقابت بر سر تسلیحات هسته‌ای یا قلمداد شدن به عنوان حامی استقلال رسمی تایوان اجتناب کند. تعامل با چین نیازمند نگاه واقع‌گرایانه به توانمندی‌های این کشور است. خبر خوب این است که نقاط ضعف چین و اشتباه شی به غرب، امکان مقابله با تهدیدات ناشی از آن را می‌دهد.

همه چیز را در کنترل خود داشته باشد. حاکمیت شخصی برای چین مضر، و برای جهان خطرناک، است. شی با بی‌توجهی به انتقادات، مثل حمله پوتین به اوکراین، دچار اشتباه محاسباتی خواهد شد. با این حال، چه بسا اطلاع او از اینکه در صورت تهاجم به تایوان و عدم تصرف آن، قدرتش را از دست بدهد، بازدارنده او از این حمله باشد. یک مطلب روشن است: با وجود زور آزمایی‌های مقطعی و مطلوب برای دیپلماسی سازنده، همچون از سرگیری تازه تماس‌های حکومتی با آمریکا، تعهد شی به تضعیف ارزش‌های لیبرال در سطح جهان، از بین نرفته است.

در نهایت پاسخ آمریکا باید معقول باشد. طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، تضعیف اقتصاد چین از طریق انزوای آن می‌تواند تولید ناخالص داخلی جهانی را تا ۷ درصد کاهش دهد. بستن مرزهای آمریکا به روی افراد مستعد چینی نوعی خودزنی به شمار می‌رود. اتخاذ سیاست کاملاً خصمانه، خطر ایجاد شکاف بین شبکه متحدان آمریکا

ندارد - که شی از آن به عنوان «بیماری صلح» یاد می‌کند. اگرچه چین جهش‌هایی در فناوری داشته است، از موشک‌های فراصوت گرفته تا جنگنده‌های رادارگریز، اما مجتمع‌های نظامی - صنعتی آن عقب‌تر از حوزه‌هایی همچون موتورهای هواپیما و شناورها بوده و به قطعات خارجی متکی‌اند. تحریم‌های آمریکا علیه نیمه‌رساناها و اجزای تشکیل‌دهنده آنها می‌تواند رسیدن چین به مرزهای جهانی را با دشواری مواجه کند. با وجود پاکسازی‌های بی‌وقفه شی، فساد در چین همچنان فراگیر است و نشان می‌دهد که چرا ژنرال لی شانگ‌فو، وزیر دفاع چین، پس از چند ماه وزارت، از کار برکنار شد.

علاوه بر نقاط ضعف نظامی، ضعف‌های اقتصادی چین نیز ملموس هستند. بحران اموال و دارایی، و خصومت حزب کمونیست با بخش خصوصی و سرمایه خارجی شدید است. براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی چین امسال به ۵/۴ درصد رسیده و در سال ۲۰۲۸ به ۳/۵ درصد خواهد رسید. سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی، برای نخستین بار از زمان ثبت آن در سال ۱۹۹۸، در سه ماهه چهارم امسال منفی شده است. اقتصاد چین ۱۸ تریلیون دلار است، اما تولید ناخالص داخلی این کشور با وجود جمعیت زیاد بعید است در طول سده بیست و یکم یا اواسط آن، تولید ناخالص داخلی آمریکا را پشت سر بگذارد.

در کنار نقاط ضعف نظامی و اقتصادی، مشکل عمیق‌تری نیز وجود دارد: تسلط شی بر نظام اقتدارگرایی که اجازه گفت‌وگوی سیاسی جدی داخلی را نمی‌دهد. در نتیجه تصمیم‌گیری وخیم‌تر خواهد شد. سرسپردگان، فن‌سالاران اقتصادی را به حاشیه خواهند راند. در یک مطالعه، نظامیان ارتش آزادی‌بخش خلق یک چهارم وقت خود را صرف آموزش سیاسی و تعمق در امور الهام‌بخشی همچون «اندیشه‌های شی جین‌پینگ در خصوص تقویت ارتش» می‌کنند. ایدئولوژی شی یعنی اینکه حزب، که خودش آن را رهبری می‌کند، باید



۴ رویکرد چینی برای توسعه صنعتی ایران

محمد کاوه باغبادرانی، پژوهشگر دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید دانشگاه امام صادق (ع)

۱- رونق تولید محصولات صنعتی صادرات محور

از سال ۱۹۷۸ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، سهم صنایع کاربر مانند نساجی و مواد غذایی در تولید ارزش افزوده افزایش یافت. براساس پایگاه داده بهره‌وری صنعتی چین، سهم کل صنایع غذایی، نوشیدنی، نساجی و پوشاک در تولید ارزش افزوده به ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۱ رسید؛ درحالی که سهم صنایع فلزات، ماشین‌آلات و وسایل نقلیه حمل‌ونقل تنها ۹٫۴ درصد بود. در این دوران سیاست توسعه رسمی دولت، صنعتی‌سازی صادرات محور بود و هزینه‌های پایین نیروی کار در صنایع کاربر از اهمیت بالایی برخوردار شد. این دوره همچنین آزادسازی بازار و اصلاحات مستمر به وقوع پیوست که منجر به افزایش درآمد و کاهش سریع فقر شد و رفاه اقتصادی را بهبود بخشید. یکی از تجربه‌های سیاست توسعه صنعتی چین که باید در تدوین سیاست‌های صنعتی ایران به آن توجه شود، حرکت از بازرگانی به تجارت جهانی و ایجاد کسب‌وکارهای بین‌المللی است. چین به دلیل دسترسی به نیروی کار ارزان قیمت، سیاست تولید صنعتی صادرات محور را در پیش گرفت و توانست سرعت رشد خود را ارتقا بخشد. کشور ایران علاوه بر دسترسی به نیروی کار ارزان قیمت نسبت به سایر کشورها و توان تامین انرژی ارزان برای صنایع می‌تواند این اثرگذاری و رشد را دوچندان تجربه

در چند سال اخیر روند توسعه کشورها به برکت گسترش فناوری سرعت بالایی پیدا کرده و رقابت جهانی افزایش یافته است. آن چیزی که بسیاری از برنامه‌نویسان و سیاست‌گذاران ملی و صنعتی به آن توجه کرده‌اند، تسهیل ورود فناوری به کشور، جذب سرمایه و الحاق به زنجیره‌های ارزش جهانی است. بهترین راهکار برای تحقق این امور، افزایش تعاملات جهانی و روند پژوهی سیاست‌های وضع شده کشورهای توسعه یافته است. با توجه به رشد فناورانه و اقتصادی کشور چین و سابقه تدوین ۱۴ برنامه توسعه‌ای در این کشور از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۲۵، نیاز است روند سیاست‌گذاری صنعتی در این کشور و آینده متصور خودش را در کنار ظرفیت‌های موجود و پتانسیل‌های بالقوه ایران مورد مطالعه قرار داد. در این گزارش تلاش شده برش‌هایی در مقاطع زمانی مختلف از سیاست‌های توسعه‌ای چین در کنار مطالعه وضعیت ایران ارایه شود.

از ۳۷,۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۳,۶ درصد در سال ۲۰۰۰ (و بیشتر از ۵۲ درصد در سال ۲۰۱۰) افزایش یافت. مداخله دولت در این دوره بسیار گسترده بود و جریان‌های بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی به‌لطف سیاست درهای باز دولت به رونق سرمایه‌گذاری در این صنعت کمک کرد. در این دوره بانک‌های دولتی نیز وجوهی را برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فراهم کردند.

از جمله مهم‌ترین صنایعی که ایران پتانسیل رشد و افزایش توان تولید در آن دارد، صنعت فولاد است. نگاه به تجربه و سیاست‌های تدوینی کشور چین نشان می‌دهد که این کشور توانسته جایگاه مطلوبی در تولید و مصرف فولاد داشته باشد. فولاد که عموماً در ساخت‌وساز و بخش‌های زیرساختی، صنعت قطعه و اتومبیل، تولید انواع ماشین‌آلات و نیز صنعت ساخت لوازم مورد استفاده در خانه و آشپزخانه مصرف دارد؛ پایه اصلی ساخت دنیای جدید است. چین و پس از آن اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین سازندگان فولاد جهان هستند و پس از این دو، ژاپن، ایالات متحده، هند، روسیه و کره جنوبی جزو بزرگان صنعت فولاد هستند. ایران نیز سال ۲۰۲۱ با تولید بیش از ۲۸،۵ میلیون تن و اندکی افت دهمین فولادساز جهان بوده است.

مبتنی بر سیاست‌های صنعتی ایران، تولید فولاد تا سال ۱۴۰۴ به ۵۵ میلیون تن در سال خواهد رسید. نکته‌ای که در تدوین نقشه‌راه صنعت باید به آن توجه شود، کیفیت تولید توأمان با کمیت آن است. به عنوان یک آسیب کلی بر برنامه‌های صنعتی می‌توان بیان داشت که در گذشته شاید توجه به مقدار تولید بوده اما امروزه با توجه به سیاست‌های همپایی لازم است کیفیت تولید نیز مورد توجه قرار بگیرد. به عنوان نمونه به‌جای آنکه هدف صنعت تولید ۵۵ میلیون تن فولاد باشد، این رقم باید حدود ۳۰ میلیون تن فولاد آلیاژی باشد. بهترین راهکار برای رشد صنایع ایجاد تعامل با کشورهای پیشرو و تسهیل ورود فناوری است.

از سوی دیگر علی‌رغم تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران، این کشور هنوز توان بالایی در جذب سرمایه‌گذار خارجی دارد. باید موردتوجه سیاست‌گذاران قرار بگیرد که ورود تجهیزات، فناوری و نیروی متخصص نیز به‌نوعی جذب سرمایه به‌حساب می‌آید و باید برای اینها برنامه‌های مشخصی تدوین شود. سرمایه‌گذار خارجی توان تولید ارزان در ایران و صادرات به کشورهای دیگر را دارد و این یک مزیت اساسی در تامین مالی و رونق تولید کشور به‌حساب می‌آید. بهترین کشوری که می‌توان با آن ارتباط صنعتی، مالی و فناورانه برقرار کرد، چین است. با عنایت به اینکه این کشور توانسته همپایی اقتصادی را به‌صورت مثبت تجربه کند، الگوی مناسب جهت ایجاد ارتباط صنعتی و اقتصادی است.

۳- الحاق به سازمان‌های جهانی و توجه به صنایع پیشرفته

نقطه عطف مهم دیگر در روند صنعتی‌شدن چین مربوط به سال ۲۰۰۱ است؛ سالی که چین به سازمان تجارت جهانی پیوست و به همین واسطه سهم سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص داخلی



کند. ارزان بودن نهاده‌های تولید در کشور باعث افزایش توان رقابت خارجی و پیروزی صنعت کشور در جنگ قیمت جهانی می‌شود. علاوه بر برنامه‌ریزی جهش تحقق این مهم باید روند بازگشت سرمایه و افزایش کیفیت محصولات تولیدی نیز مورد توجه قرار بگیرد. این امر نکته‌ای است که مورد ملاحظه سیاست‌گذاران کشور چین قرار گرفت.

۲- تامین مالی و توسعه صنایع سرمایه‌بر

نقطه عطف صنعتی شدن در چین در سال ۱۹۹۲ بود. از این سال دولت سیاست جدید توسعه صنایع سرمایه‌بر از جمله فولاد، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل را در اولویت سیاست صنعتی خود قرار داد و سهم این صنایع در ارزش‌افزوده صنعتی به سرعت افزایش یافت. کل سهم منسوجات و مواد غذایی در صنعت به کمک سرمایه‌گذاری‌های کلان در این صنایع، در سال ۱۹۹۲ به ۲۸ درصد و پس از سال ۲۰۰۴ به زیر ۲۰ درصد کاهش یافت؛ درحالی که کل سهم صنایع فلزی، فولادی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل



درصد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ است. چین با اندازه اقتصاد ۱۴,۲ تریلیون دلار، ۷۰,۶ درصد از کیک اقتصادی این سازمان را به خود اختصاص داده و نشان می‌دهد که سیاست‌های صنعتی و اقتصادی تدوینی آن در گذر زمان صحیح عمل کرده است.

۴- نقشه راه مبتنی بر نوآوری و فناوری

سیاست‌های صنعتی چین پس از سال ۲۰۱۵ با تاکید دولت بر توسعه فناوری مشخص می‌شود. جهت‌گیری سیاست‌های صنعتی چین به سمت نوآوری از آمار حوزه علم و فناوری قابل درک خواهد بود. مجموع هزینه‌های تحقیق و توسعه و کل درخواست‌های ثبت اختراع طی سال‌های اخیر در چین به طور گسترده‌ای افزایش یافته است. براساس داده‌های توسعه‌ای بانک جهانی، هزینه‌های تحقیق و توسعه به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی از تنها ۰,۶ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۰,۹ درصد در سال ۲۰۰۱ حدود ۱,۷ درصد در سال ۲۰۰۹ و ۲,۱ درصد در سال ۲۰۱۶ و به ۲,۵۶ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت. در سال ۲۰۱۵، دولت چین طرحی بلندپروازانه را برای ترویج انقلاب صنعتی چهارم در چین اعلام کرد که با نام «ساخت چین ۲۰۲۵» و با اهداف مشخصی برای سال ۲۰۲۵ شناخته می‌شود. این طرح ۱۰ صنعتی را که در اولویت قرار خواهند داشت مشخص

به طور قابل توجهی افزایش یافت. پس از سال ۲۰۰۱ تغییر ساختاری به سمت صنایع با فناوری پیشرفته (به ویژه ماشین‌آلات الکترونیکی و وسایل نقلیه حمل و نقل و تجهیزات مخابراتی) رفت. سهم صنایع با فناوری پیشرفته در کل ارزش افزوده تولیدی از ۱۱,۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۱۳,۵ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت و در سال ۲۰۱۰ به ۲۰ درصد رسید. سهم محصولات فناوری اطلاعات در صادرات کالاهای چینی در سال ۲۰۰۴ به ۳۰ درصد رسید و پس از آن بین ۲۵ تا ۳۰ درصد باقی ماند. این آمار حاکی از تلاش‌های موفقیت‌آمیز دولت برای تحقق یک تغییر ساختاری در صنعت به سمت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر پس از سال ۲۰۰۲ است.

یکی از اقدامات مهم دولت سیزدهم، الحاق ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای است. ایجاد ارتباطات بین‌المللی با دیگر کشورها و توسعه روابط تجاری همسو با حفظ موازین جمهوری اسلامی از جمله مواردی است که در کشور باید به آن توجه شود. با توجه به عضویت ایران و چین در این سازمان، ضرورت توسعه روابط بین دو کشور بیش از پیش معنا پیدا می‌کند. از سوی دیگر رشد صنایع پیشرفته نیازمند افزایش تعاملات جهانی و تسهیل ورود فناوری به صنعت است که چین یکی از پیشتازان این عرصه است. اندازه اقتصاد ۱۲ عضو سازمان همکاری شانگهای ۲۰,۱ تریلیون دلار معادل ۲۲,۹

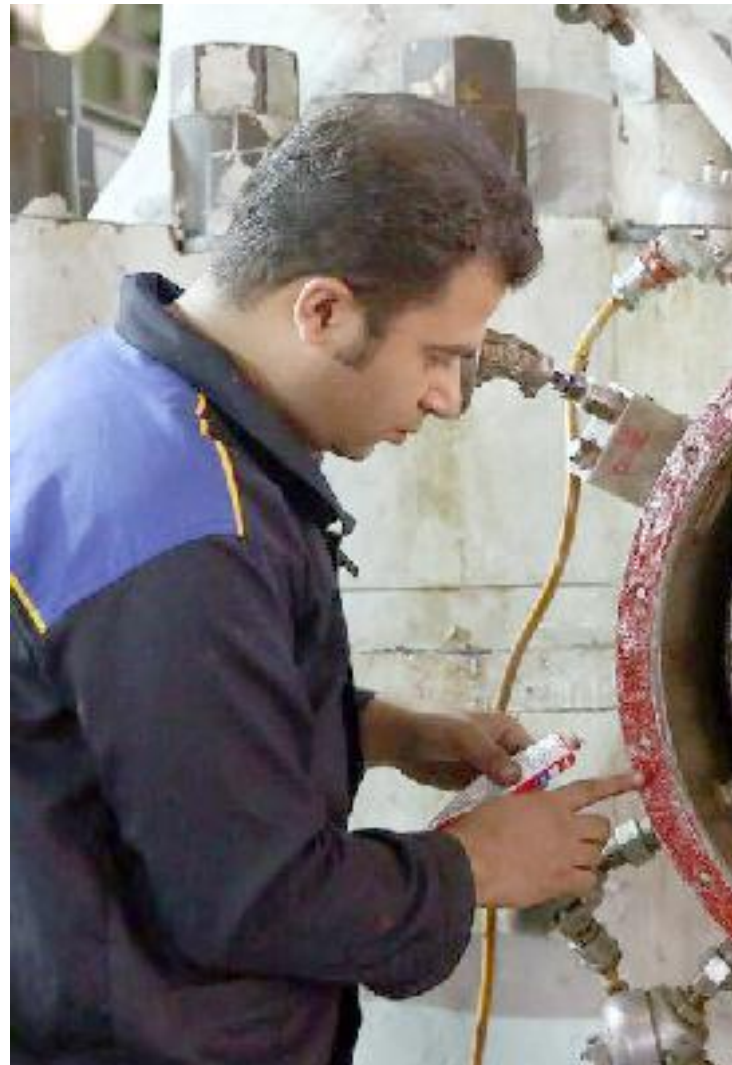
کشورها به‌خصوص چین پررنگ می‌کند، توجه به اهمیت ایجاد همپایی است. در عقیده نظریه‌پردازان، همپایی فرآیندی است که یک کشور در حال توسعه فاصله خود را با کشور پیشرو از نظر درآمد سرانه (همپایی اقتصادی) و قابلیت‌های فناوریانه (همپایی فناوریانه) کاهش می‌دهد. موضوع همپایی فناوریانه از این نظر حائز اهمیت است که هم‌تکاملی محیط نهادی و سیاست‌ها با توسعه فناوری‌ها در بخش‌های مختلف دارای ضرورت است. با توجه به ضرورت ورود فناوری به چرخه صنعت و حرکت در مسیر رونق کسب‌وکارهای دانش‌بنیان باید فناوری و اتصال به زنجیره‌های ارزش جهانی موردتوجه سیاست‌گذاران قرار بگیرد. مبتنی بر راهکار ارایه داده شده، سه روش برای رشد کشور با نگاه به تاریخچه سیاست‌گذاری کشورها وجود دارد که عبارتند از دنباله‌روی مسیر، الگوی پرش از مراحل و الگوی خلق مسیر جدید. با توجه به پیشرفت هریک از صنایع لازم است الگوی رشد مناسب آن در تعامل با دیگر کشورها اتخاذ شود.

جمع بندی؛ گسترش تعاملات جهانی

یکی از بهترین راهبردها برای علاج مشکلات اقتصادی کشور و رونق‌بخشی به صنعت، گذار از اقتصاد نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان است. این امر نیازمند سه شرط اساسی است: مطلوبیت اقتصادی، امکان‌پذیری سیاسی و پذیرش اجتماعی. حال آنکه ادبیات اقتصادی غالباً به‌شرط اول یعنی تجزیه و تحلیل اقتصادی پیشنهادها و آثار آنها پرداخته و به دو شرط دیگر کمتر توجه داشته است. به‌علاوه راه‌حل‌های اقتصادی مرسوم هم بیشتر جنبه مدیریت اقتصاد کلان کشورها را هدف می‌گیرند، بدون اینکه به ساختار صنعتی و اقتصاد خرد کشورها و همچنین زنجیره‌های جهانی ارزش توجه کنند.

مدیریت اقتصاد کلان اگرچه لازم است اما به‌تنهایی نمی‌تواند موجب رشد پرسرعت صنعتی بر مبنای اقتصاد دانش‌بنیان را فراهم کند. تحقق دو شرط بعدی، براساس تعریف نیازمند مطالعات عمیق بافت و ترکیب سیاسی اجتماعی خاص هر جامعه است، با این هدف که شرایط تحولات نهادی و تغییرات سیاستی مطلوب شناسایی شوند. آرایه بسته‌های پیشنهادی دقیق و با احتمال موفقیت بالا جز از طریق مطالعات موردی تجربی امکان‌پذیر نیست و تحلیل‌های نظری کلمه تنها می‌توانند راهنمای این مطالعات باشند.

از سوی دیگر براساس مطالعات صورت گرفته، علاوه بر نیاز مطالعه روند طی شده دیگر کشورها و کسب آموزه‌های مورد نیاز، ایجاد ارتباطات جهانی با دیگر ملل بسیار مورد تاکید است. با وجود قرابت سیاسی بین ایران و چین و موفق عمل کردن این کشور در تدوین استراتژی‌های رشد و توسعه نیاز است سطح تعاملات فی مابین ارتقا یابد. با عنایت به لزوم حرکت در مسیر ایجاد کسب و کارهای بین‌المللی، قرارگیری در زنجیره‌های ارزش جهانی، تجربه موفق کشور چین و پتانسیل بالا رشد ایران، تحقق این امر بیش از پیش مورد تاکید است.



کرد؛ این صنایع عبارتند از فناوری اطلاعات، ابزارهای کنترل عددی و روباتیک، تجهیزات هوافضا، کشتی‌های با فناوری پیشرفته، تجهیزات راه‌آهن، وسایل نقلیه با انرژی‌های جدید، تجهیزات انرژی، داروسازی و ماشین‌آلات کشاورزی. این طرح همچنین وظایف راهبردی قابل توجهی را برای ارتقای تعدیل ساختاری در صنعت، بهبود ظرفیت نوآوری تولید، ادغام فناوری اطلاعات و صنعتی‌سازی، تقویت پایه‌های صنعتی، توسعه برندهای باکیفیت بالا، بین‌المللی کردن تولید و ترویج تولید سبز تعیین کرد.

براساس این طرح، سهم شرکت‌های فناوری داخلی تا سال ۲۰۲۵ در بخش ماشین‌های کنترل دیجیتال کامپیوتری به ۸۰ درصد، در بخش ربات‌های صنعتی به ۷۰ درصد، در بخش ابردادها به ۶۰ درصد و در بخش نرم‌افزارهای صنعتی به ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. درنهایت می‌توان این طرح را ابتکاری در مسیر ارتقای جایگاه چین در زنجیره‌های ارزش و کسب ارزش افزوده بالاتر در تجارت بین‌المللی ارزیابی کرد. آن چیزی که گسترش روابط ایران را با سایر

نوع فعالیت: طراحی، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و دقت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، فولاد، دارویی، شیشه سازی و خودرو
 نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک غربی، پلاک ۶۱
 تلفن: ۸۸۶۰۴۷۳۵ ۸۸۶۰۴۷۳۶
 فاکس: ۸۸۶۰۴۷۳۹

پست الکترونیک: office@otce-co.com



تجهیزات توربو کمپرسور نفت
 مدیر عامل: مرتضی کاظمی

نوع تولید: ظروف آشپزخانه

نشانی: مشهد، شهرک صنعتی توس، فاز ۱، کوشتن شمالی ۵،

گروه کارخانجات مقصود

تلفن: ۰۵۱۳۵۱۵۲۰۰۰

فاکس: ۰۵۱۳۵۴۱۰۴۵۱

پست الکترونیک: info@grandmaghsoud.com

وب سایت: www.grandmaghsoud.com



گروه کارخانجات مقصود
 مدیر عامل: مهدی اجمانی



نوع تولید: تولید محصولات شیمیایی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، زیر پل کالج، نرسیده به چهارراه کالج، پلاک ۸۹۶، طبقه سوم

کد پستی: ۱۱۳۳۹۳۵۹۱۸

تلفن: ۶۶۷۰۱۷۴۱

فاکس: ۶۶۷۰۲۴۳۷

پست الکترونیک: info@chemico.ir

وب سایت: www.Chemico.ir



کیمیا یا لایش شکوید
 مدیر عامل: فرامرز توایی

نوع تولید: لوازم خانگی

نشانی: تهران، خیابان فیاضی (فرشته)، روبه روی خیابان آفا بزرگی، پلاک ۷۰، ساختمان نسل:

طبقه ۴، واحد ۷

کد پستی: ۱۹۶۴۹۳۳۹۶۰

تلفن: ۳۳۶۵۵۰۰

فاکس: ۲۲۰۳۷۸۰۴

پست الکترونیک: Info@neico.net

وب سایت: www.neico-electric.com



صنایع الکتریکی ناسیونال ایران

صنایع الکتریکی ناسیونال ایران
 رئیس هیئت مدیره: شاهین علیمحمدی



نوع تولید: تولید انواع چسب خانگی و صنعتی

نشانی: تهران، خیابان خالد اسلامبولی تبش، خیابان احمدیان جنب بانک

آینده پلاک ۱۳۷ طبقه ۵، کد پستی: ۱۵۱۳۸۳۳۱۱۷

تلفا کس: ۸۸۵۵۰۵۳۳

وب سایت: www.RaziChemical.com



شیمیایی رازی
 مدیر عامل: امیررضا نقی گنجی





شرکت تولید، پخش و خدمات مواد غذایی - استرالیا
Actmco Food Center Kft. Co.
تلفن: ۰۰۳۶-۱۱۱۱۱۱۱۱

یونسسهای مصنوعی مواد غذایی
مدیر عامل: توشین عطاریان

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، جمالزاده شمالی، کوچه خسرو، پلاک ۷

کد پستی: ۶۳۹۵۱-۱۴۱۸۷

نوع تولید و فعالیت: تولید انواع قیلیم در برابر نفوذ اکسیژن جهت صنایع لبنی و گوشتی.

تلفن: ۶۶۹۴۶۰۵۵

فکس: ۶۶۹۴۶۰۵۲

پست الکترونیک: actmco.office@gmail.com

وب سایت: afcmco.com



شرکت سرمایه گذاری گروه صنعتی رازی - ایران
Razi Industrial Group Investment

گروه صنعتی رازی
مدیر هماهنگی: محمدرضا تقی گنجی

نشانی: تهران، خیابان گاندی جنوبی، کوچه یکم، ساختمان گروه صنعتی رازی

تلفن: ۸۸۸۸۰۰۷۲

فاکس: ۸۸۸۸۰۰۷۱

وب سایت: razi-group.com



سبزی ایران
مدیر عامل: "احمد فتح الهی"

نوع تولید: تولید مواد غذایی (سبزیجات خشک، ادویه جات، غذاهای نیمه آماده و جاشنی ها)

نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان سپهروردی شمالی، خیابان برازنده، پلاک ۶۲، واحد ۵

تلفن: ۸۸۷۳۰۰۰۸

فاکس: ۷۷۵۲۷۷۹۷

وب سایت: www.sabziranco.com

پست الکترونیک: sabziranco@yahoo.com



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

بانک کارآفرین
مدیر عامل: احمد بهاروندی

نوع فعالیت: بانکداری

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر روبروی پارک ملت خیابان ناهید غربی پلاک ۹۷

تلفن: ۲۶۲۱۵۰۰۰

فاکس: ۲۶۲۱۵۱۵۸

پست الکترونیک: Info@karafarinbank.ir

وب سایت: www.karafarinbank.ir



بیمه تعاون

بیمه تعاون
مدیر عامل: یونس مفلومی

نوع فعالیت: ارائه دهنده خدمات بیمه‌ای

نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان قائم مقام قزوینی، کوچه ششم، پلاک ۲۲

ساختمان بیمه تعاون

کد پستی: ۱۵۸۶۸۴۳۹۱۱

تلفن: ۱۶۰۲

فاکس: ۸۸۵۴۷۸۰۴

پست الکترونیک: info@taavon-ins.ir

وب سایت: www.taavon-ins.ir

انجمن مدیران صنایع به عنوان شکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تاثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.

به جمع ما بپیوندید

۸۸۳۰۴۰۷۰-۸۸۸۱۳۰۴۷
۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶

www.amsiran.com

